

# از تعقیب تا زندان

آشنایی با حقوق متهمان و محکومان سیاسی امنیتی

بر اساس آخرین اصلاحات قانون

روزبه گیلانیان

پاییز ۱۳۹۶



۶	مقدمه
۸	<b>فصل ۱. جرایم و مجازات</b>
۹	تقسیم بندی جرایم انتسابی به حوزه فعالین مدنی
۱۰	<b>جرایم امنیتی</b>
۱۰	۱- تشکیل یا اداره دسته ، جمعیت و شبه جمعیت با هدف برهم زدن امنیت کشور (ماده ۴۹۸ ق.م.ا)
۱۲	۲- عضویت در دسته ، جمعیت و شبه جمعیت با هدف برهم زدن علیه امنیت کشور (ماده ۴۹۹ ق.م.ا)
۱۲	۳- فعالیت تبلیغی علیه نظام (ماده ۵۰۰ ق.م.ا)
۱۳	۴- جاسوسی با در اختیار قراردادن اسناد
۱۳	۵- جاسوسی به نفع دول بیگانه
۱۴	۶- نقشه برداری یا گرفتن عکس و فیلم برداری از استحکامات نظامی
۱۴	۷- تحریک موثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی
۱۵	۸- جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده با پوشش مسوولین نظام
۱۵	۹- همکاری با دول خارجی متخاصم
۱۵	۱۰- مخفی ساختن و اختفای جاسوسان یا شناسایی و جذب آنها
۱۶	۱۱- تهدید به بمب گذاری
۱۶	۱۲- اغوا و تحریک مردم به جنگ و کشتار
۱۸	جمع بندی فصل جرایم امنیتی
۱۹	<b>جرایم عادی با امکان ماهیت سیاسی</b>
۱۹	۱- اهانت به مقدسات
۱۹	۲- اهانت به حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری
۱۹	۳- سوء قصد به جان مقام معظم رهبری ، روسای قوای سه گانه و مراجع تقلید
۲۰	۴- توهین به رؤسای سه قوه ، وزرا ، نمایندگان مجلس و خبرگان و شورای نگهبان و
۲۱	۵- اجتماع و تبانی بیش از دو نفر بر ضد امنیت
۲۲	۶- اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی
۲۲	۷- آتش زدن عمدی عمارت ، هواپیما ، اشجار و
۲۳	۸- تخریب اموال منقول و غیر منقول

- ۹- سوزاندن و اتلاف اسناد دولتی و غیر دولتی..... ۲۳
- ۱۰- خرابکاری در تاسیسات عمومی ..... ۲۴
- ۱۱- تهدید بهداشت عمومی و محیط زیست ..... ۲۵
- ۱۲- افترا به غیر از طریق نوشتاری یا گفتاری ..... ۲۶
- ۱۳- تشویش اذهان عمومی از طریق اظهار کذب ..... ۲۷
- ۱۴- هجو از طریق شعر یا نثر، کتبی یا شفاهی..... ۲۸
- ۱۵- خرابکاری در سامانه های رایانه ای و مخابراتی خدمات عمومی..... ۲۹
- ۱۶- نگهداری یا انتشار عکس ها و محتویات مستهجن یا مبتذل..... ۲۹
- ۱۷- هتک حیثیت افراد توسط سامانه های رایانه ای یا مخابراتی از طریق تغییر یا تحریف ..... ۳۱
- ۱۸- هتک حیثیت افراد توسط سامانه های رایانه ای یا مخابراتی از طریق انتشار اسرار خصوصی ..... ۳۱
- ۱۹- نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی بوسیله سامانه های رایانه ای..... ۳۲

جرایم سیاسی..... ۳۵

جرایم با مجازات حدی..... ۴۲

## فصل ۲. تعقیب و بازداشت..... ۴۷

ضابطان دادگستری..... ۴۸

انواع قرارهای تامین و نظارت قضایی..... ۵۱

## فصل ۳. حقوق متهم..... ۵۴

حقوق متهمان در آیین دادرسی کیفری..... ۵۵

استناد به قانون و عدم تبعیض..... ۵۵

بی طرفی و استقلال قاضی..... ۵۶

اصل براءت..... ۵۷

حق آگاهی نسبت به اتهام و حق داشتن وکیل..... ۵۸

مراعات آزادی های مشروع و حقوق شهروندی..... ۶۰

## فصل ۴. تعاریف و اصول دفاع از حقوق متهم..... ۶۷

تعریف جرم..... ۶۸

قصد ارتکاب به جرم، جرم نیست..... ۶۹

ادله اثبات جرم..... ۷۰

۷۰	..... نکات مهم در خصوص اقرار متهم
۷۱	..... نکات مهم در خصوص علم قاضی
۷۲	..... عطف به ماسبق شدن/نشدن قانون
۷۳	..... اعمال قاعده دراء
۷۴	..... اصول حاکم در خصوص صدور احکام تعزیری
۷۵	..... تخفیف مجازات
۷۸	..... تعویق صدور حکم
۷۹	..... تعلیق اجرای مجازات
۸۱	..... آزادی مشروط
۸۲	..... مجازات های جایگزین حبس
۸۵	..... مرور زمان
۸۷	..... توبه
۸۹	..... تعدد جرم
۹۰	..... تکرار جرم
۹۱	..... محکومیت موثر و محرومیت از حقوق اجتماعی
۹۱	..... مصادیق محکومیت های موثر
۹۲	..... مصادیق حقوق اجتماعی
۹۴	..... <b>فصل ۵. رسیدگی در دادگاه</b>
۹۵	..... رسیدگی در دادگاه
۹۷	..... نکات مهم در خصوص رسیدگی
۹۹	..... <b>فصل ۶. اعتراض به آرا</b>
۱۰۰	..... انواع طرق اعتراض به آرا
۱۰۰	..... واخواهی
۱۰۱	..... تصحیح رای
۱۰۱	..... تجدید نظر خواهی
۱۰۳	..... فرجام خواهی
۱۰۴	..... اعاده دادرسی

۱۰۵.....	خلاف شرع بین
۱۰۶.....	<b>فصل ۷. اجرای احکام کیفری</b>
۱۰۷.....	چگونگی اجرای احکام.....
۱۰۸.....	نکات مهم در خصوص اجرای احکام.....
۱۱۰.....	<b>فصل ۸. زندان و قوانین مربوط به تحمل حبس</b>
۱۱۱.....	انواع زندان.....
۱۱۳.....	دفتر حمایت از حقوق شهروندی زندانیان.....
۱۱۴.....	وسایل مجاز مورد استفاده در زندان.....
۱۱۵.....	شورای طبقه بندی زندانیان.....
۱۱۶.....	بعضی از مقررات انضباطی زندان.....
۱۱۸.....	مسائل مربوط به بهداشت و درمان زندانیان.....
۱۱۹.....	مسائل مربوط به مرخصی زندانیان.....
۱۲۲.....	مسائل مربوط به ملاقات و ارسال مرسولات زندانیان.....
۱۲۳.....	شورای انضباطی زندان.....
۱۲۴.....	وظایف قاضی ناظر زندان.....

# مقدمه

این کتاب نه یک تالیف در معنای رایج آن؛ بلکه نوعی گردآوری، سامان دهی و ساحت بخشی قوانین و مقررات به منظور ایجاد درک دقیق تر از حدود ممکن و مختصات حیطة عمل فعالین مدنی و نیز تلاش در جهت اصلاح نقصان ها است. زیست فعال در یک جامعه نیازمند اطلاع از قوانین و مقررات آن جامعه و تلاش در جهت تعریف و بازتعریف این قوانین است. در مورد فعالیت در حوزه سیاست این امر دو چندان اهمیت دارد. کسی که نداند جرایم سیاسی و امنیتی چه مصادیقی دارند چگونه می تواند حدود آنها را رعایت کرده یا مرزهای آن را جابجا سازد؟ همچنین کسی که نداند در این زمینه، حکومت او را صاحب چه حقوق غیر قابل نقضی دانسته است چگونه می تواند به نقض شدن آنها ایراد وارد ساخته و به دفاع از خویش برآید؟ می توان سعی این کتاب را نوعی آموزش مهارت دانست، مهارتی که در عرصه عمل می توان آن را به کار بست، تجربه کرد و با پیچ و خم هایش آشنا شد. خود این کتاب نیز به طریقی حاصل همین تجربه در عمل و آموزش به واسطه نیاز بوده است.

در این کتاب در ابتدا به جرایم و مجازات های آن اشاره شده است تا فرد به طور ملموسی به درکی از میدان باید ها و نباید های فضای سیاست برسد. جرایم در چهار عنوان جرایم امنیتی، جرایم عمومی با امکان محتوای سیاسی، جرایم سیاسی و جرایم با مجازات حدی تقسیم بندی شده اند. در مورد هر جرم نیز توضیحات اضافه یا نکات مهمی که باید به آن بیشتر توجه داشت، در حد دانش نویسنده، آورده شده و نیز نقصان های موجود در قانون جهت اصلاح به بحث گذاشته شده است. در فصل بعدی به تعقیب و بازداشت و تحقیق از فرد در دادسرا و انواع قرارهای تامین پرداخته شده است. فصل سوم در خصوص حقوق متهم در قوانین بحث می نماید و در فصل چهارم به روش ها و مواد قانونی اشاره می شود که به واسطه آنها می توان به

دفاع از خود پرداخت. فصل پنجم در خصوص رسیدگی به اتهام در دادگاه ها و صلاحیت و نحوه برگزاری جلسات دادگاه است. فصل ششم به اعتراض به آرای صادره و انواع روش ها و امکان های اعتراض پرداخته است. فصل بعدی به اجرای احکام کیفری و نیز نکات مهم این قضیه اختصاص دارد. در نهایت در فصل آخر به مجازات حبس ، انواع زندان و نیز مقررات حاکم بر زندانیان و حقوق آنها اشاره می شود.

همان طور که دیده می شود سامان کتاب به گونه ای چیده شده است که هر فعال مدنی در جریان فعالیتش ممکن است به صورت مرحله ای با آن مواجه شود : از تعقیب ، احضار ، بازداشت ، تفهیم اتهام ، رسیدگی در دادگاه ، صدور رای ، اعتراض به آرا ، تجدید نظر ، اجرای احکام کیفری و در نهایت زندان. امید که هیچ کس وارد این چرخه نشود و هیچ کس را بی دلیل وارد این چرخه ن سازند؛ اما به هر ترتیب کسی که قصد دارد در حیطه سیاست فعالیت نماید ناگزیر از دانستن این موارد است. امید که این کتاب گشایشی باشد برای ورود و کلا ، قضات ، اساتید حقوق و سایر کارشناسان به بحث در خصوص اصلاح و رفع ابهام از بعضی مواد قانون تا بسیاری از گل آلودی این آب ماهی نگیرند به خصوص که در سال ۹۷ ، اجرای آزمایشی پنج ساله قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ و نیز اجرای آزمایشی قانون آیین دادرسی کیفری به پایان رسیده و احتمالاً لایحه اصلاح این قوانین مهم و سرنوشت ساز هم اکنون در دست تهیه است، در صحن مجلس مطرح شده و به تصویب خواهد رسید. فعالین سیاسی و مدنی نیز باید از تجربیات ۵ ساله خود در خصوص این قانون جدید سخن بگویند ، محاسن این قانون نسبت به قانون سابق را تقویت کرده و معایب و ابهامات آن را که سبب تضییع حقوق شان شده است را برطرف سازند.

# فصل ۱ . جرایم و مجازات



## تقسیم بندی جرایم انتسابی به حوزه فعالین مدنی

فعالین مدنی در اینجا یک نامگذاری صرف است به عده ای افراد بی نام یا با نام هایی چون فعالان سیاسی، مجرمان امنیتی، آشوب گران، خرابکاران، جاسوسان و ... که چون هر یک از این اوصاف تا حد زیادی تحت نوعی برچسب ارزش گزارانه، از پیش متعین شده اند ما از آن اجتناب می کنیم. اصل را بر براءت گذاشته و همه را به عنوان یک فعال مدنی در عرصه اصلاح امور و تغییر وضعیت موجود به وضعیتی بهتر قلم داد می کنیم که ممکن است به درست یا به خطا به یکی از جرایم این فصل متهم گردند. جرایمی که در زیر آورده می شود، جرایمی است که توسط قانون تعریف شده و برای آنها مجازات تعیین شده است. معیار این تقسیم بندی از یک سو فصل بندی موجود در قانون مجازات اسلامی است و از سویی دیگر تقسیم بندی مجازات های حدی و تعزیری، به همین دلیل می توان آن را تقسیم بندی در معنای مصطلح آن به حساب نیاورد بلکه چهار عنوان برای شرح بهتر و دقیق تر جرایم موجود در قانون است. این چهار عنوان عبارتند از:

۱- جرایم امنیتی

۲- جرایم عادی با امکان محتوای سیاسی

۳- جرایم سیاسی

۴- جرایم با مجازات حدی

## جرایم امنیتی

یکی از شایع ترین انواع جرایم که در قانون مجازات اسلامی مصوبه سال ۷۵ وجود داشته و اغلب فعالین مدنی ممکن است در معرض اتهام به آن قرار داشته باشند جرایمی است که در فصل اول «کتاب پنجم تعزیرات و مجازات بازدارنده» تحت عنوان «جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور» قرار داده شده است. جرایم تعریف شده در این فصل در قالب جرایم امنیتی، محکومان را از بسیاری از امتیازهایی که قانون برای تخفیف مجازات سایر جرایم در نظر گرفته است بی بهره می سازند. به طور مثال اعمال تعلیق مجازات، تعویق صدور رای، استفاده از مجازات های جایگزین حبس نظیر جریمه نقدی در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ برای زندانیان امنیتی منع شده است. یا در آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور محدودیت هایی برای مرخصی و ملاقات این دست از زندانیان در نظر گرفته شده است. به سایر محدودیت های اعمال شده بر این نوع از مجرمان در ادامه این کتاب اشاره خواهد شد.

در ذیل عناوین جرایم امنیتی عمده و مواد مهم مربوط به آنها ذکر می شود:

### ۱- تشکیل یا اداره دسته، جمعیت و شبه جمعیت با هدف برهم زدن امنیت کشور (ماده ۴۹۸ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده: ۲ سال تا ۱۰ سال (در صورتیکه فرد محارب شناخته نشود).

متن قانون: « هرکس با هر مرامی ، دسته ، جمعیت یا شبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود.» (ماده ۴۹۱ ق.م.ا)

## نکات کلیدی و موارد ابهام :

۱- تشکیل هر گروه و دسته و جمعیتی شامل این ماده نمی شود بلکه هدف از تشکیل یا اداره گروه باید بر هم زدن امنیت کشور باشد. سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که هدف یا قصد که امری ذهنی است را چگونه می توان به اثبات رسانید؟ در اینجا می توان تفاوتی بین قصد به عنوان امری ذهنی و هدف به عنوان امری تدارک دیده شده با استفاده از وسایل قائل شد. به هر حال قانون گذار باید این موضوع را توضیح دهد که هدف باید مربوط به گروه و عملکرد آن باشد نه قصد و غرض شخص در تشکیل گروه. در نتیجه شواهد باید در ارتباط با فعالیت های گروه و اقدامات آنها سنجیده شود نه نیت و قصد فرد تشکیل دهنده با استناد به مواردی خارج از تشکیلات گروه.

۲- شدت مجازات در نظر گرفته شده (تا ده سال حبس) و مقایسه آن با سایر مواد قانونی بخش امنیت ، ثابت می کند هدف قانونگذار از عبارت «برهم زدن امنیت کشور» امر ساده ای نظیر تشکیل جلسات ، کتاب خوانی و ... نیست. اما متأسفانه به دلیل گنگ بودن قانون و عدم ارائه مصداق و تدقیق سبب شده است که بسیاری از فعالین حوزه مدنی به صرف داشتن گروه مطالعاتی یا بحث آزاد یا ... با این اتهام مواجه شوند.

۳- در این ماده شرط تعریف گروه را تعداد بیش از دو نفر اعلام می کند. یعنی افرادی که به صورت زوجی فعالیت می کنند شامل این ماده نمی شوند.

۴- قانون گذار تعریفی از دسته ، جمعیت و شبه جمعیت ارائه نمی دهد. آیا برای تعریف آنها باید به قانون فعالیت احزاب ، جمعیت ها ، انجمن های سیاسی و صنفی مصوب سال ۶۰ که تنها مرجعی است که این عناوین را تعریف کرده است مراجعه کرد؟ در این صورت در قانون مذکور برای دسته و جمعیت وجود اساس نامه ، مرام نامه و وجود نوعی عضوگیری و طبقه بندی تشکیلاتی شرط است.

۵- یکی از وظایف مهم قانونگذار ، قضات و وکلای محترم تلاش در خصوص تدقیق این ماده و جلوگیری از تضييع حقوق متهمان اغلب سياسی است که علی رغم تصویب قانون جرایم سياسی در سال ۹۵ همچنان به دليل ابهامات موجود بر اساس این ماده مورد محاکمه قرار می گیرند.

۲- عضویت در دسته ، جمعیت و شبه جمعیت با هدف برهم زدن علیه امنیت کشور (ماده ۴۹۹ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده : سه ماه تا ۵ سال.

متن قانون: « هرکس در یکی از دسته ها یا جمعیت ها یا شبه جمعیت های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد، به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی اطلاع بوده است.» (ماده ۴۹۹ ق.م.ا)

نکات کلیدی و موارد ابهام :

۱- در صورتیکه فرد از اهداف گروه بی اطلاع بوده باشد و این امر به قاضی ثابت گردد فرد تبرئه می شود. (تبصره ذیل همین ماده)

۲- در متن این ماده از واژه «عضویت» استفاده شده است ، سوال اینجاست که آیا منظور از عضویت پر کردن نوعی فرم عضویت است؟ آیا معنای عضویت وجود نوعی طبقه بندی و تعلق تشکیلاتی است؟ یا به صرف اینکه فردی در بعضی جلسات یک گروه (با فرض امنیتی بودن اهداف گروه) شرکت کند عضو آن گروه به حساب می آید؟

۳- فعالیت تبلیغی علیه نظام (ماده ۵۰۰ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده : سه ماه تا یک سال.

متن قانون : « هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروهها و سازمان های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.» (ماده ۵۰۰ ق.م.ا)

## نکات کلیدی و موارد ابهام :

- ۱- منظور از فعالیت تبلیغی چیست؟ آیا نوشتن یک مقاله مصداق فعالیت تبلیغی است؟ یا فعالیت امری است مستمر که عقیده ای خاص را تبلیغ کند و یا بر علیه عقیده ای دست به تبلیغ بزند؟ همچنین منظور از تبلیغ چیست و مرز آن با انتقاد کجاست؟
- ۲- در متن این ماده به فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره شده است. منظور از نظام آیا کلیت آن است یا ارکان آن را نیز شامل می شود؟
- ۳- منظور از گروه ها و سازمان های مخالف نظام چیست؟ فرد چگونه باید تشخیص دهد که گروه یا سازمانی مخالف نظام است؟ آیا منظور از این مخالفت، ضدیت با وجود نظام است یا شامل مخالفت های جزئی در بعضی سیاست ها هم می شود؟ همان طور که ملاحظه می شود گنگی های موجود در قانون به طور صریح با اصل قانونی بودن جرم و مجازات در تضاد است. یعنی فرد نمی داند به لحاظ قانونی چه گروه یا سازمانی مخالف است؟ و فعالیت تبلیغی چه حد و حدودی دارد؟

### ۴- جاسوسی با در اختیار قرار دادن اسناد (ماده ۵۰۱ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده : ۱ تا ۱۰ سال

متن قانون: « هرکس نقشه ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالما و عامدا در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیات و مراتب جرم به یک تا ده سال حبس محکوم می شود.» (ماده ۵۰۱ ق.م.ا)

### ۵- جاسوسی به نفع دول بیگانه (ماده ۵۰۲ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده : ۱ تا ۵ سال .

متن قانون: « هرکس به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران مرتکب یکی از جرایم جاسوسی شود به نحوی که به امنیت ملی صدمه وارد نماید به یک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد.» (ماده ۵۰۲ ق.م.ا)

## ۶- نقشه برداری یا گرفتن عکس و فیلم برداری از استحکامات نظامی (ماده ۵۰۳ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده: ۶ ماه تا ۳ سال

متن قانون: « هرکس به قصد سرقت یا نقشه برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود و همچنین اشخاصی که بدون اجازه مامورین یا مقامات ذیصلاح در حال نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکسبرداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می شوند.» (ماده ۵۰۳ ق.م.ا)

## ۷- تحریک موثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی (ماده ۵۰۴ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده: ۲ تا ۱۰ سال.

متن قانون: « هرکس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک موثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب می شود و الا چنانچه اقدامات وی موثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می شود.» (ماده ۵۰۴ ق.م.ا)

## ۸- جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده با پوشش مسوولین نظام (ماده ۵۰۵ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده: ۲ تا ۱۰ سال.

متن قانون: « هرکس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه بندی شده را با پوشش مسوولین نظام یا مامورین دولت یا به نحو دیگر جمع آوری کند چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود.» (ماده ۵۰۵ ق.م.ا)

## ۹- همکاری با دول خارجی متخاصم (ماده ۵۰۸ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده: ۱ تا ۱۰ سال

متن قانون: « هرکس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می گردد.» (ماده ۵۰۸ ق.م.ا)

## ۱۰- مخفی ساختن و اختفای جاسوسان یا شناسایی و جذب آنها (ماده ۵۱۰ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده: ۶ ماه تا ۳ سال.

متن قانون: « هرکس به قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن، جاسوسانی را که مامور تفتیش یا وارد کردن هرگونه لطمه به کشور بوده اند شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آنها بشود به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می شود.» (ماده ۵۱۰ ق.م.ا)

تبصره. هرکس بدون آنکه جاسوسی کند و یا جاسوسان را مخفی نماید، افرادی را به هر نحو شناسایی و جذب نموده و جهت جاسوسی علیه امنیت کشور به دولت خصم یا کشورهای بیگانه معرفی نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می شود.

## ۱۱- تهدید به بمب گذاری (ماده ۵۱۱ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده : ۶ ماه تا ۲ سال.

متن قانون : « هرکس به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی تهدید به بمب گذاری هواپیما، کشتی و وسایل نقلیه عمومی نماید یا ادعا نماید که وسایل مزبور بمب گذاری شده است علاوه بر جبران خسارات وارده به دولت و اشخاص ، به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می گردد.» (ماده ۵۱۱ ق.م.ا)

## ۱۲- اغوا و تحریک مردم به جنگ و کشتار (ماده ۵۱۲ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده : ۱ تا ۵ سال

متن قانون : « هرکس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک کند صرفنظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا پنج سال حبس محکوم می گردد.» (ماده ۵۱۲ ق.م.ا)



## جدول ۱. جرایم امنیتی

ردیف	عنوان اتهام	نوع جرم	شماره ماده	حبس حداقل	حبس حداکثر	درجه مجازات
۱	تشکیل یا اداره دسته، جمعیت و شبه جمعیت با هدف برهم زدن امنیت کشور	امنیتی	۴۹۸	۲ سال	۱۰ سال	۴
۲	عضویت در دسته، جمعیت و شبه جمعیت به هدف برهم زدن امنیت کشور	امنیتی	۴۹۹	۳ ماه	۵ سال	۵
۳	فعالیت تبلیغی علیه نظام به نفع گروه ها و سازمان های مخالف نظام	امنیتی	۵۰۰	۳ ماه	۱ سال	۶
۴	جاسوسی با در اختیار قراردادن اسناد	امنیتی	۵۰۱	۱ سال	۱۰ سال	۴
۵	جاسوسی به نفع دول بیگانه	امنیتی	۵۰۲	۱ سال	۵ سال	۵
۶	نقشه برداری یا گرفتن عکس و فیلم برداری از استحکامات نظامی	امنیتی	۵۰۳	۶ ماه	۳ سال	۵
۷	تحریک موثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی	امنیتی	۵۰۴	۲ سال	۱۰ سال	۴
۸	جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده با پوشش مسوولین نظام	امنیتی	۵۰۵	۲ سال	۱۰ سال	۴
۹	همکاری با دول خارجی متخاصم	امنیتی	۵۰۸	۱ سال	۱۰ سال	۴
۱۰	مخفی ساختن و اختفای جاسوسان یا شناسایی و جذب آنها	امنیتی	۵۱۰	۶ ماه	۳ سال	۵
۱۱	تهدید به بمب گذاری	امنیتی	۵۱۱	۶ ماه	۲ سال	۶
۱۲	اغوا و تحریک مردم به جنگ و کشتار	امنیتی	۵۱۲	۱ سال	۵ سال	۵

## جمع بندی فصل جرایم امنیتی

همان طور که از مفاد مواد این فصل بر می آید هم تاکید بر شدت جرم و هم تاکید بر شدت مجازات، مورد نظر قانونگذار بوده است. اما همان طور که پیش تر ذکر شد در مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ که تحت نام کلی بر هم زدن امنیت کشور یا نام مصطلح اقدام علیه امنیت کشور با تشکیل گروه خوانده می شود، قانونگذار صرف تشکیل گروه، بدون آنکه هیچ کاری کرده باشند را جرم شناخته و مجازات سنگین ۲ تا ۱۰ سال را برای آن در نظر گرفته است در حالیکه در ماده ۵۱۲ مجازات اغوا و تحریک مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر را ۱ تا ۵ سال مقرر کرده است. یا مجازات همکاری با دول خارجی متخاصم را یک تا ۱۰ سال منظور کرده است. همچنین در بعضی مواد موثر بودن اقدام و عدم تاثیر آن را در شناسایی میزان مجازات دخیل کرده است در حالیکه در ماده ۴۹۸ و ۴۹۹ صرف تشکیل یا عضویت و صرف هدف اقدام علیه امنیت کشور را مستحق مجازات می داند. با توجه به اینکه بسیاری از فعالین سیاسی و مدنی ایران که هدفی غیر از اقدام علیه امنیت کشور داشته و صرفاً به دلیل علایق سیاسی یا تاثیر قانونی خود بر سیاست حاکمیت، به اتهام این مواد محاکمه می شوند جا دارد که قانونگذار و نیز تمامی فعالین مدنی تلاش نمایند ضمن شفاف سازی این ماده حد و مرز آن را با قانون جرایم سیاسی مصوب سال ۹۵ مشخص نمایند.

همچنین در خصوص ماده ۵۰۰ و اتهام تبلیغ علیه نظام ضمن وجود نواقصی که به آن اشاره شد بهتر است این جرم را در فصلی خارج از فصل امنیت و در قانون جرایم سیاسی تعریف نمایند.

با توجه به محدودیت های زیادی که برای محکومین امنیتی در قانون پیش بینی شده است، از جمله عدم امکان تعلیق و تعویق حکم (ماده ۴۷ ق.م.ا)، عدم اعمال مجازات های جایگزین حبس (ماده ۷۱ ق.م.ا)، عدم امکان شمول مرور زمان (ماده ۱۰۹ ق.م.ا)، عدم امکان درخواست تعلیق پس از گذراندن یک سوم مدت حبس (ماده ۴۶ ق.م.ا)، عدم امکان استفاده از مرخصی (ماده ۲۲۱ آ.س.ز) لازم است که تلاش وسیع و دقیقی جهت عدم تداخل متهمان سیاسی و امنیتی صورت گیرد.

## جرایم عادی با امکان ماهیت سیاسی

### ۱- اهانت به مقدسات (ماده ۵۱۳ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده : ۱ تا ۵ سال

متن قانون : « هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظام یا ائمه طاهرين (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم ساب‌النبی باشد اعدام می شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.» (ماده ۵۱۳ ق.م.ا)

### ۲- اهانت به حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری (ماده ۵۱۴ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده : ۶ ماه تا ۲ سال.

متن قانون : « هر کس به حضرت امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی رضوان... علیه و مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء اهانت نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.» (ماده ۵۱۴ ق.م.ا)

### ۳- سوء قصد به جان مقام معظم رهبری ، روسای قوای سه گانه و مراجع تقلید (ماده

۵۱۵ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده : ۳ تا ۱۰ سال .

متن قانون : « هر کس به جان رهبر و هر یک از رؤسای قوای سه‌گانه و مراجع بزرگ تقلید، سوء قصد نماید چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.» (ماده ۵۱۵ ق.م.ا)

۴- توهین به رؤسای سه قوه ، وزرا ، نمایندگان مجلس و خبرگان و شورای نگهبان و ...  
(ماده ۶۰۹ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده : ۳ تا ۶ ماه حبس یا تا ۷۴ ضربه شلاق یا جزای نقدی

متن قانون : « هر کس با توجه به سمت، یکی از رؤسای سه قوه یا معاونان رییس جمهوری یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.» (ماده ۶۰۹ ق.م.ا)

#### نکات کلیدی و موارد ابهام :

۱- در مواد ۵۱۳ و ۵۱۴ و ۶۰۹ منظور از توهین چیست؟ آیا منظور به کار بردن الفاظ رکیک و فحش است؟ اگر فرد بگوید که قصدش توهین نبوده چه؟ در همین زمینه استفساریه ای از مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است که در روزنامه رسمی شماره ۱۶۲۸۱ به تاریخ ۲۵/۱۰/۷۹ به چاپ رسیده است. نظر مجلس که به تایید شورای نگهبان هم رسید چنین بود : « از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و ... عبارت است از به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و با ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف یا تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد.»

۲- همچنین در اردیبهشت سال ۹۵ با تصویب قانون جرم سیاسی این جرم در طبقه بندی جرایم سیاسی قرار گرفت که بند الف ماده ۲ قانون مذکور به آن اشاره کرده است :

متن قانون : « توهین یا افترا به روسای سه قوه ، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ، معاونان رئیس جمهور ، وزرا ، نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسوولیت آنان. » ( بند الف ماده ۲ قانون جرم سیاسی مصوب ۹۵/۲/۲۹ )

## ۵- اجتماع و تبانی بیش از دو نفر بر ضد امنیت ( ماده ۶۱۰ ق.م.ا )

مجازات در نظر گرفته شده : ۲ تا ۵ سال

متن قانون : « هر گاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرایمی بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن رافراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد. » (ماده ۶۱۰ ق.م.ا)

## نکات کلیدی و موارد ابهام :

۱- سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که چرا قانون گذار این جرم را در فصل جرایم امنیتی نیاورده است و فصل بخصوصی تحت عنوان اجتماع و تبانی برای جرایم را به آن اختصاص داده است؟ گرچه بین این ماده و ماده ۴۹۹ و ۴۹۸ می توان فصل منطقی قائل شد اما از لحاظ محتوایی هر دو به یک حیطه تعلق دارند. در جرایم ماده ۴۹۹ و ۴۹۸ سخن از تشکیل گروه و عضویت در گروه به قصد اقدام علیه امنیت کشور است و شرط تشکیل گروه را بیش از دو نفر قلمداد کرده است در حالیکه در ماده ۶۱۰ وجود دو نفر را به منزله اجتماع دانسته است. همچنین در ماده ۶۱۰ به فراهم کردن وسایل ارتکاب جرم اشاره شده است در حالیکه در مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ صرف هدف اقدام علیه

امنیت کافی تشخیص داده شده است. با این حال جای سوال است که چرا حداکثر مجازات در نظر

گرفته شده برای این ماده ۵ سال بوده در حالیکه حداکثر مجازات ماده ۴۹۹، ۱۰ سال می باشد؟

۲- سوال دیگر این است که با توجه به اینکه جرم اجتماع و تبانی علیه امنیت در فصل جرایم امنیتی نیامده

است، آیا جرم امنیتی به حساب می آید؟ یعنی محکومان به این ماده از محدودیت هایی نظیر عدم

تعلیق جرایم امنیتی و عدم تبدیل پذیری مجازات حبس برخوردار هستند یا که این محدودیت ها

شامل این افراد نمی شود؟

۳- در نتیجه مسلم است که قانون گذار باید حدود صدق و شرایط صدق این ماده و مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ را به

نحوی احصا نماید که چنین تشکیک هایی از بین برود.

## ۶- اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی (ماده ۶۱۸ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده: ۳ ماه تا ۱ سال و تا ۷۴ ضربه شلاق

متن قانون: « هر کس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیر متعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و

آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا (۷۴)

ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» (ماده ۶۱۸ ق.م.ا)

تبصره . هرگاه جرایم مذکور در مواد بالا در نتیجه توطئه قبلی و دسته جمعی واقع شود هر یک از مرتکبین به

حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهند شد.

## ۷- آتش زدن عمدی عمارت، هواپیما، اشجار و ... (ماده ۶۲۵ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده: دو تا ۵ سال

متن قانون: « هر کس عمداً عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و به طور کلی هر محل مسکونی یا معد برای سکنی یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغ‌های متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود.» (ماده ۶۷۵ ق.م.ا)

تبصره ۱ - اعمال فوق در این فصل در صورتی که به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد. مجازات محارب را خواهد داشت.

تبصره ۲ - مجازات شروع به جرائم فوق شش ماه تا دو سال حبس می‌باشد.

## ۸- تخریب اموال منقول و غیر منقول (ماده ۶۷۷ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده: ۶ ماه تا ۳ سال.

متن قانون: « هر کس عمداً اشیاء منقول و یا غیر منقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.» (ماده ۶۷۷ ق.م.ا)

در ذیل همین ماده در ماده ۶۷۸ آورده شده است که « هر گاه جرایم مذکور در مواد بالا به وسیله مواد منفجره واقع شده باشد مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس است.»

## ۹- سوزاندن و اتلاف اسناد دولتی و غیر دولتی (مواد ۶۸۱ و ۶۸۲ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده: در خصوص اسناد دولتی ۲ تا ۱۰ سال و در خصوص اسناد غیر دولتی سه ماه تا ۲ سال.

متن قانون: « هر کس عالماً دفاتر و قباله‌ها و سایر اسناد دولتی را بسوزاند یا به هر نحو دیگری تلف کند به حبس از دو تا ده سال محکوم خواهد شد.» (ماده ۶۸۱ ق.م.ا)

« هر کس عالماً هر نوع اسناد یا اوراق تجارتي و غیر تجارتي غیر دولتی را که اتلاف آن‌ها موجب ضرر غیر است بسوزاند یا به هر نحو دیگر کشف کند به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.» (ماده ۶۸۲ ق.م.ا)

#### ۱۰- خرابکاری در تأسیسات عمومی (ماده ۶۸۷ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده: ۳ سال تا ۱۰ سال.

متن قانون: « هر کس در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل شبکه‌های آب و فاضلاب، برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و تلفن و مراکز فرکانس و ماکروویو (مخابرات) و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آن‌ها اعم از سد و کانال و انشعاب لوله کشی و نیروگاه‌های برق و خطوط انتقال نیرو و مخابرات (کابل‌های هوایی یا زمینی یا نوری) و دستگاه‌های تولید و توزیع و انتقال آن‌ها که به هزینه یا سرمایه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیر دولتی یا توسط بخش خصوصی برای استفاده عمومی ایجاد شده و همچنین در علائم راهنمایی و رانندگی و سایر علائمی که به منظور حفظ جان اشخاص یا تأمین تأسیسات فوق یا شوارع و جاده‌ها نصب شده است، مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود بدون آن که منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.» (ماده ۶۸۷ ق.م.ا)

تبصره ۱- در صوتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت.

تبصره ۲- مجازات شروع به جرائم فوق یک تا سه سال حبس است.



## نکات کلیدی و موارد ابهام :

۱- در این ماده نیز قانون گذار با کلی کردن قضیه و گذاشتن مجازات سنگین حداقل ۳ سال سبب ایجاد مشکل برای متهمان و قضات در صدور رای خواهد شد. اولاً شرط ۳ تا ۱۰ سال حبس این است که منظور فرد اخلال در نظم و امنیت عمومی نباشد. سوال اینجاست پس چه هدف دیگری از تخریب تاسیسات عمومی می تواند داشته باشد؟ بر فرض که هدف فرد نامشخص باشد و نتوان اخلال در نظم و امنیت عمومی را برداشت کرد در این صورت برای چنین فردی در نظر گرفتن مجازات ۳ تا ۱۰ سال واقعا سنگین و غیر منطقی است و با یک مقایسه ساده بین جرایم موجود در فصل امنیت و مجازات های در نظر گرفته شده برای آن مواد با مجازات این ماده مشخص می گردد قانون گذار در تعریف دقیق جرم و نیز مجازات متناسب با آن دچار اشتباه شده است در نتیجه اصل تناسب جرم با مجازات در این ماده رعایت نشده است.

## ۱۱- تهدید بهداشت عمومی و محیط زیست (ماده ۶۸۸ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده : تا ۱ سال حبس.

متن قانون : « هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده ، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه ها، زیاله در خیابان ها و کشتار غیر مجاز دام ، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.» (ماده ۶۸۸ ق.م.ا)

## نکات کلیدی و موارد ابهام :

معلوم نیست که چرا قانون گذار برای این جرم که می تواند هم جنبه امنیتی داشته باشد هم با جان انسان ها مربوط باشد مجازات کمی در نظر گرفته است؟ یا لاقلاً تفکیک های مندرج در سایر مواد را در خصوص آن در نظر نگرفته است. در تبصره ذیل همین ماده تشخیص اینکه اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می شود یا خیر و نیز اعلام جرم مذکور به عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست گذاشته شده است.

### ۱۲- افترا به غیر از طریق نوشتاری یا گفتاری ( ماده ۶۹۷ ق.م.ا )

مجازات در نظر گرفته شده : ۱ ماه تا ۱ سال حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق.

متن قانون : « هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و یا یکی از آن ها حسب مورد محکوم خواهد شد.»  
(ماده ۶۹۷ ق.م.ا)

تبصره - در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.

## نکات کلیدی و موارد ابهام :

۱- از جمله اقدامات خوب قانون گذار گنجاندن واژه صریحا در این ماده است. به این طریق افترا باید به طور صریح مطرح شده باشد و مطالب طنز یا کنایی را شامل نمی شود.

۲- نکته ابهام این است که قانونگذار افترا را در صورتی جرم می داند که فرد نتواند آن را اثبات کند. منظور از اثبات در اینجا ، اثبات برای کیست؟ اثبات برای قاضی؟ در این صورت شاید اقناع وجدانی برای قاضی حاصل نشود اما برای بسیاری از افراد دلایل عنوان شده قابل اعتنا و پیگیری باشد.

## ۱۳- تشویش اذهان عمومی از طریق اظهار کذب ( ماده ۶۹۸ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده : ۲ ماه تا ۲ سال حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق.

متن قانون: « هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی با امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت راسا یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریح یا تلویحا نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان ، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود.» (ماده ۶۹۸ ق.م.ا)

## نکات کلیدی و موارد ابهام :

- ۱- نکته مهم در این ماده وجود قصد اضرار به غیر یا قصد تشویش اذهان عمومی است که می توان از آن به نفع متهم برداشت کرد اما نکته منفی این ماده این است که نه تنها موارد صریح بلکه موارد تلویحی را هم شامل می شود. همان طور که مشخص است امور تلویحی و ضمنی ، قابل برداشت و خوانش های متفاوت و دو پهلو هستند اینکه قانون گذار بر عکس ماده قبل ، موارد تلویحی را هم مستحق مجازات می داند به ضرر متهم بوده و راه تفاسیر متفاوت را باز می کند.
- ۲- در قسمت مربوط به جرایم رایانه در ماده ۷۴۶ دقیقاً همین اتهام با همین مضمون ، در صورت ارتکاب از طریق انتشار رایانه ای مطرح شده است که در آن نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی دارای مجازات حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات می باشد .

## ۱۴- هجو از طریق شعر یا نثر ، کتبی یا شفاهی (ماده ۷۰۰ ق.م.ا).

مجازات در نظر گرفته شده : ۱ ماه تا ۶ ماه حبس .

متن قانون : « هرکس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید، به حبس از یک تا شش ماه محکوم می شود.» (ماده ۷۰۰ ق.م.ا)

## نکات کلیدی و موارد ابهام :

از نقاط ابهام این ماده این است که تفاوتی بین نوشتن هجویه و انتشار آن قائل نشده است. همچنین اگر هجویه همراه افترا و توهین بوده یا به قصد تشویش افکار عمومی منتشر شده باشد چه؟ به هر حال گنجاندن مجازات

حبس در موارد بالا همه مساله ساز بوده و متناسب با جرم ارتكابی نیست. بهتر است در این خصوص چاره ای اندیشه شود که برای هیچ نویسنده ای در این موارد مجازات حبس در نظر گرفته نشود.

## ۱۵- خرابکاری در سامانه های رایانه ای و مخابراتی خدمات عمومی (ماده ۷۳۹ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده : ۳ تا ۱۰ سال حبس.

متن قانون : « هرکس به قصد خطر انداختن امنیت، آسایش و امنیت عمومی اعمال مذکور در مواد (۸)، (۹) و (۱۰) این قانون را علیه سامانه های رایانه ای و مخابراتی که برای ارائه خدمات ضروری عمومی به کار می روند، از قبیل خدمات درمانی، آب، برق، گاز، مخابرات، حمل و نقل و بانکداری مرتکب شود، به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.» (ماده ۷۳۹ ق.م.ا)

### توضیح :

منظور از مواد ۸ و ۹ و ۱۰ این قانون ، قانون جرایم رایانه ای است که با شماره های ۷۳۶ و ۷۳۷ و ۷۳۸ در خصوص دستکاری یا تخریب داده ها، مخفی کردن داده ها، تغییر گذر واژه یا رمزنگاری داده ها و جلوگیری از دسترسی اشخاص مجاز به داده ها یا سامانه های رایانه ای یا مخابراتی در حالیکه قصد به خطر انداختن امنیت ، آسایش و امنیت عمومی وجود نداشته باشد، است.

## ۱۶- نگهداری یا انتشار عکس ها و محتویات مستهجن یا مبتذل (ماده ۷۴۲ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده : حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهار میلیون ریال یا هر دو مجازات.

متن قانون: « هر کس به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا حاملهای داده، محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» (ماده ۷۴۲ ق.م.ا)

## نکات کلیدی و موارد ابهام :

۱- قانون گذار بین محتویات مستهجن و مبتذل تمایز قائل شده است. در تبصره ذیل همین ماده ارتکاب اعمال فوق در خصوص محتویات مبتذل را موجب محکومیت به حداقل یکی از مجازات های فوق دانسته و در ادامه محتویات و آثار مبتذل را آثاری می داند که دارای صحنه و صور قبیحه باشد. در تبصره ۴ همین ماده مستهجن را چنین تعریف می کند: محتویات مستهجن به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیر واقعی یا متنی اطلاق می شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است.

۲- ذخیره و نگهداری و حتی تولید اگر به قصد تجارت یا افساد نباشد، فرد تبرئه می شود. در نتیجه صرف وجود محتویات مبتذل یا مستهجن در یک سیستم رایانه ای جرم نیست. اما در صورت انتشار آن قطعا جرم شناخته می شود. در تبصره ۲ ذیل همین ماده گفته شده است هرگاه محتویات مستهجن به کمتر از ده نفر ارسال شود، مرتکب به یک میلیون (۱.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. نکته ابهام این است که آیا ارسال به افراد متفاوت از انتشار است؟ مثلا اگر کسی عکس مبتذلی را بر روی صفحه شخصی اش منتشر کند که دیگران به آن دسترسی دارند یا دسترسی افراد محدود است آیا تفاوتی می کند؟

۳- همچنین در خصوص کسی که به صورت حرفه و شغل یا به صورت سازمان دهی شده این کار را انجام می دهد بنا بر تبصره ۳ ذیل این ماده اگر مفسد فی الارض شناخته نشود به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

۴- همچنین در خصوص مطالب علمی، تابلوهای نقاشی، عکس های تاریخی و ... چه می توان گفت؟ در تبصره ذیل ماده بعد که شامل این ماده نیز می شود آورده شده مفاد این ماده و ماده (۷۴۲) شامل

آن دسته از محتویاتی نخواهد شد که برای مقاصد علمی یا هر مصلحت عقلایی دیگر تهیه یا تولید یا نگهداری یا ارائه یا توزیع یا انتشار یا معامله می شود. البته تفسیر این تبصره بسیار لغزنده بوده و به نظر قاضی پرونده بستگی دارد.

## ۱۷- هتک حیثیت افراد توسط سامانه های رایانه ای یا مخابراتی از طریق تغییر یا تحریف (ماده ۷۴۴ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده: حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهار میلیون ریال یا هر دو مجازات.

متن قانون: «هرکس به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهار میلیون (۴.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» (ماده ۷۴۴ ق.م.ا)

در تبصره ذیل این ماده آورده شده است که در صورتیکه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

## ۱۸- هتک حیثیت افراد توسط سامانه های رایانه ای یا مخابراتی از طریق انتشار اسرار خصوصی (ماده ۷۴۵ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده: حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات.

متن قانون: «هر کس به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» (ماده ۷۴۵ ق.م.ا)

## ۱۹- نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی بوسیله سامانه های رایانه ای (ماده ۷۴۶ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده: حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات.

متن قانون: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سامانه رایانه ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق یادشده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت (در صورت امکان)، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»



همان طور که پیشتر اشاره شد در فصل مربوط به افترا و توهین و هتک حرمت ، در ماده ۶۹۸ همین عنوان با همین مضمون وجود دارد که در آن اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی از طریق نشر (غیر رایانه ای) موارد خارج از حقیقت به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می شوند.

## جدول ۲. جرایم عادی با امکان ماهیت سیاسی

ردیف	عنوان اتهام	شماره ماده	حبس حداقل	حبس حداکثر	درجه مجازات	سایر
۱	اهانت به مقدسات	۵۱۳	۱ سال	۵ سال	۵	
۲	اهانت به حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری	۵۱۴	۶ ماه	۲ سال	۶	
۳	سوء قصد به جان مقام معظم رهبری ، روسای قوای سه گانه و مراجع تقلید	۵۱۵	۳ سال	۱۰ سال	۴	
۴	توهین به رؤسای سه قوه ، وزرا ، نمایندگان مجلس و خبرگان و شورای نگهبان	۶۰۹	۳ ماه	۶ ماه	۷	یا تا ۷۴ ضربه شلاق یا جزای نقدی
۵	اجتماع و تبانی بیش از دو نفر بر ضد امنیت	۶۱۰	۲ سال	۵ سال	۵	
۶	اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی	۶۱۸	۳ ماه	۱ سال	۶	تا ۷۴ ضربه شلاق
۷	آتش زدن عمدی عمارت ، هواپیما ، اشجار و ...	۶۷۵	۲ سال	۵ سال	۵	
۸	تخریب اموال منقول و غیر منقول	۶۷۷	۶ ماه	۳ سال	۵	
۹	سوزاندن و اتلاف اسناد دولتی و غیر دولتی	۶۸۱- ۶۸۲	۳ ماه	۱۰ سال	۴	
۱۰	خرابکاری در تاسیسات عمومی	۶۸۷	۳ سال	۱۰ سال	۴	
۱۱	تهدید بهداشت عمومی و محیط زیست	۶۸۸		۱ سال	۶	
۱۲	افترا به غیر از طریق نوشتاری یا گفتاری	۶۹۷	۱ ماه	۱ سال	۶	یا تا ۷۴ ضربه شلاق
۱۳	تشویش اذهان عمومی از طریق اظهار کذب	۶۹۸	۲ ماه	۲ سال	۶	یا تا ۷۴ ضربه شلاق
۱۴	هجو از طریق شعر یا نثر ، کتبی یا شفاهی	۷۰۰	۱ ماه	۶ ماه	۷	
۱۵	خرابکاری در سامانه های رایانه ای و مخابراتی خدمات عمومی	۷۴۰	۳ سال	۱۰ سال	۴	
۱۶	نگهداری یا انتشار عکس ها و محتویات مستهجن یا مبتذل	۷۴۲	۹۱ روز	۲ سال	۶	پنج تا چهل میلیون ریال
۱۷	هتک حیثیت افراد توسط سامانه های رایانه ای یا مخابراتی از طریق تغییر یا تحریف	۷۴۴	۹۱ روز	۲ سال	۶	پنج تا چهل میلیون ریال
۱۸	هتک حیثیت افراد توسط سامانه های رایانه ای یا مخابراتی از طریق انتشار اسرار خصوصی	۷۴۵	۹۱ روز	۲ سال	۶	پنج تا چهل میلیون ریال
۱۹	نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی بوسیله سامانه های رایانه ای	۷۴۶	۹۱ روز	۲ سال	۶	پنج تا چهل میلیون ریال

## جرایم سیاسی

بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی « رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد. نحوه انتخاب ، شرایط ، اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می کند». پس از ۳۸ سال از انقلاب بالاخره در ۲۹ اردیبهشت سال ۹۵ ، قانون جرم سیاسی به تایید شورای نگهبان رسید. تمام کسانی که به اتهام سیاسی طبق مواد این قانون محاکمه می شوند باید دادگاه شان علنی و با حضور هیات منصفه باشد و نیز از مزایایی برخوردار خواهند بود که متهمین عادی از آن بی بهره اند. ماده ۱ این قانون ، «جرم سیاسی را جرمی می داند که با انگیزه اصلاح امور کشور ارتکاب یابد بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد.» در اینجا باز هم قانون با استفاده از گنگ ساختن خویش سبب می شود راه برای تعبیر متفاوت از آن باز شود. متأسفانه در جرایم سیاسی این گنگی سبب شده است که هر جا که می شود به نفع متهم قانون را تفسیر کرد ، قضات به عنوان بخشی از بدنه حکومت ، بعضاً تفسیر به نفع حکومت (در معنای عام آن) را ترجیح دهند. به همین واسطه اصل اساسی بی طرفی قضات در جرایمی که یک سوی آن حکومت قرار دارد به زیر سوال می رود. قانون گذار باید با توجه به این معضل سعی

می کرد قانون را طوری انشاء نماید که از ایجاد این گنگی و ابهام جلوگیری کرده و با شفاف ساختن قانون، راه هر گونه تفسیر جانبدارانه از قانون را ببندد. با ملاک قرار دادن امری ذهنی چون قصد و نیت و انگیزه، که می توان به هر کسی آن را نسبت داد، قانون گذار اصل برائت را فدای اصل سوء ظن می کند. به گونه ای که در دادگاه فرد باید ثابت نماید قصد و انگیزه اش اصلاح بوده نه ضربه زدن به نظام، در حالیکه آنچه باید اثبات شود وجود قصد و انگیزه جهت ضربه زدن به نظام است. در نتیجه قانون گذار با ایجاد چنین ابهام هایی، راه را برای سوء استفاده قدرت باز می سازد در حالیکه قانون باید راه ایجاد سوء استفاده از قدرت را محدود و مهار سازد.

در ذیل جرایم ذکر شده در قانون جرم سیاسی فهرست می گردد در هر یک از این جرایم شرط اساسی ماده ۱ این قانون یعنی انگیزه اصلاح و نه ضربه زدن به اصل نظام باید مد نظر قرار گیرد:

۱-۳ توهین یا افترا به روسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسوولیت آنان.

۲-۳ توهین به رئیس یا نماینده کشور خارجی که در قلمرو ایران وارد شده است.

۳-۳ جرایم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب و جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۰۶/۷

۴-۳ جرایم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات.

۵-۳ نشر اکاذیب

## نکات کلیدی و موارد ابهام :

۱- همان طور که قبلا گفته شد نشر اکاذیب در مواد ۶۹۸ (اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی از طریق نشر موارد خارج از حقیقت) و ماده ۷۴۶ (نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی بوسیله سامانه های رایانه ای) قانون مجازات اسلامی نیز آورده شده است. در بند ث ماده ۲ قانون جرم سیاسی نیز نشر اکاذیب جرم شناخته شده است با این تفاوت که قصدیت تشویش اذهان عمومی از آن حذف شده است. با توجه به سایر موارد قانون جرم سیاسی، منظور از نشر اکاذیب جرمی است که به قصد اصلاح امور کشور و نه ضدیت با نظام و علیه مدیریت و نهاد های سیاسی یا سیاست های داخلی و خارجی کشور ارتکاب یافته است.

۲- بندهای (د) و (ه) ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب و جمعیت ها به ترتیب در خصوص «نقض آزادی های مشروع دیگران» و «ایراد تهمت، افتراء و شایعه پراکنی» است. در ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب و جمعیت ها مصوب سال ۶۰، فهرستی از جرایمی آورده شده است که گروه ها و جمعیت ها باید در نشریات یا فعالیت ها و تجمعات خود از آن پرهیز کنند این موارد عبارتند از:

الف - ارتکاب افعالی که به نقض استقلال کشور منجر شود.

ب - هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، تبانی و مواضعه با سفارتخانه ها، نمایندگیها، ارگانهای دولتی و احزاب کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که به آزادی، استقلال، وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد.

ج - دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان.

د - نقض آزادیهای مشروع دیگران.

ه - ایراد تهمت، افتراء و شایعه پراکنی.

و - نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی چون ریزی برای تجزیه کشور.

ز - تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه های متنوع فرهنگی و مذهبی و نژادی موجود در جامعه ایران.

ح - نقض موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی.

ط - تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضره.

ی - اختفاء و نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیر مجاز.

همان طور که ملاحظه می کنید از بین تمام این جرایم صرفاً مواد (د) و (ه) مشمول قانون جرم سیاسی می شود. در ماده ۱۷ قانون مذکور شیوه رسیدگی به تخلفات گروه ها و جمعیت ها که در بالا آورده شده است را بر عهده کمیسونی در وزارت کشور می داند که با حضور نماینده دادستان، نماینده شورای عالی قضایی (سابق)، نماینده وزارت کشور و دو نماینده مجلس تشکیل می گردد. همچنین در ماده ۱۸ این قانون، درجات تنبیه اعمالی به گروه هایی که مرتکب تخلفات بالا شده اند را از تذکر کتبی، اخطار، توقیف پروانه و تقاضای انحلال از دادگاه می داند که توسط افراد همان کمیسیون تصمیم گیری می شود.

حال سوال این جاست که منظور قانون گذار از گنجاندن بند (د) و (ه) در قانون جرم سیاسی چیست؟ آیا سایر تخلفات مندرج در این ماده قابلیت تعریف شدن در جرایم سیاسی را نداشته است؟ آیا قانون فعالیت احزاب و جمعیت ها به نحو مساعدتری راجع به تخلفات سیاسی و اعمال مجازات اندیشه نکرده است؟

در واقع آنچه به عنوان قانون جرم سیاسی به تصویب رسیده است شاید کمتر از ۱۰ درصد جرایم سیاسی را شامل می شود و به همین دلیل قانونی ناکامل است. از این جهت می توان گفت وقفه ۳۸ ساله برای طفره رفتن از تعریف جرم سیاسی همچنان ادامه دارد.

۳- باید دقت کرد توهین به مقام رهبری و نیز بنیان گذار انقلاب همچنان جرم سیاسی به حساب نمی آید و مجازات آن برابر ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی که پیشتر شرح داده شد، می باشد. در حالیکه توهین به روسای سه قوه و وزیران و ... که در بند الف ماده ۲ این قانون آمده است سابقا در ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی تعریف شده بود که دیگر با تصویب قانون جرایم سیاسی ، در این محدوده قرار می گیرد.

۴- همان طور که پیش تر اشاره شد یکی از شروط سیاسی بودن جرم که در ماده ۱ قانون تعریف شده است انگیزه اصلاح و نه ضربه زدن به اصل نظام است. در ماده ۳ قانون مذکور عده ای دیگر از جرایم نام برده می شود که مباشرت ، مشارکت ، معاونت و شروع به ارتکاب آنها جزو جرایم سیاسی به شمار نمی آید. این جرائم عبارتند از :

الف- جرائم مستوجب حدود ، قصاص و دیات

ب- سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی

پ- آدم ربایی و گروگان گیری

ت- بمب گذاری و تهدید به آن ، هواپیما ربایی و راهزنی دریایی.

ث- سرقت و غارت اموال ، ایجاد حریق و تخریب عمدی.

ج- حمل و نگهداری غیر قانونی ، قاچاق و خرید و فروش سلاح ، مواد مخدر و روانگردان

چ- رشوا و ارتشا ، اختلاس ، تصرف غیر قانونی در وجوه دولتی ، پول شویی ، اختفای اموال ناشی از جرم مزبور.

ح- جاسوسی و افشای اسرار

خ- تحریک مردم به تجزیه طلبی ، جنگ و کشتار و درگیری

د- اختلال در داده ها یا سامانه های رایانه ای و مخابراتی به کار گرفته شده برای ارائه خدمات ضروری عمومی یا حاکمیتی.

ذ- کلیه جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی اعم از جرائم ارتكابی به وسیله سامانه های رایانه ای یا مخابراتی یا حامل های داده و غیر آن.

همان طور که در بالا ملاحظه می کنید هدف قانونگذار هرچه محدودتر کردن جرائم سیاسی است. اکثر این جرائم را در قسمت جرائم امنیتی یا عمومی با محتوای سیاسی پیش تر توضیح داده ایم.

۵- تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است. متهم می تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادسرا یا تا پایان جلسه اول دادرسی در دادگاه نسبت به این مورد (صلاحیت دادگاه) ایراد کند. مرجع رسیدگی کننده طی قراری در این مورد اظهار نظر می کند که شیوه صدور و اعتراض به این قرار بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری است. این موارد در ماده ۵ قانون مذکور شرح داده شده است.

۶- در آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ در خصوص جرایم سیاسی امتیازاتی قائل شده اند از جمله اینکه مطابق ماده ۳۰۲ آیین دادرسی کیفری به جرایم سیاسی و مطبوعاتی باید در دادگاه کیفری یک مرکز استان و با حضور هیات منصفه رسیدگی شود ، دادگاه باید علنی باشد ( ماده ۳۰۵ همان قانون) و نیز جرایم سیاسی و مطبوعاتی قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور می باشد (ماده ۴۲۸). در قانون جرم سیاسی مصوب سال ۹۵ هم ، متهمان و محکومان سیاسی نسبت



به جرایم عادی از حقوقی برخوردار می باشند که در ماده ۶ قانون مذکور به آنها اشاره شده است .  
از جمله :

الف- مجزا بودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس از مجرمان عادی.

ب- ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان در طول دوران بازداشت و حبس

پ - ممنوعیت اجرای مقررات ناظر به تکرار جرم

ت- غیر قابل استرداد بودن مجرمان سیاسی

ث- ممنوعیت بازداشت و حبس به صورت انفرادی به جز در مواردی که مقام قضایی بیم تبانی بدهد یا آن را برای تکمیل تحقیقات ضروری بداند لکن مدت آن نباید بیشتر از ۱۵ روز باشد.

ج- حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول در طول مدت حبس.

چ- حق دسترسی به کتب ، نشریات ، رادیو و تلویزیون در طول مدت حبس.

همانطور که ملاحظه می شود قانون گذار هرچند خیلی دیر (پس از ۳۸ سال) به فکر تعریف جرم سیاسی و دادن امتیازاتی به آن نسبت به جرایم عادی شده است و در این خصوص امتیازات خوبی قائل شده است. ایراد اساسی قانون مذکور این است که در آن جرم سیاسی به گونه ای تعریف شده است که بسیاری از محکومان سیاسی را در بر نمی گیرد و نیز شرایط احراز آن چنان به سلیقه قضایی وابسته است (انگیزه اصلاح یا ضربه زدن به اساس نظام) که عملاً بسیاری از افراد را از دامنه آن بیرون می اندازد. در نتیجه بر عهده فعالین مدنی و حقوقی است که ضمن بحث و بررسی ایرادات موجود، بخصوص در زمینه امنیتی شمردن برخی جرایم ماهیتاً سیاسی که نه تنها امتیازات

محکومان سیاسی را از آن‌ها سلب می‌کند بلکه به نام امنیتی بودن بسیاری از حقوق را نیز محدود می‌سازد، راهی جهت اصلاح قوانین پیشنهاد نمایند.

## جرایم با مجازات حدی

این گونه جرایم در برخی موارد می‌تواند دارای محتوای سیاسی باشد و به دلیل احکام حکومت اسلامی منبث از شرع مجازات آن از نوع حدی تعیین شده است. اعم آن به شرح ذیل می‌باشد:

### ۱- سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته (ماده ۱۳۰ ق.م.ا)

متن قانون: «هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.» (ماده ۱۳۰ ق.م.ا)

در تبصره ۱ ذیل این ماده گروه مجرمانه تعریف می شود: «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می گردد.» همچنین در تبصره ۲ معنای سردستگی را «تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه» می داند.

## ۲- سبّ نبی (ماده ۲۶۲ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده: اعدام

متن قانون: «هر کس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم و یا هر یک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند سبّ النبی است و به اعدام محکوم می شود.» (ماده ۲۶۲ ق.م.ا)

### توضیحات:

۱- معنای قذف نسبت زنا و لواط دادن به مرد یا زن است.

۲- در تبصره ذیل این ماده آمده است که قذف هر یک از ائمه معصوم یا حضرت فاطمه و دشنام به آن ها در حکم سبّ نبی می باشد.

۳- در نهایت قانونگذار شرایط متهمان به سبّ را جهت رهایی از حکم اعدام با گنجاندن ماده ۲۶۳ سهل می کند. در این ماده آمده است: «هرگاه متهم به سبّ، ادعاء نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است سبّ النبی محسوب نمی شود.» (ماده ۲۶۳ ق.م.ا) و در تبصره ذیل این ماده آورده شده که در صورتیکه

ساب در حالت مستی یا غضب یا به نقل از دیگری باشد و صدق اهانت کند موجب تعزیر هفتاد و چهار ضربه شلاق است.

### ۳- محاربه (ماده ۲۷۹ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده : اعدام یا صلب یا قطع دست راست و پای چپ یا نفی بلد .

متن قانون : « محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود.» (ماده ۲۷۹ ق.م.ا)

#### توضیحات :

۱- در ماده ۲۸۰ افرادی را که در برابر محاربان سلاح به دست گیرند را محارب به حساب نمی آورد. همچنین قانون، تعیین مجازات از میان ۴ مجازات برشمرده شده را به اختیار قاضی می گذارد.

۲- در خصوص تبعید (نفی بلد) حداقل زمان یک سال است و تا زمانی که فرد توبه نکند باید در تبعید باقی بماند. شرط خروج از تبعید ، توبه فرد است. (ماده ۲۸۴ ق.م.ا). لازم به ذکر است در تبصره ۱ ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او را موجب سقوط حد دانسته است. اما پس از دستگیری طبق ماده ۱۱۶ مجازات اسلامی « محاربه با توبه ساقط نمی گردد.»

## ۴- بگی و افساد فی الارض (ماده ۲۸۶ ق.م.ا)

مجازات در نظر گرفته شده : اعدام

متن قانون : « هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.» (ماده ۲۸۶ ق.م.ا)

### توضیحات :

۱- در تبصره ذیل این ماده آمده است که هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع و یا علم به موثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند، در صورتیکه جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، دادگاه می تواند با توجه به نتایج زیان بار جرم مرتکب را به حبس تعزیری درجه ۵ یا درجه ۶ محکوم کند. بر اساس ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی حبس درجه ۵، بیش از ۲ سال تا ۵ سال و درجه ۶، بیش از ۶ ماه تا ۲ سال است.

۲- در ماده ۲۸۷ آمده است: « گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب می شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات

اعدام محکوم می گردند. « در ماده ۲۸۸ قانون گذار پیش بینی کرده است که اگر « اعضای گروه باغی ، قبل از درگیری و استفاده از سلاح دستگیر شوند ، چنانچه سازمان و مرکزیت آن وجود داشته باشد به حبس تعزیری درجه سه (بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال) و در صورتیکه سازمان و مرکزیت آن از بین رفته باشد به حبس تعزیری درجه پنج (بیش از ۲ سال تا ۵ سال) محکوم می شوند. »

جدول ۳. جرایم با مجازات حدی			
ردیف	عنوان اتهام	شماره ماده	مجازات
۱	سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته	۱۳۰	اعدام
۲	سبّ نبی	۲۶۲	اعدام
۳	محاربه	۲۷۹	اعدام یا صلب یا قطع دست راست و پای چپ یا نفی بلد
۴	بغی و افساد فی الارض	۲۸۶	اعدام

## فصل ۲ . تعقیب و بازداشت

## ضابطان دادگستری

به طور معمول تعقیب و بازداشت فعالان سیاسی توسط ضابطان دادگستری انجام می شود. «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می کنند.» (ماده ۲۸ آ.د.ک) ضابطان عام همان نیروی انتظامی و ضابطان خاص طبق تعریف ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری، مأموران وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می باشند.

ضابطان باید توسط قوه قضاییه تحت آموزش قرار گرفته و با قوانین و مقررات و حیطه وظایف خود آشنا شوند. همه ضابطان باید دارای کارت شناسایی با نام ویژه ضابط دادگستری باشند و «**تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.**» (ماده ۳۰ آ.د.ک) بر اساس قانون دادستان مکلف است به طور مستمر دوره های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید. همچنین «ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند با دادستان است.» (ماده ۳۲ آ.د.ک)

در جرایم غیر مشهود که اغلب جرایم سیاسی چنین وضعیتی دارند، ضابطان اطلاعات و تحقیقات خود را در اختیار دادستان گذاشته و برای دریافت مجوزهای قضایی لازم جهت اقدام از وی درخواست می کنند. درخواست تحت نظر قرارداد،



بازداشت و یا تفتیش منزل و امکان همه باید توسط مقام قضایی تایید و ابلاغ گردد تا قابلیت اجرا داشته باشد. بر اساس ماده ۵۵ آیین دادرسی کیفری، «**ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضائی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.**» (ماده ۵۵ آ.د.ک) ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند. (ماده ۵۶ آ.د.ک) همچنین بر اساس ماده ۱۴۰ آیین دادرسی کیفری «**تفتیش و بازرسی منزل در روز به عمل می آید و در صورتی هنگام شب انجام می شود که ضرورت اقتضاء کند.** بازپرس دلایل ضرورت را احراز و در صورت مجلس قید می کند و در صورت امکان، خود در محل حضور می یابد.» تفتیش منزل باید در حضور ساکنان منزل و «ضمن رعایت موازین شرعی و قانونی، حفظ نظم محل مورد بازرسی و مراعات حرمت متصرفان و ساکنان و مجاوران آن» (ماده ۱۴۲ آ.د.ک) صورت گیرد.

ضابطان باید همه چیزهایی را که جهت بررسی موضوع اتهام موثر می دانند را و قصد خروج آن از منزل را دارند در صورتجلسه ای که به امضای صاحب آنها می رسد یادداشت نمایند. همچنین آنها نمی توانند هر چیز نامربوطی را نیز با خود ببرند بر اساس ماده ۱۴۶ آیین دادرسی کیفری «**از اوراق، نوشته ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه راجع به جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می شود.** بازپرس مکلف است در مورد سایر نوشته ها و اشیای متعلق به متهم با احتیاط رفتار کند، موجب افشای مضمون و محتوای غیرمرتبط آنها با جرم نشود، در غیر اینصورت وی به جرم افشای اسرار محکوم می شود» (ماده ۱۴۶ آ.د.ک)

پس از بازداشت فرد، او می تواند بلافاصله درخواست وکیل و حضور وی را بکند اما در جرایم امنیتی «در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوا وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رییس قوه قضاییه باشد، انتخاب می نمایند.» (تبصره ذیل ماده ۴۸ آ.د.ک) شخص تحت نظر می تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. «در اینصورت باید مراتب را برای أخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضائی برسانند.» (ماده ۵۰ آ.د.ک) همچنین به درخواست خود فرد یا یکی از بستگانش فرد بازداشت شده می تواند مورد معاینه پزشکی منتخب دادستان قرار گرفته و نتیجه معینات باید در پرونده فرد درج شود. (ماده ۵۱ آ.د.ک)

همچنین ضابطان وظیفه دارند «حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.» (ماده ۵۲ آ.د.ک)

در زمان بازجویی ضابطان مکلفند که تاریخ و ساعت و مدت بازجویی و عین اظهارات فرد را در برگه های بازجویی درج نمایند. (ماده ۵۳ آ.د.ک) همچنین بنابر قانون « در بازجویی ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت مجلس قید شود و به امضاء یا اثر انگشت متهم برسد.» (ماده ۶۰ آ.د.ک)

در برگه های بازجویی نباید قلم خوردگی یا نوشتن بین سطور باشد. « اگر یک یا چند کلمه اضافه گردد باید بر روی آن خط نازکی کشیده و این موضوع قید شود و بازپرس و شخصی که تحقیق از او به عمل می آید، آن را امضاء کنند. همچنین اگر یک یا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شود، اشخاص یادشده باید زیر آن را امضاء کنند. هرگاه این ترتیب رعایت نشود، کلمات و خطوط مزبور فاقد اعتبار است.» (ماده ۱۱۵ آ.د.ک)

همچنین ضابطان حق ندارند فرد را بدون تحویل به بازپرس در بازداشت خویش نگاه دارند. بر اساس ماده ۱۸۵ آیین دادرسی کیفری « ضابطان دادگستری مکلفند متهم جلب شده را بلافاصله نزد بازپرس بیاورند و در صورت عدم دسترسی به بازپرس یا مقام قضائی جانشین، در اولین وقت اداری، متهم را نزد او حاضر کنند. در صورت تأخیر از تحویل فوری متهم، باید علت آن و مدت زمان نگهداری در پرونده درج شود. به هر حال مدت نگهداری متهم تا تحویل وی به بازپرس یا قاضی کشیک نباید بیش از بیست و چهار ساعت باشد.» (ماده ۱۸۵ آ.د.ک) همچنین بازپرس هم باید بلافاصله در خصوص فرد بازداشت شده تحقیق کرده و وضعیت او و نوع قرار او را مشخص کند. « تحت نظر قرار دادن متهم بیش از بیست و چهار ساعت، بدون آنکه تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود، بازداشت غیرقانونی محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم می شود.» (تبصره ذیل ماده ۱۸۹ آ.د.ک)

## انواع قرار های تامین و نظارت قضایی

در خصوص هر متهم با توجه به نوع اتهام، وضعیت اجتماعی و سایر امور دخیل، می توان نوع قرار را انتخاب کرد. این قرار ها به ترتیب از ساده ترین قرار «التزام به حضور با قول شرف» تا «قرار بازداشت موقت» متفاوت است. در زیر انواع قرارهای تعیین شده در قانون آورده می شود:

۱- التزام به حضور با قول شرف

۲- التزام به حضور با تعیین وجه التزام

۳- التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با قول شرف

۴- التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با تعیین وجه التزام

۵- التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضائی یا انتظامی با تعیین وجه التزام.

۶- التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط.

۷- التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات

۸- اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله.

۹- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول

۱۰- بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی

در جرایم سیاسی معمولاً قرارها از نوع ۸ (کفیل)، ۹ (اخذ وثیقه)، ۱۰ (بازداشت) می باشد. البته فرد می تواند تا ۱۰ روز پس از اعلام قرار بازداشت به قرار تعیین شده اعتراض کند و اگر مرجع صادر کننده قرار نه بازپرس بلکه دادگاه باشد دادگاه های تجدید نظر استان می توانند به این اعتراض رسیدگی کنند. همچنین در صورتیکه متهم بخواهد به جای معرفی کفیل، وثیقه بسپارد، بازپرس مکلف به قبول آن و تبدیل قرار است. در این صورت متهم می تواند در هر زمان با معرفی کفیل، آزادی وثیقه را تقاضا کند. (ماده ۲۲۰ آ.د.ک)

قانون آیین دادرسی جدید (سال ۹۲) همچنین محدودیت و دقت زیادی برای صدور قرار بازداشت موقت قائل شده است. در ماده ۲۳۷ این قرار را صرفاً در برخی موارد مجاز می شمارد که در زیر فهرست شده اند:

۱- جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس ابد یا قطع عضو باشد.

۲- جرائم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است. (حبس بیش از ۵ سال)

۳- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آنها درجه پنج و بالاتر است. (حبس بیش از ۲ سال)

۴- ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود.

۵- سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت.

در موارد بالا باز هم قاضی نمی تواند به طور بی واسطه دستور بازداشت موقت را صادر کند بلکه باید یکی از شرایط زیر وجود داشته باشد تا قرار بازداشت موقت فرد توجیه داشته باشد:

۱- آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود شهود از اداء شهادت امتناع کنند.

۲- بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد.

۳- آزاد بودن متهم محل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاک، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد.

قرار بازداشت موقت باید مستدل و موجه باشد و مستند قانونی و ادله آن و حق اعتراض متهم در متن قرار ذکر شود. (ماده ۲۳۹ آ.د.ک) همچنین قرار بازداشت متهم باید فوری نزد دادستان ارسال شود. دادستان مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را به طور کتبی به بازپرس اعلام کند. هرگاه دادستان با قرار بازداشت متهم موافق نباشد، حل اختلاف با دادگاه صالح است و متهم تا صدور رأی دادگاه در این مورد که حداکثر از ده روز تجاوز نمی کند، بازداشت می شود. (ماده ۲۴۰ آ.د.ک)

همچنین زمان بازداشت فرد نیز محدودیت دارد. در جرائم عادی تا یک ماه و در جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر تا دو ماه پس از بازداشت موقت، اگر پرونده منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشود «بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین است. اگر علل موجهی برای بقای قرار وجود داشته باشد، با ذکر علل مزبور، قرار، ابقاء و مراتب به متهم ابلاغ می شود.» (ماده ۲۴۲ آ.د.ک) به هر حال، مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرائم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرائم از یکسال تجاوز نمی کند. (همان ماده)

علاوه بر قرار های تأمین برشمرده در بالا، در جرائم با مجازات های تعزیری درجه هفت و هشت، بازپرس می تواند به جای قرار تأمین از قرار نظارت قضایی که شامل مواردی نظیر معرفی نوبه ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس یا

منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی یا ممنوعیت خروج از کشور استفاده نماید یا در سایر موارد علاوه بر قرارهای تامین فرد متهم را تحت نظارت قضایی هم قرار دهد. (ماده ۲۴۷ آ.د.ك) البته مدت اعتبار قرار منع خروج از کشور شش ماه و قابل تمدید است. «در صورتیکه مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود، این دستور خود به خود منتفی است و مراجع مربوط نمی‌توانند مانع از خروج شوند.» (ماده ۲۴۸ آ.د.ك)

در نهایت بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی و در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می‌کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند. چنانچه دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در پرونده درج می‌کند و تکمیل آن را می‌خواهد. در این صورت، بازپرس مکلف به انجام این تحقیقات است و در صورتی که عقیده دادستان و بازپرس بر جلب متهم به دادرسی باشد، دادستان ظرف دو روز با صدور کیفرخواست، از طریق شعبه بازپرسی بلافاصله پرونده را به دادگاه صالح ارسال می‌کند. آنچه از دادرسی و از جانب بازپرس به دادگاه می‌رود، کیفرخواست و قرار صادره و نتیجه تحقیقات است. پس از آن دادگاه در خصوص اتهام فرد و محکومیت یا براءت او رای می‌دهد.

عنوان اتهامی که در کیفرخواست ذکر می‌شود، مانع از تعیین عنوان صحیح قانونی توسط دادگاه نیست. در صورتیکه مجموع اعمال ارتكابی متهم در نتیجه تحقیقات دادرسی روشن باشد و دادگاه فقط عنوان اتهام را نادرست تشخیص دهد، مکلف است اتهام جدید را به متهم تفهیم، تا از اتهام انتسابی مطابق مقررات دفاع کند و سپس مبادرت به صدور رأی نماید. همچنین دادستان نمی‌تواند پس از ارسال پرونده به دادگاه از اصل اتهام یا ادله آن عدول و بر این اساس کیفرخواست را مسترد یا اصلاح کند و فقط می‌تواند دلایل جدید له یا علیه متهم را که کشف یا حادث می‌شود به دادگاه اعلام کند. (ماده ۲۸۲ آ.د.ك)

هرگاه به علت جرم نبودن عمل ارتكابی، قرار منع تعقیب صادر و به هر دلیل قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد. هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب صادر و در دادرسی قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید که در این صورت، با نظر دادستان برای یک بار قابل تعقیب است. (ماده ۲۷۸ آ.د.ك)

## فصل ٣ . حقوق متهم

## حقوق متهمان در آیین دادرسی کیفری

آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است جهت کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات از وی، نحوه رسیدگی و صدور رای، اعتراض به آرا، اجرای مجازات و نیز ضوابط حاکم بر اعمال و رفتار ضابطان قضایی. در این بخش سعی می‌کنیم با اشاره به بعضی از مواد موجود در قانون آیین دادرسی کیفری در راستای استیفای حقوق متهمان کمک و راهنمایی کرده باشیم.

### ۱- استناد به قانون و عدم تبعیض ( ماده ۲ آ.د.ک):

متن قانون: « دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار میگیرند، به صورت یکسان اعمال شود.» (ماده ۲ آ.د.ک)

#### مورد استفاده:

در مواقعی که افراد دارای جرایم مشابه می‌باشند در صورتیکه احکام متفاوتی در خصوص آن‌ها صادر شده یا طریقه اعمال آیین دادرسی در خصوص آنها متفاوت باشد، افراد می‌توانند با ارائه مدارک در این خصوص در قالب این ماده حقوق ضایع شده خویش را پیگیری نمایند.

## ۲- بی طرفی و استقلال قاضی (ماده ۳ آ.د.ک)

متن قانون: «مراجع قضائی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاهترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می شود، جلوگیری کنند.» (ماده ۳ آ.د.ک)

### مورد استفاده:

در جرایمی که یک سوی آن حکومت و قدرت سیاسی حاکم و در سوی دیگر متهم با اتهامات سیاسی و امنیتی وجود دارد، آیا می توان قاضی ای را که از حکومت حقوق دریافت کرده و عزل و نصبش توسط حکومت تعیین می شود را دارای بی طرفی و استقلال کامل دانست؟ به یقین چنین امکانی به سختی محقق خواهد شد. به همین دلیل هم هست که در قانون پیش بینی شده است محاکم جرایم سیاسی و مطبوعاتی را باید با حضور هیات منصفه و علنی برگزار کرد. اما متأسفانه در تعریف جرایم سیاسی قانونگذار چنان تحدید قائل شده است که عملاً محاکمه افراد سیاسی توسط این قانون انجام نشده و به استناد سایر مواد قانون مجازات اسلامی انجام می گیرد.

از نکات دیگری که در قانون به آن پرداخته شده است و نشان دهنده بی طرفی قاضی است این است که قاضی نباید تا پایان رسیدگی در خصوص مجرمیت یا براءت متهم اظهار نظر کند. این مساله در خصوص اتهامات سیاسی (در معنای عام آن) که خود قاضی به نوعی دارای سلیقه و نظر است بیش تر نیاز به دقت دارد: «قاضی دادگاه نباید پیش از اتمام رسیدگی و اعلام رأی، در خصوص براءت یا مجرمیت متهم اظهار عقیده کند.» (ماده ۳۷۲ آ.د.ک)



### ۳- اصل برائت (ماده ۴ آ.د.ک)

متن قانون: «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونهای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.» (ماده ۴ آ.د.ک)

#### مورد استفاده:

در دادگاه آنچه باید اثبات شود جرم است نه بی گناهی فرد. متأسفانه در برخی موارد شاهد هستیم که از متهم می خواهند بی گناهی خود را اثبات کنند و از این جهت از قبل، وقوع جرم را پیش فرض گرفته اند در حالیکه اصل بر برائت فرد است و اگر جرمی واقع شده است ابتدا باید دلایل وقوع آن نه حدسیات و گمان ها، ارائه گردد و بعد فرد به رد آن دلایل پردازد. به اصل برائت به عنوان یک اصل اساسی در ماده ۳۷ قانون اساسی هم اشاره شده است.

در خصوص ورود به حریم خصوصی افراد همان طور که مشخص است بدون حکم قاضی کسی اجازه ورود ندارد و در صورت ورود با حکم هم حق توهین به فرد را ندارد چرا که هنوز جرم وی ثابت نشده است و در حکم متهم هست، اگر هم در دادگاه محکوم شود باز از حقوق اساسی محکومان برخوردار است. در هر صورت هرگونه توهین و آسیب به کرامت و حیثیت فرد بر اساس قانون ممنوع می باشد.

#### ۴- حق آگاهی نسبت به اتهام و حق داشتن وکیل (ماده ۵ آ.د.ک)

متن قانون: « متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.» (ماده ۵ آ.د.ک)

حق داشتن وکیل یکی از حقوق اساسی است که در اصل ۳۵ قانون اساسی نیز به آن اشاره شده است: « در همه دادگاه ها طرفین حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشد باید برای آنها امکانات تعیین وکیل را فراهم کرد.» (اصل ۳۵ ق.۱)

مساله اساسی در بحث استفاده از وکیل، زمان و میزان دسترسی به وکیل است. در ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، با شروع تحت نظر قرار دادن متهم، وی می تواند درخواست ملاقات با وکیل را بنماید، این ملاقات حداکثر یک ساعت می تواند باشد: « با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم میتواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.» (ماده ۴۸ آ.د.ک)

اما بلافاصله پس از این ماده تبصره ای آمده است که در برخی جرایم اجازه اخذ وکیل را صرفاً محدود به وکلای مورد تایید رئیس قوه قضایه می کند: «در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوا وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضایه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور

توسط رییس قوه قضاییه اعلام می گردد.» (تبصره ذیل ماده ۴۸ آ.د.ک) (موارد الف، ب و پ ذکر شده در بالا شامل جرایمی است که مجازات آنها سلب حیات، حبس ابد و قطع عضو می باشد.)

همان طور که سابقا بحث شد، در خصوص جرایم امنیتی که اغلب فعالین سیاسی و مدنی به آن متهم می شوند این محدودیت، نیز به سایر محدودیت های موجود در قانون اضافه می شود. با این حال اگر مفاد همین قانون نیز به درستی اجرا شود (ملاقات با وکیل بعد از یک هفته) و اتهام های امنیتی موجود در قانون نیز با دقت سنجیده و اصلاح گردند، می توان به محقق شدن بعضی از حقوق امیدوار بود. از جمله محدودیت های دیگری که برای اخذ وکیل در قانون ملاحظه شده است، در ماده ۱۹۱ آیین دادرسی کیفری است. در ماده پیش از آن (ماده ۱۹۰) آمده است: «**متهم میتواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگیرنده احضار به قید و به او ابلاغ می شود. وکیل متهم میتواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می شود.**» (ماده ۱۹۰ آ.د.ک)

در تبصره ۱ ذیل این ماده آمده است که اگر کسی را از حق داشتن وکیل منع نمایند یا حتی او را از داشتن این حق با خبر نسازند، فرد خاطی به مجازات انتظامی محکوم می شود. در ادامه این قوانین که به خوبی از حقوق متهم دفاع می کند در ماده ۱۹۱ محدودیتی در خصوص دسترسی وکلا به پرونده قائل است: «**چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم گیری کند.**» (ماده ۱۹۱ آ.د.ک)

همچنین در ماده ۳۵۱ آیین دادرسی کیفری به متهم و وکیل او اجازه می دهد که با مراجعه به دادگاه پرونده را مطالعه کرده و در صورت نیاز با اطلاع رئیس دادگاه از اوراق مربوطه تصویر تهیه نمایند اما در تبصره ذیل این ماده، تهیه تصویر در بعضی موارد منع شده است: «**دادن تصویر از اسناد طبقه بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است.**»

(تبصره ذیل ماده ۳۵۱ آ.د.ک) در اینجا نیز شاهد هستیم قانونگذار استثنای محدود کننده ای برای جرایم امنیتی قائل شده است.

در تبصره ذیل ماده ۱۸۰ آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها مصوب سال ۱۳۸۴ ، به این موضوع اشاره شده است که متهمان ممکن است به دلیل لطمه خوردن به جریان رسیدگی از سوی قاضی در مدت بازداشت ممنوع الملاقات شده و حتی با وکیل خود امکان ملاقات نداشته باشد. در این صورت : « قاضی مربوط میبایست به طور کتبی ملاقات با محکوم یا مکاتبه وی را ممنوع اعلام کند . در این صورت و در مدت ممنوعیت حسب مورد ملاقات با محکوم و یا مکاتبه او تنها با اجازه کتبی مراجع قضایی صلاحیتدار مجاز میباشد . تخلف از مفاد این تبصره موجب تعقیب انتظامی یا اداری متخلف خواهد بود ولی پس از آغاز محاکمه ، وکیل مدافع شخص بازداشت شده حق خواهد داشت که با او ملاقات نماید و هیچ یک از مأموران انتظامی یا اداری و قضایی نمی توانند به هیچ وجه از این ملاقات جلوگیری نمایند.»

## ۵- مراعات آزادی های مشروع و حقوق شهروندی ( ماده ۷ آ.د.ک)

متن قانون : « در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۲/۳ محکوم می شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.» ( ماده ۷ آ.د.ک)

## مورد استفاده :

قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ پس از تصویب مجلس و تایید شورای نگهبان توسط محمد خاتمی رئیس جمهور وقت ابلاغ گردید. در ماده واحده این قانون آمده است « از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضاییه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجراء کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد. از جمله موارد مهمی که در این قانون لحاظ گردیده، می توان به موارد ذیل اشاره کرد :

۱- کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تامین و بازداشت موقت می باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هر گونه سلاقی شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هر گونه خشونت و یا بازداشت های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

۲- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

۳- در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.

۴- بازجویان و ماموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام های خلاف قانون خودداری ورزند.

۵- بازرسی ها و معاینات محلی جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که

ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد.

۶- هر گونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۷- پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.

۸- محاکم و دادرها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.

۹- رئیس قوه قضاییه موظف است هیأتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند موظفند با این هیأت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیات وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساع در اصلاح روش‌ها و انطباق آن‌ها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضاییه گزارش نماید.

پس از تصویب قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ این قانون (مورد ۹ از موارد بالا) نیز در آبان ماه سال ۸۳ به تصویب ریاست وقت قوه قضاییه رسید که مقرر کرد «هیات نظارت مرکزی» تحت نظر ریاست قوه قضاییه یا یکی از معاونت‌های آن در تهران و هیات‌های «نظارت و بازرسی استان» در استان‌ها تحت نظر ریاست کل دادگستری هر استان تشکیل شود تا بر اساس

دستورالعمل مذکور بر اجرای دقیق مفاد آن و حفظ آزادی های مشروع و حقوق شهروندی افراد نظارت داشته باشند.

## ۶- منع شکنجه ، اجبار یا توهین به متهم جهت اقرار ( ماده ۶۰ آ.د.ک )

متن قانون : « در بازجویی ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت مجلس قید شود و به امضاء یا اثر انگشت متهم برسد.» (ماده ۶۰ آ.د.ک)

در جایجای قوانین و مقررات اصرار قانون گذار به عدم استفاده از خشونت علیه متهم و توهین یا تحقیر وی اشاره شده است و اقرار تحت این شرایط را نامعتبر دانسته است. همچنین طرح سؤالاتی که به مورد اتهامی ربط ندارد نظیر مسائل شخصی ، خصوصی و روابط جنسی فرد به صراحت در این ماده نهی شده است و هرگونه جوابی که فرد در پاسخ به این گونه سوال ها بدهد معتبر نمی باشد. در ماده ۱۹۵ آیین دادرسی کیفری آمده است پرسش های بازپرس از متهم هم نمی تواند تلقینی باشد به همین جهت در این ماده آمده است : « پرسشها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است.» در صورتیکه بازپرس چنین پرسش هایی را طرح کند تبصره ذیل این ماده « وکیل متهم میتواند در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد.» (تبصره ذیل ماده ۱۹۵ آ.د.ک) تخلف از این قانون موجب محکومیت انتظامی تا درجه ۴ خواهد شد.

در اصل ۳۸ قانون اساسی ، به عنوان قانون مادر ، این امر به صراحت بیان شده است : « هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت ، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.» (اصل ۳۸ ق.۱)

همچنین در ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی در خصوص شرایط اعتبار اقرار متهم آورده شده است : « اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی آخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید. (ماده ۱۶۹ ق.م.ا)

در خصوص منع توهین و تحقیر، هتک حرمت متهم نیز علاوه بر ماده ۶۰ آیین دادرسی کیفری در اصل ۳۹ قانون اساسی آورده شده است : « هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. » (اصل ۳۹ ق.ا)

همچنین همان طور که پیش تر عنوان شد در قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب سال ۸۳ نیز اعمالی نظیر « ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان »، « پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم » صریحا نهی شده است.

همچنین مواردی از تحقیر یا تهدید متهم در بازجویی ها با عنوان نمودن مسائل شخصی و روابط جنسی فرد علاوه بر آنکه در ماده ۶۰ آیین دادرسی کیفری منع شده و پاسخ به آنها را قابل استناد ندانسته است به صراحت در ماده ۱۰۲ آیین دادرسی کیفری هرگونه تحقیق در خصوص این مسائل را ممنوع می داند : « انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شود و یا دارای شاکی باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می شود. » (ماده ۱۰۲ آ.د.ک)

## ۷- ممنوعیت شنود و تفتیش مرسولات پستی (ماده ۱۵۰ آ.د.ک)

متن قانون : « کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می شود. کنترل مکالمات تلفنی



**اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) این قانون منوط به تأیید رئیس قوه قضائیه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد.» (ماده ۱۵۰ آ.د.ک)**

توضیح: موارد الف، ب، پ و ت ذکر شده در بالا شامل جرایمی است که مجازات آنها سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و مجازات تعزیری درجه ۳ به بالا می‌باشد. همچنین افراد و مقامات موضوع ۳۰۷ شامل روسای سه قوه، معاونان و مشاوران آنها، نمایندگان مجلس، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، وزرا و معاونان وزیر، استانداران و فرمانداران مراکز استان، دارندگان پایه قضایی و رئیس و دادستان دیوان محاسبات است.

همان طور که دیده می‌شود باز هم جرایم علیه امنیت مستثنی شده است. اینهمه استثنا و سخت‌گیری در خصوص جرایم امنیتی لازم می‌کند که جرایم امنیتی به طوری دقیق تعریف شود که نتوان متهمان سیاسی را به جرم امنیتی دستگیر کرد چرا که بسیاری از حقوق آنها به این واسطه پایمال خواهد شد. اگر قانون‌گذار دغدغه امنیت کشور را داشته است و به این واسطه متهمان و محکومان به این جرایم را تحت نظارت دقیق تری قرار داده است باید حدود تعاریف جرایم امنیتی و فصل مربوطه در قانون مجازات اسلامی دوباره بازنگری شده، با قانون جرایم سیاسی تطبیق داده شده و خلاهای موجود به صورت کارشناسانه حل گردد.

با این حال شنود در جرایم امنیتی هم باید با کسب اجازه از ریاست کل دادگستری استان صورت گرفته و نیز در مجوز صادره مدت شنود و تعداد دفعات آن مشخص شده باشد. در خصوص کنترل تلفنی محکومان، در تبصره ذیل این ماده تصمیم‌گیری در این خصوص را بر عهده دادگاه اولی که رای تحت نظر او اجرا می‌شود و قاضی اجرای احکام دانسته است: «کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان جز به تشخیص دادگاه نخستین که رأی زیر نظر آن اجراء می‌شود یا قاضی اجرای احکام ممنوع است.» (تبصره ۲ ماده ۱۵۰ آ.د.ک)

همچنین در ماده ۱۵۲ آیین دادرسی کیفری ذکر شده است: «تفتیش و بازرسی مراسلات پستی مربوط به متهم در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع

جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد.» در خصوص محکومان نیز این امر « به تشخیص دادگاه به وسیله مأموران مورد اعتماد زندان» انجام می شود.

#### ۸- علنی بودن محاکمات دادگاه (ماده ۳۵۲ آ.د.ک)

متن قانون: « محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می کند:

الف - امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است.

ب - علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.» (ماده ۳۵۲ آ.د.ک)

در تبصره ذیل این ماده منظور قانون گذار از علنی بودن دادگاه را عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات عنوان می کند. همچنین در ماده ۳۵۴ به صراحت عنوان می شود اخلال در نظم دادگاه سبب و بهانه ای برای غیر علنی بودن جلسات نیست و باید نظم را به گونه ای مقتضی برقرار کرد. صرفاً در قانون حضور افراد زیر ۱۸ سال در محاکم کیفری ممنوع بوده و حضور آنها تنها با تشخیص دادگاه امکان پذیر است. (ماده ۳۵۵ آ.د.ک)

# فصل ۴ . تعاریف و اصول دفاع از حقوق متهم

## تعریف جرم :

در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی جرم تعریف شده است : « هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود. » (ماده ۲ ق.م.ا)

این تعریف به اصل اساسی قانونی بودن جرم و مجازات تکیه دارد. بر اساس این اصل هم جرم و هم مجازات آن باید توسط قانون تعیین شده باشد. هیچ فردی را نمی توان به دلیل ارتکاب عملی که در قانون برای آن مجازاتی تعیین نشده است محاکمه کرد. در این صورت فرد می تواند مدعی باشد که عمل ارتكابی اش جرم نبوده است. همچنین قاعده «قبح عقاب بلا بیان» حکم می کند که تعقیب افراد بدون بیان اینکه آن عمل موجب تعقیب می شود ، زشت و ناپسند است. البته ندانستن قانون موجب نمی شود که از مجازات فرد مجرم جلوگیری نمود اما جهت مجازات فرد باید در قانون آن جرم و مجازات آن تعریف شده باشد. قانون گذار در ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی به صراحت به اصل قانونی بودن جرم و مجازات اشاره می کند : « حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد. » (ماده ۱۲ ق.م.ا)

## قصد ارتکاب به جرم ، جرم نیست (ماده ۱۲۳ ق.م.ا)

در ماده ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی آمده است: «مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم است و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد، شروع به جرم نیست و از این حیث قابل مجازات نمی باشد.» این ماده از لحاظ عقلی کاملاً به جاست. کسی را نمی شود به این علت که چیزی به ذهنش خطور کرده یا قصدی که هیچ گاه عملی اش نکرده یا قصدی که مقدماتی برایش چیده است که به طور مستقیم با آن جرم ارتباط ندارد دستگیر و مجازات کرد. اما همان طور که پیش تر دیدید در جرایم امنیتی ، صرف قصد مبنای محکومیت فرد می شود. در اینجا پیچیدگی وجود دارد که باید قانونگذار آن را تشریح نماید. قصد ارتکاب جرم که به معنای تصمیم ذهنی به انجام یک عمل ، متفاوت است از قصد ارتکاب جرم به معنای هدف فرد از انجام یک جرم. در حالت اول منظور از قصد ، تصمیم و نقشه است ، در حالت دوم منظور از قصد ، هدف است. در تبصره ذیل ماده ۱۲۲ که در خصوص مواقعی است که قصد فرد بدون اراده وی و از طریق مانعی بیرونی عملیاتی نمی شود قانون گذار می گوید: «هرگاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتکاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آنها بی اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است.» (تبصره ذیل ماده ۱۲۲ ق.م.ا)

در ماده بعدی گفته شده است که اگر کسی شروع به جرمی کند ولی به اراده خود آن را ترک کند ، مورد تعقیب قرار نمی گیرد: «هرگاه کسی شروع به جرمی نماید و به اراده خود آن را ترک کند به اتهام شروع به آن جرم، تعقیب نمی شود لکن اگر همان مقدار رفتاری که مرتکب شده است جرم باشد به مجازات آن محکوم می شود.» (ماده ۱۲۴ ق.م.ا)

با اینکه صرف قصد ارتکاب به جرم ، جرم نیست اما وجود آن برای اثبات جرم در جرایم عمدی لازم است. بر اساس ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی «در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرائمی که وقوع آنها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.» در واقع اگر فردی قصد و نیت بدی

از انجام یک عمل نداشته باشد اما عملش به نتیجه مجرمانه ای ختم شده باشد در این صورت چون قصدی همراه آن عمل نبوده است جرم عمدی تحقق نیافته است.

## ادله اثبات جرم

راه هایی که از طریق آن می توان یک جرم را اثبات کرد بر طبق ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی ۴ گونه است :

۱- اقرار      ۲- شهادت      ۳- قسامه و سوگند      ۴- علم قاضی

از موارد بالا مورد اقرار و علم قاضی از موارد مهمی هستند که باید به آن توجه ویژه کرد :

### نکات مهم در خصوص اقرار متهم :

۱- اقرار صرفا باید توسط خود فرد انجام شود. اقرار از طریق وکیل یا ولی قابل قبول نیست. (ماده ۱۶۵ ق.م.ا)

۲- اقرار می تواند لفظی باشد یا نوشته شده باشد. (ماده ۱۶۶ ق.م.ا)

۳- «**اقرار باید روشن و بدون ابهام باشد.**» نوشتن جملات دو پهلو ، با شرح و تفسیر و اما و اگر دار در بازجویی ها اقرار به حساب نمی آید. «**اقرار باید منجز باشد و اقرار مشروط و معلق مورد قبول نیست.**» (ماده ۱۶۶ و ۱۶۷ ق.م.ا)

۴- «**اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی أخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید.**» (ماده ۱۶۹ ق.م.ا)

۵- «**هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی رسد.**» (ماده ۱۷۱ ق.م.ا) این امر نشان دهنده این است که تا چه میزان اقرار فرد در اثبات جرم موثر است. البته به این طریق عکس موضوع هم صادق است یعنی هنگامی که خود متهم به جرم اقرار نمی کند ادله جهت مجرم

شناختن فرد باید خیلی محکم و قوی باشد. در ادامه همین ماده آمده است که اگر قاضی امارات و دلایل دیگر متقنی بیابد که اقرار فرد را زیر سوال قرار می دهد می تواند دستور تحقیق صادر کند.

در ماده ۳۶۰ آیین دادرسی کیفری نیز آمده است: « هرگاه متهم به طور صریح اقرار به ارتکاب جرم کند، به طوری که هیچ گونه شک و شبهه ای در اقرار و نیز تردیدی در صحت و اختیاری بودن آن نباشد، دادگاه به استناد اقرار، رأی صادر می کند.» (ماده ۳۶۰ آ.د.ک)

### نکات مهم در خصوص علم قاضی

۱- « علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.» (ماده ۲۱۱ ق.م.ا) در نتیجه زمانی که فرد اقرار نکرده است قاضی با استناد به علم خویش که منبعث از قرینه ها و نشانه های وقوع جرم است اقدام به صدور رای می کند. نکته ای که در اینجا وجود دارد این است که اولاً باید مواردی که سبب علم قاضی شده است در حکم انشاء شود و قاضی نمی تواند دلایل خود بر صدور حکم را پنهان نگاه دارد و در ثانی هر چیزی هم نمی تواند مستند علم قاضی قرار بگیرد. این مهم در تبصره ذیل این ماده آمده است که در بند ۲ به آن اشاره می شود.

۲- « مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی شود، نمی تواند ملاک صدور حکم باشد.» (تبصره ذیل ماده ۲۱۱ ق.م.ا) در اتهامات سیاسی معمولاً قضات به گزارش ضابطان اکتفا کرده و با توجه به گزارش هایی که آنها فرستاده اند ، حتی اگر فرد به جرم خویش اقرار نکرده باشد ، به ضرر متهم حکم صادر می کنند. در حالیکه اولاً قاضی باید گزارشات ضابطان را با عنوان جرم و شرایط وقوع آن تطبیق دهد چرا که گاهی گزارشات ضابطان صرفاً شواهد فعالیت های سیاسی یک فرد است که ممکن است ماهیت مجرمانه نداشته باشد یا نتوان آنها را مقدمات انجام عملیات مجرمانه ای قلمداد کرد. ثانیاً ضابطان معمولاً به دلیل جایگاه حکومتی خود در گزارشات خویش بی طرفی که اصل اساسی قضاوت است را رعایت نمی کنند و وظیفه قاضی است که در مقام قضاوت از قوه استدلال و استنباط جهت شناخت حقیقت استفاده نماید چرا که اگر می

خواست صرفاً به گزارش ضابطان اکتفا و اعتماد نماید که خود ضابطان پیش از آن رای بر محکومیت فرد داده بودند و دیگر حضور دادگاه و شانیت رسیدگی در حضور قاضی معنایی نداشت. ثالثاً قاضی باید در خصوص مجرم بودن فرد یقین حاصل کند و مجرد علم استنباطی که سبب یقین قاضی نشود نمی تواند ادله اثبات مجرمیت فرد باشد. در واقع اگر قاضی به مجرم بودن فرد ظنین باشد و نسبت به آن یقین حاصل نکند، اصل برائت حکم می کند که رای به برائت فرد بدهد.

## عطف به ماسبق شدن/نشدن قانون :

هر فرد را بر اساس قانونی می توان محاکمه کرد که در زمان وقوع جرم وجود داشته باشد. بر فرض اگر کسی مرتکب عملی شود که در قانون جاری در زمان ارتکاب جرم، جرم نبوده است اما چند سال بعد قانون به نحوی تصحیح شود که آن عمل ارتكابی جرم شناخته شود، فرد را نمی توان مورد تعقیب قرار داد. در حالت عکس آن اگر فرد به واسطه قانونی مجرم تلقی شده و در حال کشیدن حبس باشد اما قانون جدیدی نوشته شود که در آن عمل ارتكابی جرم شناخته نشود، فرد بلافاصله باید آزاد شود. در این زمینه قانون گذار با توجه به اصل «تفسیر به نفع متهم» عمل کرده است. در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی این قضیه بیان شده است :

*«در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمیتوان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، مؤثر است.» (ماده ۱۰ ق.م.ا)*

در ادامه این ماده تشریح می شود که در خصوص احکام قطعی شده که به موجب قانون جدید جرم تلقی نمی شوند، چگونه عمل می شود. در اینگونه موارد: «حکم قطعی اجراء نمی شود و اگر در جریان اجراء



باشد اجرای آن موقوف می شود. در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده است هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست.» (بند الف ماده ۱۰ ق.م.ا)

همان طور که می دانید در قانون مجازات اسلامی اصلاحی مصوب سال ۹۲، تعلیق مجازات جرایم امنیتی برداشته شد. حال اگر فردی پیش از سال ۹۲ مرتکب جرمی امنیتی شده باشد اما به اتهامات او پس از سال ۹۲ رسیدگی شود، آن فرد را نمی توان به موجب قانون موخر سال ۹۲ از امتیاز تعلیق مجازات محروم کرد. در حالت عکس آن هم با توجه به تمهیدات خوبی که در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ برای کاهش مجازات، تخفیف و تبدیل آن قائل شده است محکومان سال های قبل می توانند از این طریق درخواست رسیدگی مجدد نمایند.

### اعمال قاعده دراء ( ماده ۱۲۰ ق.م.ا)

این قاعده در خصوص اثبات نشدن جرم با لحاظ بعضی شبهات به کار می رود. به این معنا که اگر دلیلی یافت شود که وقوع جرم را یا شرایط وجودی آن را به زیر سوال ببرد و در آن ایجاد شبه نماید و یا مسوولیت کیفری فرد را با چالش مواجه سازد و از سویی دیگر هیچ قرینه ای بر نفی آن دلیل یافت نشود، جرم اثبات نمی شود. این قاعده زیر مجموعه ای از اصل برائت است که در صورتیکه شبه ای در گناهکار بودن طرف ایجاد شده و نتوان آن را حل کرد اصل برائت حکم می کند که او را گناه کار به حساب نیاورد.

« هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسوولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی شود.» (ماده ۱۲۰ ق.م.ا)

## اصول حاکم در خصوص صدور احکام تعزیری

در قانون مجازات اسلامی، مجازات‌ها به ۴ دسته تقسیم شده‌اند: حد، قصاص، دیه و تعزیر. حد مجازاتی است که نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع، تعیین شده است. قصاص مجازاتی است که در برابر جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع افراد اعمال می‌شود. دیه مالی است که در شرع برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهت برای آن قصاصی تعیین نشده است از فرد مجرم گرفته می‌شود. حال اگر جرمی هیچ‌یک از سه دسته قبل نباشد، تعزیری به حساب می‌آید. در واقع جرایم با مجازات تعزیری جرایمی هستند که در شرع مجازاتی برای آن تعیین نشده است اما حکومت بنا بر مصالح خود یا اجتماع آن را جرم تلقی کرده و برای آن در قانون مجازات تعیین کرده است. به طور مثال شرب خمر، مجازات حدی دارد. در حالیکه خرید و فروش و قاچاق مشروبات الکلی مجازات تعزیری دارد.

اکثر اتهاماتی که گریبانگیر فعالین سیاسی و مدنی می‌شود از نوع تعزیری است، یعنی جرایمی است که قانونگذار آنها را جرم انگاری کرده است. در این خصوص قانون‌گذار توجه خاص دارد که در خصوص صدور احکام تعزیری مواردی نظیر انگیزه فرد، سابقه فرد، شان اجتماعی او، تاثیر تعزیر بر زندگی و رفتار او در هنگام صدور رای مورد ملاحظه قرار گیرد. در سایر مجازات‌ها از آنجایی که شارع نوع مجازات را مشخص کرده و نسبت به افراد تفاوتی قائل نشده است دست قانون‌گذار بسته است اما در جرایم تعزیری توصیه اکید شده است با توجه به اصل «شخصی بودن مجازات» وضعیت فرد در صدور حکم لحاظ گردد. در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی به این شرایط اشاره شده است:

«... دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

**الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم**

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی» (ماده ۱۸ ق.م.ا)

همان طور که ملاحظه می شود فرد متهم می تواند در صورتیکه هر یک از موارد بالا شامل حالش شود از دادگاه درخواست نماید در صدور حکم شرایط بالا را مد نظر قرار دهد.

### تخفیف مجازات :

همان طور که پیشتر تاکید گردید دست دادگاه در تخفیف مجازات جرایم تعزیری باز است. ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مشخص کرده است که تا چه اندازه ای قاضی اجازه دارد برای فرد مجرم تخفیف قائل شود. همچنین در ماده ۳۸ مشخص نموده است که چه مسائلی می تواند مجرم را مستحق اعطای تخفیف قرار دهد. پیش از مطالعه این دو ماده مهم خوب است بدانیم در قانون، مجازات های تعزیری به ۸ درجه تقسیم شده اند. این درجات به نوعی شدت مجازات را تعیین می کند به طوریکه مجازات درجه ۱ شدت بیشتری از مجازات درجه ۸ دارد. در زیر این تقسیم بندی از مجازات ها که در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی آمده است در قالب جدولی ارائه می شود. در این خصوص باید توجه داشت که این تقسیم بندی صرفاً جهت مشخص کردن درجه مجازات است و نمی توان جهت تبدیل مجازات از آن استفاده کرد. به طور مثال اگر مجازات در نظر گرفته شده برای جرمی ۱ سال زندان باشد، درجه این مجازات از نوع ۶ می باشد. اگر مجازات در نظر گرفته شده برای یک جرم حداقل و حداکثر داشته باشد مثل مجازات منظور شده برای تشکیل گروه با هدف اقدام علیه امنیت کشور که مجازات آن ۲ تا ۱۰ سال است، قانون گذار درجه این مجازات را با توجه به حداکثر مجازات تعیین شده حساب می کند. در این صورت مجازات پیش گفته از نوع درجه ۴ به حساب می آید.

درجات مجازات	میزان حبس	میزان جزای نقدی (میلیون ریال)	محرومیت از حقوق اجتماعی	شلاق
درجه ۱	بیش از ۲۵ سال	۱۰۰۰		
درجه ۲	بیش از ۱۵ تا ۲۵ سال	۵۵۰ تا ۱۰۰۰		
درجه ۳	بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال	۳۶۰ تا ۵۵۰		
درجه ۴	بیش از ۵ تا ۱۰ سال	۱۸۰ تا ۳۶۰		
درجه ۵	بیش از ۲ تا ۵ سال	۸۰ تا ۱۸۰	بیش از ۵ تا ۱۵ سال	
درجه ۶	بیش از ۶ ماه تا ۲ سال	۲۰ تا ۸۰	بیش از ۶ ماه تا ۵ سال	۱ تا ۷۴ ضربه
درجه ۷	بیش از ۹۱ روز تا ۶ ماه	۱۰ تا ۲۰	تا ۶ ماه	۱۱ تا ۳۰ ضربه
درجه ۸	حبس تا ۳ ماه	تا ۱۰		تا ۱۰ ضربه

اکنون بر می گردیم به بحث تخفیف مجازات عنوان شده در قانون. در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی آمده است :

**«در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند:**

الف- تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه

ب- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

پ- تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

ت- تقلیل سایر مجازات های تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر» (ماده ۳۷ ق.م.ا)

در ماده بعدی قانون گذار جهات تخفیف را ذکر می کند. که در صورت وجود یک یا چند دلیل از دلایل ذیل قاضی می تواند مطابق ماده ۳۷ در مجازات تخفیف اعمال کند. همچنین دادگاه باید در حکم تخفیف یافته جهات تخفیف را نیز ذکر نماید.

« جهات تخفیف عبارتند از:

الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن

پ- اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم

ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری

ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن

چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیانبار جرم

ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم.» (ماده ۳۸ ق.م.ا)

همان طور که مشاهده می شود قانون جهت مراعات حال محکومین در جرایم تعزیری حتی تا سه درجه تقلیل حبس را نیز در اختیار قاضی گذاشته است که می شود از این امکان جهت کاهش محکومیت استفاده کرد. حتی در ماده ۳۹ آمده است که در خصوص جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ در صورت وجود جهات تخفیف و

تشخیص دادگاه مبنی بر اینکه با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می شود، در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کرد.

## تعویق صدور حکم

در قانون پیش بینی شده است در جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸، در صورتیکه فرد مجرم دارای شرایط خاصی باشد با اینکه دادگاه پس از رسیدگی مجرمیت او را مسلم تشخیص داده باشد اما می تواند اقدام به صدور رای نکند و صدور رای از ۶ ماه تا ۲ سال به تعویق اندازد. تعویق در قانون هم به دو صورت پیش بینی شده است: ساده و مراقبتی. در تعویق ساده فرد صرفاً تعهد کتبی می دهد که در این مدت جرمی مرتکب نشده و خودش را در روند اصلاح قرار دهد. در تعویق مراقبتی علاوه بر تعهد فرد باید سایر دستوراتی که دادگاه بر عهده او گذاشته است را در این مدت انجام دهد. در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص تعویق صدور حکم می خوانیم:

« در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت، دادگاه می تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد:

الف- وجود جهات تخفیف

ب- پیشبینی اصلاح مرتکب

پ- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

ت- فقدان سابقه کیفری مؤثر» (ماده ۴۰ ق.م.ا)

در ظاهر تعویق صدور حکم امری بی فایده است. اگر قرار است حکم صادر شود چه فایده ای به تعویق انداختن آن وجود دارد؟ قانون گذار در اینجا هدفش این است که با دادن فرصت اصلاح به طرف نه تنها صدور حکم را به تعویق بیندازد بلکه در پایان مدت تعیین شده حکم به معافیت فرد از مجازات بدهد. یعنی تعویق صدور حکم در نهایت می تواند به عدم مجازات فرد ختم شود. در ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی می خوانیم:

« پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می کند.» (ماده ۴۵ ق.م.ا)

## تعلیق اجرای مجازات

تعلیق اجرای مجازات هم یکی از تمهیدات و ظرفیت های خوب قانون است که سبب می شود فرصت جبران به فرد مجرم داده شود که بدون اعمال مجازات تا مدتی تحت نظر باشد که اگر جرمی با شرایط خاص مرتکب شد علاوه بر مجازات جرم اخیر به مجازات تعلیق شده نیز محکوم گردد و در غیر این صورت کل محکومیت از پرونده فرد پاک شود. مدت تعلیق کردن اجرای مجازات می تواند یک تا ۵ سال باشد. تعلیق هم مانند تعویق می تواند ساده یا مراقبتی باشد. صرفاً جرایم درجه ۳ تا درجه ۸ قابل تعلیق هستند. هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب جرم **عمدی** موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا **درجه هفت** نشود، محکومیت تعلیقی بی اثر می شود. به عبارت دیگر در صورتیکه فرد در دوران تعلیق جرمی عمدی از درجه ۷ به بالا مرتکب شود باید مجازات تعلیق شده را هم بکشد. در تبصره ذیل ماده ۵۳ در خصوص کارمندان دولت هم آورده شده است که حتی اگر برای محکومیت به ارتکاب جرمی در قانون تخلفات اداری مجازات انفصال تعیین شده باشد، تعلیق مجازات سبب انفصال فرد از خدمات دولتی نمی شود. یعنی تعلیق مجازات تا این اندازه اثرات مجازات را منتفی می سازد.

همچنین افرادی که دوران محکومیت خود را در زندان می گذرانند هم می توانند پس از گذراندن یک سوم از مدت حبس از دادستان درخواست تعلیق کند. در ماده ۴۶ شرایط تعلیق به شرح ذیل آمده است:

« در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.» (ماده ۴۶ ق.م.ا)

در اکثر احکام قاضی در همان حکم اولیه در صورت شمول تعلیق با ذکر جهات اجرای مجازات را معلق می کند ، اما حتی اگر در رای صادره تعلیق لحاظ نشده باشد ، صدور تعلیق پس از ابلاغ حکم مطابق ماده ۴۹ منعی ندارد:

**« قرار تعلیق اجرای مجازات به وسیله دادگاه ضمن حکم محکومیت یا پس از صدور آن صادر می گردد. کسی که اجرای حکم مجازات وی به طور کلی معلق شده است، اگر در بازداشت باشد فوری آزاد می گردد.» (ماده ۴۹ ق.م.ا)**

البته بهتر بود قانونگذار در اینجا مشخص می کرد که منظور از تعلیق پس از صدور حکم، متفاوت از تعلیقی است که محکوم بعد از گذراندن یک سوم از محکومیت از دادگاه تقاضا می کند تا این دو سهوا اشتباه گرفته نشوند.

مبحث بسیار مهم در تعلیق استثنا شدن برخی جرائم از امتیاز تعلیق است. در سال ۹۲ جرائم امنیتی از این امتیاز محروم شدند و متأسفانه به دلیل تداخل تعاریف امنیتی و سیاسی ، بسیاری از فعالین سیاسی نمی توانند از این امتیاز استفاده نمایند. به همین دلیل هم ایجاد تفکیک بین جرائم امنیتی و تعریف دقیق آنها همان طور که پیشتر عنوان شد ، می تواند چاره ساز باشد. در ماده ۴۷ این جرایم به شرح ذیل تعریف شده است :

**«ماده ۴۷- صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:**

**الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات**

**ب- جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدمربایی و اسیدپاشی**

**پ- قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا**

**ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روانگردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان**

**ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض**

**ج- جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال « (ماده ۴۷ ق.م.ا)**



همچنین مساله مهم دیگر این است که محکومیت تعلیقی تاثیری بر وضعیت استخدامی فرد نیز ندارد. « در مواردی که به موجب قوانین اداری و استخدامی، محکومیت کیفری موجب انفصال است در صورت تعلیق، محکومیت معلق، موجب انفصال نمی گردد، مگر آنکه در قانون تصریح یا قرار تعلیق لغو شود.» (تبصره ذیل ماده ۵۳ ق.م.ا)

نکته دیگری که در ماده ۵۵۲ آیین دادرسی کیفری به آن اشاره شده است این است که « هرگاه محکوم علیه پس از سپری شدن حداقل شش ماه از مدت تعلیق اجرای مجازات، به طور مستمر حسن اخلاق و رفتار نشان دهد، قاضی اجرای احکام کیفری، مراتب را با پیشنهاد کاهش مدت تعلیق یا لغو تمام یا برخی از دستورهای تعیین شده به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می کند. دادگاه در وقت فوق العاده در مورد پیشنهاد قاضی اجرای احکام کیفری تصمیم می گیرد.» (ماده ۵۵۲ آ.د.ک) همچنین

در صورت عدم پذیرش پیشنهاد از سوی دادگاه، قاضی اجرای احکام کیفری می تواند هر دو ماه یک بار این درخواست را دوباره مطرح سازد.

## آزادی مشروط

کسانی که در حال گذراندن دوران محکومیت خود در زندان هستند بر اساس ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی می تواند با شرایطی از آزادی مشروط استفاده نماید. « در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادر کننده حکم می تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط را صادر کند:

الف- محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.

ب- حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی شود.

پ- به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.

ت- محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

انقضای مواعد فوق و همچنین مراتب مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ماده پس از گزارش رئیس زندان محل به تأیید قاضی اجرای احکام میرسد. قاضی اجرای احکام موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را درباره تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید.» (ماده ۵۸ ق.م.ا)

آزادی مشروط شامل بقیه دوران محکومیت فرد می شود اما دادگاه می تواند این مدت را تغییر دهد در هر حال بر اساس ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی این مدت نمی تواند کمتر از ۱ سال و بیش از ۵ سال باشد. البته در صورتیکه مدت باقی مانده از حبس کمتر از یک سال باشد، آزادی مشروط کمتر از یک سال نیز امکان پذیر است. در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، در دوران آزادی مشروط، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجراء در می آید، در غیر این صورت آزادی فرد قطعی می شود.

## مجازات های جایگزین حبس

از آن جایی که سیاست حبس زدایی و کاهش جمعیت زندانیان یکی از سیاست هایی که دولت دنبال می کند، سیستم قضایی نیز تلاش کرده است در طی این سال ها به شدن این سیاست را به اجرا در آورد. دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان ها مصوب ۹۵/۶/۱۷ ابلاغی ریاست قوه قضاییه از جمله این تمهیدات است که در جای جای آن به دادسراها، دادگاه های اولیه، تجدید نظر و سازمان زندان ها دستور داده است بنابر امکانات پیش بینی شده در قانون تا آنجا که می شود از صدور حکم حبس خودداری نمایند. به همین ترتیب در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی نیز، مجازات های جایگزین حبس پیش بینی شده که عبارتند از: دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی

روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی . دادگاه تنها می تواند حداکثر به دو نوع از مجازات های جایگزین حبس حکم کند. همچنین برای استفاده از مجازات های جایگزین حبس باید وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال در نظر گرفته شود. برای استفاده از مجازات های جایگزین حبس ، جرائم به سه دسته تقسیم شده اند :

### ۱- جرایم عمدی با حداکثر میزان مجازات کمتر از ۳ ماه :

این محکومان به جای حبس به مجازات جایگزین تبدیل می شوند. توجه باید کرد منظور قانگذار جرم ارتكابی است و حداکثر میزان حبس در نظر گرفته شده برای جرم ارتكابی در قانون است نه میزان مجازات منظور شده برای مجرم در حکم. در نتیجه کسی که با احتساب تخفیف مجازاتش زیر ۳ ماه است اما مجازات قانونی جرمش بیش از ۳ ماه است، شامل این بند نمی شود. دوره مراقبت این افراد یعنی مدت زمانی که باید به جای زندان مجازات های جایگزین مثل خدمات عمومی رایگان را انجام دهند حداکثر ۶ ماه می باشد. میزان ساعت خدمات عمومی رایگان در این حالت تا ۲۷۰ ساعت می باشد.

در صورت تعیین جزای نقدی روزانه ، محکوم باید مبلغ یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه خود را تا ۱۸۰ روز به عنوان جریمه پرداخت کند.

میزان جریمه نقدی جایگزین حبس در این حالت تا ۹ میلیون ریال می باشد.

### ۲- جرایم عمدی با حداکثر میزان مجازات بیش از ۹۱ روز تا ۶ ماه :

این محکومان هم می توانند از مجازات های جایگزین حبس استفاده کنند مگر اینکه به دلیل ارتكاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:

الف- بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری

ب- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه

دوره مراقبت این افراد یعنی مدت زمانی که باید به جای زندان مجازات های جایگزین مثل خدمات عمومی رایگان را انجام دهند شش ماه تا یک سال می باشد. میزان ساعت خدمات عمومی رایگان در این حالت تا ۵۴۰ ساعت می باشد.

در صورت تعیین جزای نقدی روزانه ، محکوم باید مبلغ یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه خود را از ۱۸۰ تا ۳۶۰ روز به عنوان جریمه پرداخت کند.

میزان جریمه نقدی جایگزین حبس در این حالت از ۹ میلیون تا ۱۸ میلیون ریال می باشد.

**۳- جرایم عمدی با حداکثر میزان مجازات بیش از ۶ ماه تا یک سال :** در مورد این محکومان نیز مجازات جایگزین حبس با شرایط گفته شده در بند ۲ قابل اعمال است. با این تفاوت که دوره مراقبت این افراد یک تا دو سال می باشد. میزان ساعت خدمات عمومی رایگان در این حالت ۵۴۰ تا ۱۰۸۰ ساعت می باشد.

در صورت تعیین جزای نقدی روزانه ، محکوم باید مبلغ یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه خود را از ۳۶۰ تا ۷۲۰ روز به عنوان جریمه پرداخت کند.

میزان جریمه نقدی جایگزین حبس در این حالت از ۱۸ میلیون تا ۳۶ میلیون ریال می باشد.

**۴- جرایم غیر عمدی :** در صورتیکه مجازات قانونی در نظر گرفته شده بیش از ۲ سال باشد ، تبدیل حبس به اختیار دادگاه است اما در غیر این صورت کلیه جرایم غیر عمدی قابل تبدیل هستند. مدت زمان دوره مراقبت و نیز میزان ساعت خدمات عمومی رایگان و نیز جریمه نقدی روزانه در جرایم غیر عمدی مانند جرائم عمدی است. در جرایم غیر عمدی که مجازات قانونی آن بیش از یک سال است مدت دوره مراقبت دو تا چهار سال می باشد. و میزان ساعت خدمات عمومی رایگان در این حالت ۱۰۸۰ تا ۲۱۶۰ ساعت می باشد. در این حالت در صورت تعیین جزای نقدی روزانه ، محکوم باید مبلغ یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه خود را از ۷۲۰ تا ۱۴۴۰ روز به عنوان جریمه پرداخت کند. همچنین در این حالت میزان جریمه نقدی جایگزین حبس از ۳۶ میلیون تا ۷۲ میلیون ریال می باشد.

### **چند نکته مهم :**

۱- در خصوص جرایم امنیتی مطابق ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی استفاده از مجازات های جایگزین حبس ممنوع می باشد.

۲- در تعدد جرایم عمدی که مدت مجازات حداقل یکی از آن جرایم بیش از ۶ ماه باشد امکان جایگزینی وجود ندارد. (ماده ۷۲ ق.م.ا)

۳- در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید. (ماده ۷۳ ق.م.ا) هر سه این مواد ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ سخت گیرانه بوده و بهتر است جهت کاهش جمعیت زندانیان و در راستای حبس زدایی این مواد تغییر یابند.

۴- بر اساس مواد ۸۰ و ۸۱، در صورت اجرای درست تکالیف جایگزین حبس توسط محکوم و بروز نشانه های اصلاح فرد، قاضی اجرای احکام می تواند از دادگاه بخواهد بقیه دوران محکومیت را تا نصف کاهش دهد و برعکس در صورت تخلف فرد، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجراء می گردد.

۵- در صورتیکه در حکم دادگاه نیز مجازات های جایگزین حبس پیش بینی نشده باشد قاضی اجرای احکام می تواند با توجه به شرایط متهم از دادگاه تقاضای تبدیل مجازات حبس را بنماید: «**قاضی اجرای احکام می تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند.**» (ماده ۷۷ ق.م.ا)

۶- ساعات ارائه خدمت عمومی رایگان برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیرشاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم شود.

## مرور زمان

یکی دیگر از موارد مهمی که در قانون در نظر گرفته شده است بحث مرور زمان است. مرور زمان به این معناست که در صورتی که فردی عمل مجرمانه ای را سال ها پیش انجام داده باشد ولی مورد تعقیب قرار نگرفته باشد پس گذشت مدت زمانی که در قانون پیش بینی شده است دیگر قابل تعقیب نیست. به طور مثال کسی که در دوران دانشجویی عمل مجرمانه ای

مرتکب شده باشد یا نویسنده ای که سال ها پیش کتابی نوشته است را نمی توان پس از گذشت مدت زمانی که قانون مشخص کرده است مورد تعقیب قرار داد. این بحث در ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی به شرح ذیل آمده است :

**« ماده ۱۰۵- مرور زمان، در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر را موقوف می کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد:**

**الف- جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای پانزده سال**

**ب- جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای ده سال**

**پ- جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای هفت سال**

**ت- جرائم تعزیری درجه شش با انقضای پنج سال**

**ث- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای سه سال.» (ماده ۱۰۵ ق.م.ا)**

ماده بالا به این معناست که اگر به طور مثال کسی مرتکب نشر اکاذیب در فضای مجازی شده باشد که مجازات آن در قانون ۹۱ روز تا دو سال است و در نتیجه از درجه ۶ به حساب می آید؛ اگر تا ۵ سال از زمان ارتکاب به آن جرم مورد تعقیب قرار نگرفته باشد یا از تحت تعقیب قرار گرفتن تا صدور حکم قطعی بیش از ۵ سال گذشته باشد، نمی توان فرد مذکور را محاکمه کرد و این مورد مشمول مرور زمان شده است.

### **نکات مهم بحث مرور زمان :**

۱- بر اساس ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی برخی از جرایم مشمول مرور زمان نمی شوند و همان طور که می توان حدس زد یکی از این موارد جرایم علیه امنیت کشور است:

**« جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمیشوند:**

**الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور**

ب- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده

پ- جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر (ماده ۱۰۹ ق.م.ا)

۲- علاوه بر اینکه مرور زمان، می تواند تعقیب را متوقف کند بر اساس ماده ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی، احکام قطعی تعزیری نیز پس از گذشت مواعد زیر مشمول مرور زمان شده و اجرای آنها متوقف می شود:

« مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم به قرار زیر است:

الف- جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای بیست سال

ب- جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای پانزده سال

پ- جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای ده سال

ت- جرائم تعزیری درجه شش با انقضای هفت سال

ث- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای پنج سال « (ماده ۱۰۷ ق.م.ا)

## توبه

در بعضی از جرائم تعزیری فرد مجرم می تواند با توبه کردن به شرط آنکه توبه او مورد قبول قاضی قرار گیرد از مجازات رهایی یابد یا خود را مستحق تخفیف مجازات کند. در ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی آمده است:

« در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می شود. در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.» (ماده ۱۱۵ ق.م.ا)

## نکات توبه :

۱- توبه در خصوص کسانی که مشمول قوانین تکرار جرم می باشند قابل قبول نیست. (تبصره ۱ ذیل ماده ۱۱۵ ق.م.ا)

۲- دبه، قصاص، حد قذف و محاربه با توبه ساقط نمی گردد. (ماده ۱۱۶ ق.م.ا)

۳- یکی از خطرهای مساله توبه این است که اگر در هر مرحله ای ثابت شود که فرد واقعا توبه نکرده است بلکه تظاهر به توبه کرده است، مجازات نه تنها اعمال می شود بلکه در جرایم تعزیری حداکثر مجازات پیش بینی شده در قانون لحاظ می شود. به طور مثال اگر کسی عضو گروهی باشد که قصد آن گروه اقدام علیه امنیت کشور باشد و به موجب ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی که مجازات آن را ۶ ماه تا ۵ سال تعیین کرده است به یک سال حبس محکوم شود اما توبه نماید تا به این طریق مجازات حبس ساقط شود، در صورتیکه چند سال بعد اثبات شود که توبه او ظاهری بوده است این بار او به ۵ سال حبس (حداکثر مجازات تعیین شده در ماده ۴۹۹) محکوم می شود. این بحث در ماده ۱۱۷ قانون مجازات اسلامی به شرح ذیل آمده است :

**« در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفاء نمی شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجراء می گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می شود.» (ماده ۱۱۷ ق.م.ا)**

۴- متهم می تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید. (ماده ۱۱۸ ق.م.ا) همچنین چنانچه دادستان مخالف سقوط یا تخفیف مجازات باشد، می تواند به مرجع تجدیدنظر اعتراض کند. (ماده ۱۱۹ ق.م.ا)

۵- در خصوص مجازات های حدی نیز قانون گذار در ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی به شرح ذیل تصمیم گرفته است :



« در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می گردد. همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست نماید.» (ماده ۱۱۴ ق.م.ا)

همچنین در تبصره ذیل این ماده آمده است که توبه محارب، قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.

## تعدد جرم

گاهی اوقات پیش می آید که رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، در این صورت آیا باید مجازات ها به صورت انباشتی جمع شود؟ به طور مثال کسی کتابی می نویسد که هم مصداق نشر اکاذیب است و هم تهمت و افترا و هم توهین به بعضی مقامات در این صورت چه مجازاتی باید برای فرد در نظر گرفت؟ قانون گذار با تفکیک مجازات های حدی و تعزیری در خصوص مجازات های تعزیری اشد مجازات در نظر گرفته شده برای عناوین اتهامی را به عنوان مجازات تجویزی در نظر می گیرد. « در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می شود.» (ماده ۱۳۱ ق.م.ا)

در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی این بحث به تفصیل بیان شده است. هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه حداکثر مجازات شدیدتر را منظور می کند و هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، دادگاه مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می نماید، اما در نهایت فقط مجازات اشد را قابل اجراء می داند و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجراء شود، مجازات اشد بعدی اجراء می گردد.

## چند نکته در خصوص تعدد جرم

۱- در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد. (ماده ۱۳۲ ق.م.ا)

۲- در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر و چنانچه مجازات، فاقد حداقل و حداکثر باشد تا نصف آن تقلیل دهد. (تبصره ۳ ذیل ماده ۱۳۴ ق.م.ا)

۳- مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیری درجه های هفت و هشت اجراء نمی شود. این مجازات ها با هم و نیز با مجازات های تعزیری درجه یک تا شش جمع می گردد. (تبصره ۴ ذیل ماده ۱۳۴ ق.م.ا) منظور این است که در صورتیکه در تعدد جرم، جرائمی از درجه هفت و هشت وجود داشته باشد، مجازات های آنها به طور مستقل محاسبه شده و اعمال می شوند و با سایر مجازات های دیگر مقایسه نمی شوند.

## تکرار جرم

منظور از تکرار جرم این است که فردی جرمی با درجه بخصوص را در طی یک مدت زمان مشخص تکرار کند. منظور تکرار همان جرم نیست بلکه تکرار مجرمیت است. در ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی این حدود مشخص شده است: «هر کس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات های تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می شود.» (ماده ۱۳۷ ق.م.ا)

در نتیجه هر جرم تعزیری تکرار به حساب نمی آید بلکه باید از درجه یک تا ۶ باشد و نیز مدت فاصله بین قطعی شدن حکم بیش از مدت زمانی که در مرور زمان اجرای مجازات تعیین شده است نباشد. در این صورت شرایط تکرار جرم صدق می کند.

## نکات مهم تکرار جرم

۱- نکته مهم این است که قانون گذار در ماده ۱۳۸، جرایم سیاسی و مطبوعاتی و جرایم اطفال را از شمول تکرار جرم خارج کرده است. در نتیجه در جرایم سیاسی، تکرار جرم سبب افزایش مجازات نمی شود.

۲- در تکرار جرائم تعزیری در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر مجازات تقلیل و در صورت ثابت بودن مجازات تا نصف کاهش دهد. (ماده ۱۳۹ ق.م.ا)

۳- چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی شود. (تبصره ذیل ماده ۱۳۹ ق.م.ا)

۴- توجه باید داشت که موارد بالا در خصوص جرایم تعزیری است در حالیکه بر اساس ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی «هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.» (ماده ۱۳۶ ق.م.ا)

## محکومیت موثر و محرومیت از حقوق اجتماعی

حتما اصطلاح محکومیت موثر را شنیده اید. مثلا در بحث استخدام ارگان های دولتی یکی از شرایط افراد عدم داشتن سوء پیشینه کیفری موثر است. منظور از محکومیت کیفری موثر محکومیتی است که بر اثر آن محکومیت، فرد از بعضی حقوق اجتماعی تا مدت زمان معینی به تبع آن محروم می شود. مثلا تا چند سال نمی تواند کاندیدای شورای شهر شود، یا نمی تواند به وکالت پردازد. در قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۵، این مجازات های تبعی و حدود آنها را مشخص کرده است.

### مصادیق محکومیت های موثر

۱- محکومیت به مجازات های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی، تا ۷ سال فرد از حقوق اجتماعی محروم می شود.

۲- در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو (با شرایطی)، نفی بلد و حبس تا درجه چهار (حبس بیش از ۵ تا ۱۰ سال) فرد تا ۳ سال پس از آزادی از حقوق اجتماعی محروم می شود.

۳- در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو (با شرایطی) و حبس درجه پنج (حبس بیش از ۲ سال تا ۵ سال) فرد تا ۲ سال پس از آزادی از حقوق اجتماعی محروم می شود.

در نتیجه سایر مجازات ها ، محکومیت موثر به شمار نمی آیند و در مورد آنها «**مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می شود لکن در گواهی های صادره از مراجع ذیربط منعکس نمی گردد مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات**» (تبصره ۱ ذیل ماده ۲۵ ق.م.ا)

و اما حقوق اجتماعی که فرد از آنها محروم می شود در ماده ۲۶ به شرح ذیل آورده شده است.

### مصادیق حقوق اجتماعی

- ۱- داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا.
- ۲- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیأت دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور.
- ۳- تصدی ریاست قوه قضاییه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری.
- ۴- انتخاب شدن یا عضویت در انجمن ها، شوراها، احزاب و جمعیت ها به موجب قانون یا با رأی مردم.
- ۵- عضویت در هیأت های منصفه و امناء و شوراهای حل اختلاف.
- ۶- اشتغال به عنوان مدیر مسؤول یا سردبیر رسانه های گروهی.
- ۷- استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه های حکومتی اعم از قوای سه گانه و سازمان ها و شرکت های وابسته به آنها، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداری ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و دستگاه های مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آنها
- ۸- اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری.
- ۹- انتخاب شدن به سمت قیم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام.

۱۰- انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی.

۱۱- استفاده از نشان های دولتی و عناوین افتخاری.

۱۲- تأسیس، اداره یا عضویت در هیأت مدیره شرکت های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجارتي یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی

در خصوص کارمندان دولت در تبصره ذیل این ماده آمده است: «**مستخدمان دستگاه های حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به عنوان مجازات اصلی و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل می شوند.**» (تبصره ۱ ماده ۲۶ ق.م.ا)

نکته مهم دیگر این که اگر فردی به دلیل نوع محکومیتش به مدت ۷، ۳ یا دو سال از حقوق اجتماعی محروم شود، پس از گذشت مواعد ذکر شده، از او اعاده حیثیت شده و می تواند به تمامی حقوق محروم شده دسترسی داشته باشد اما قانون موارد ۱ و ۲ و ۳ از حقوق اجتماعی را قابل برگشت نمی داند. «**هر کس به عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد پس از گذشت مواعد مقرر در ماده (۲۵) این قانون اعاده حیثیت می شود و آثار تبعی محکومیت وی زائل می گردد مگر در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده که از حقوق مزبور به طور دائمی محروم می شود.**» (تبصره ۲ ماده ۲۶ ق.م.ا)

این مورد هم به نظر سخت گیرانه است چرا باید کسی تا ابد از حق اجتماعی نظیر کاندیدای ریاست جمهوری محروم شود؟ اگر فرد به اتهام سیاسی محکوم شده باشد که این مساله بیشتر شبه برانگیز است. حال اگر به موارد بندهای ۱ و ۲ و سه نگاه کنیم بعضی از پست ها که به رای مردم انتخاب می شوند نظیر شورای شهر و روستا، مجلس شورای اسلامی نیز شامل همین مورد می شوند که باز هم بیشتر سختگیرانه بودن و ناقض حقوق شهروندی بودن این تبصره نشان داده می شود. بهتر آن بود که تمامی پست هایی که به رای مردم انتخاب می شوند از شمول این تبصره خارج شوند و نیز افرادی که علت محکومیتشان سیاسی بوده است شامل این تبصره نشوند.

# فصل ۵. رسیدگی در دادگاه

## رسیدگی در دادگاه

دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شود. دادگاه کیفری دو با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل در حوزه قضائی هر شهرستان تشکیل می‌شود. دادگاه کیفری یک دارای رئیس و دو مستشار است که با حضور دو عضو نیز رسمیت می‌یابد. دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضائی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. در جلسات دادگاه کیفری دو، حضور دادستان یا نماینده او الزامی نیست، اما در دادگاه‌های کیفری یک حضور آنها الزامی است.

به طور کلی صلاحیت دادگاه کیفری دو، همه موارد عمومی است به جز مواردی که منحصر در صلاحیت دادگاه‌های دیگر است. به طور مثال موارد زیر صرفاً در دادگاه کیفری یک باید رسیدگی شود:

- ۱- جرائم موجب مجازات سلب حیات.
- ۲- جرائم موجب حبس ابد.
- ۳- جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن.
- ۴- جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر.
- ۵- جرائم سیاسی و مطبوعاتی.

در دادگاه کیفری یک، متهم می تواند حداکثر سه وکیل و در دادگاه های کیفری دو حداکثر دو وکیل داشته باشد. در جرایم موضوع موارد ۱ تا ۴ بالا جلسه دادگاه نمی تواند بدون حضور وکیل تشکیل شود و متهم حتما باید یا خود وکیل بگیرد یا دادگاه وکیل تسخیری برایش تعیین کند. حق الوکاله وکیل تسخیری از محل اعتبارات قوه قضائیه پرداخت می شود. (ماده ۳۴۸ آ.د.ک) هرگاه پس از تعیین وکیل تسخیری، متهم، وکیل تعیینی به دادگاه معرفی کند، وکالت تسخیری منتفی می شود. همچنین متهم می تواند برای یک بار درخواست نماید وکیل تسخیری وی عوض شده و وکیل دیگری را دادگاه به او معرفی نماید. (تبصره های ذیل همان ماده)

محاكمات دادگاه کیفری یک، ضبط صوتی و در صورت تشخیص دادگاه، ضبط تصویری نیز می شود. انتشار آنها ممنوع و استفاده از آنها نیز منوط به اجازه دادگاه است. در سایر دادگاه ها ضبط و تصویر برداری ممنوع است مگر با اجازه رئیس دادگاه.

همچنین همان طور که دیده می شود رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی نیز به دلیل اهمیت و شانیت در نظر گرفته شده برای فعالان سیاسی و مطبوعاتی نمی تواند در دادگاه دو رسیدگی شود بلکه رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری یک است. همان طور که قبلا ذکر شد این جرایم علاوه بر اینکه در دادگاه کیفری یک باید انجام شود باید جلسات آن علنی و با حضور هیات منصفه برگزار شود.

### **رسیدگی به موارد زیر نیز در صلاحیت دادگاه های انقلاب می باشد:**

- ۱- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی الارض، بغی، تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام.
- ۲- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری.
- ۳- تمام جرائم مربوط به مواد مخدر، روانگردان و پیشسازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل
- ۴- سایر مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت این دادگاه است.

دادگاه های انقلاب با حضور رئیس یا دادرس علی البدل یا توسط یک مستشار تشکیل می شود مگر در صورت رسیدگی به موارد ۱ تا ۴ که در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ است اما توجه به نوع جرم در دادگاه انقلاب مطرح شده است، که در این حالت جلسات دادگاه با حضور رئیس و دو مستشار تشکیل شده و با دو عضو نیز رسمیت می یابد.



## نکات مهم در خصوص رسیدگی

۱- متهم در دادگاهی محاکمه می شود که جرم در حوزه آن واقع شود. اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه های قضائی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت میگیرد که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آنها رسیدگی می کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتداء تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد. (ماده ۳۱۰ آ.د.ک)

۲- هر کس متهم به ارتكاب جرائم متعدد باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد، متهم ابتداء در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مهمترین اتهام را دارد، محاکمه می شود و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر به دادگاه مربوط اعزام می شود. در صورتیکه اتهامات از حیث مجازات مساوی باشد، متهم حسب مورد، به ترتیب در دادگاه انقلاب، نظامی، کیفری یک یا کیفری دو محاکمه می شود. (ماده ۳۱۴ آ.د.ک)

۳- حل اختلاف در صلاحیت در امور کیفری، مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی است و حل اختلاف بین دادرها مطابق قواعد حل اختلاف دادگاههایی است که دادرها در معیت آن قرار دارد. (ماده ۳۱۷ آ.د.ک)

۴- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، به طور مستقیم در دادگاه مطرح می شود و نیازی به دادرسی ندارند. (ماده ۳۴۰ آ.د.ک)، در سایر موارد پرونده با کیفرخواست صادره از سوی دادرها به دادگاه ارجاع می شود. دادگاه مکلف است بدون تعیین وقت رسیدگی حداکثر ظرف یکماه، پرونده را بررسی و چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد، حسب مورد، اتخاذ تصمیم کند. همچنین در صورتی که دادگاه تحقیقات را ناقص بداند یا موارد جدیدی پس از پایان تحقیقات کشف شود که مستلزم انجام تحقیق باشد، دادگاه با ذکر دقیق موارد، تکمیل تحقیقات را از دادرهای مربوط درخواست یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات می کند. در مورد اخیر و همچنین در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می شود، انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه باید طبق مقررات مربوط صورت گیرد. (ماده ۳۴۱ آ.د.ک) در غیر موارد بالا (در شرایط معمول)، دادگاه با تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ آن به شاکی یا مدعی خصوصی، متهم، وکیل یا وکلای آنان، دادستان و سایر اشخاصی که باید در دادگاه حاضر شوند، آنان را برای شرکت در جلسه رسیدگی احضار می کند. همچنین تصویر کیفرخواست برای متهم فرستاده می شود. فاصله بین ابلاغ احضاریه تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از یک هفته باشد. هرگاه متهم عذر موجهی داشته باشد، جلسه رسیدگی به وقت مناسبی موکول می شود.

- ۵- هرگاه در حین رسیدگی، جرم دیگری کشف شود که بدون شکایت شاکی قابل تعقیب باشد، دادگاه بدون ایجاد وقفه در جریان رسیدگی، حسب مورد، موضوع را به دادستان یا رئیس حوزه قضائی مربوط اعلام می کند. (ماده ۳۶۳ آ.د.ک)
- ۶- در پرونده ای که دارای متهم اصلی، شریک و معاون است و همه در دادگاه حاضرند، تحقیقات از متهم اصلی شروع می شود. (ماده ۳۶۳ آ.د.ک)
- ۷- دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی، نمیتواند لوایح، اسناد و مدارک جدید را دریافت کند. (ماده ۳۷۳ آ.د.ک)
- ۸- دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی با تکیه بر شرف و وجدان و با توجه به محتویات پرونده و ادله موجود، در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته به انشای رأی مبادرت می کند. رأی دادگاه باید مستدل، موجه و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن صادر شده است. تخلف از صدور رأی در مهلت مقرر موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است. (ماده ۳۷۴ آ.د.ک)
- ۹- دادگاه باید در رأی، حضوری یا غیابی بودن و قابلیت وخواهی، تجدیدنظر و یا فرجام و مهلت و مرجع آن را قید کند. اگر رأی قابل وخواهی، تجدیدنظر یا فرجام باشد و دادگاه آن را غیرقابل وخواهی، تجدیدنظر یا فرجام اعلام کند این امر، مانع وخواهی، تجدیدنظر یا فرجام وخواهی نیست. (ماده ۳۷۵ آ.د.ک)
- ۱۰- رأی دادگاه باید حداکثر ظرف سه روز از تاریخ انشاء، پاکنویس یا تایپ شود. این رأی که «دادنامه» خوانده می شود. پیش از امضای دادنامه، اعلام مفاد و تسلیم رونوشت یا تصویر آن ممنوع است. (ماده ۳۷۹ آ.د.ک)
- ۱۱- در جرائم منافی عفت، چنانچه دادنامه حاوی مطالبی باشد که اطلاع شاکی از آن حرام است و همچنین در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، ابلاغ دادنامه حضوری بوده و ذی نفع می تواند از مفاد کامل رأی اطلاع یافته و از آن استنساخ نماید. (تبصره ۲ ماده ۳۸۰ آ.د.ک).
- ۱۲- مطابق ماده ۸۰ آیین دادرسی کیفری در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضائی می تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با أخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک بار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند. همچنین بر اساس ماده ۸۱ در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان (یا دادگاه اولیه) می تواند پس از أخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با أخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند و در این مدت از او بخواهد دستوراتی را انجام دهد و در صورت انجام درست این دستورات پس از مدت مذکور پرونده وی بایگانی گردد.

# فصل ۶. اعتراض به آراء

## انواع طرق اعتراض به آرا

### واخواهی

واخواهی نوعی اعتراض به رای صادره است که از همان مرجع صدور رای می خواهد تا با رسیدگی مجدد، مبادرت به صدور دوباره رای کند. به طور مثال هرگاه متهم یا وکیل او در هیچیک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد، دادگاه پس از رسیدگی، رأی غیابی صادر می کند. در اینصورت، چنانچه رأی دادگاه مبنی بر محکومیت متهم باشد، ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی، قابل واخواهی در همان دادگاه است. (ماده ۴۰۶ آ.د.ک) در این حالت دادگاه پس از واخواهی، با تعیین وقت رسیدگی طرفین را دعوت می کند و پس از بررسی ادله و دفاعیات واخواه، تصمیم مقتضی اتخاذ مینماید. این بار دیگر عدم حضور طرفین یا هر یک از آنان مانع رسیدگی نیست. (ماده ۴۰۷ آ.د.ک)

## تصحیح رای

گاهی پیش می آید که دادگاه در انشاء رای دچار اشتباه سهوی می شود ، کلمه ای جا افتاده یا به غلط تایپ می شود. یا در مواقعی که بحث تبدیل و محاسبه مجازات است اشتباهی در محاسبات صورت می گیرد ، در این صورت خود دادگاه یا دادستان یا هر یک از طرفین می توانند مطابق ماده ۳۸۱ آیین دادرسی کیفری از دادگاه درخواست تصحیح رای کنند. «  
**هرگاه در تنظیم و نوشتن رأی دادگاه، سهو قلمی مانند کم یا زیاد شدن کلمه ای رخ دهد و یا اشتباهی در محاسبه صورت گیرد، چنانچه رأی قطعی باشد یا به علت عدم تجدیدنظرخواهی و انقضای مواعد قانونی، قطعی شود یا هنوز از آن تجدیدنظرخواهی نشده باشد، دادگاه خود یا به درخواست ذینفع یا دادستان، رأی تصحیحی صادر می کند. رأی تصحیحی نیز ابلاغ می شود. تسلیم رونوشت یا تصویر هر یک از آراء، جداگانه ممنوع است. رأی دادگاه در قسمتی که مورد اشتباه نیست، در صورت قطعیت اجراء می شود.» (ماده ۳۸۱ آ.د.ک)**

## تجدید نظر خواهی

دادگاه تجدیدنظر استان مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه آراء غیرقطعی کیفری ، جز در مواردیکه در صلاحیت دیوان عالی کشور باشد، است. دادگاه تجدیدنظر استان در مرکز هر استان، با حضور رئیس و عضویت دو مستشار تشکیل شده و با دو عضو رسمیت می یابد. آراییی که در همان دادگاه اول قطعی محسوب شده و قابل تجدید نظر خواهی نیست شامل موارد محدودی است که عبارتند از :

۱- جرائم تعزیری درجه هشت .

۲- جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد.

در سایر موارد فرد می تواند نسبت به رای دادگاه از طریق دادگاه های تجدید نظر استان درخواست تجدید نظر کند. مهلت دادخواست تجدیدنظر برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت و اخواهی است. البته طبق ماده ۴۳۲ آیین دادرسی کیفری در صورت عذر موجه برای تاخیر دادگاه می تواند به آن رسیدگی کند. هم خود فرد و هم وکیل قانونی فرد می توانند درخواست تجدید نظر دهند. دادستان نیز هنگام برائت متهم،

عدم انطباق رأی با قانون و یا عدم تناسب مجازات می تواند درخواست تجدید نظر کند. نامه درخواست تجدید نظر باید به دادگاه صادر کننده رای داده شود و لایحه دفاعیه نیز می تواند پیوست شود یا بعدتر پس از مشخص شدن شعبه دادگاه تجدید نظر تنظیم شده و ارائه گردد. در قانون جهاتی به عنوان جهات تجدیدنظرخواهی ذکر شده است که فرد باید مشخص نماید از چه جهت به رای دادگاه اعتراض داشته و از چه جهت درخواست تجدید نظر دارد. در ماده ۴۳۴ آیین دادرسی کیفری این جهات به شرح ذیل عنوان شده اند :

۱- ادعای عدم اعتبار ادله یا مدارک استنادی دادگاه

۲- ادعای مخالف بودن رأی با قانون

۳- ادعای عدم صلاحیت دادگاه صادر کننده رأی یا وجود یکی از جهات رد دادرسی

۴- ادعای عدم توجه دادگاه به ادله ابرازی

نباید تصور کرد با عنوان کردن یک جهت اگر جهات دیگری نیز برای تجدید نظر صدق کنند دیگر امکان رسیدگی پیدا نمی کند. دادگاه تجدید نظر موظف است صرفاً در موردی که نسبت به آن تجدید نظرخواهی خواسته شده و رای صادر شده اقدام به صدور رای کند. یعنی نمی تواند موارد دیگری که دادگاه در خصوص آنها رای نداده یا فرد از آن درخواست تجدید نظر نکرده را وارد جریان رسیدگی خود قرار دهد. (ماده ۴۳۵ آ.د.ک)

هزینه تجدید نظرخواهی با توجه به تعرفه سالانه تعیین می گردد اما اگر کسی که درخواست تجدید نظر دارد به همین واسطه زندانی باشد از پرداخت این هزینه برای بار اول معاف می شود (ماده ۴۳۸ آ.د.ک) همچنین فرد تجدید نظر خواه در صورت پشیمانی می تواند درخواست تجدید نظر را مسترد کند. (ماده ۴۴۱ آ.د.ک). همچنین پیش از پایان مهلت تجدید نظرخواهی در صورتیکه دادستان به حکم اعتراض نکرده باشد، فرد تجدیدنظرخواه می تواند اعتراض خود را پس گرفته و به جای آن درخواست تخفیف مجازات کند که در این صورت دادگاه با تشکیل جلسه در وقت فوق العاده با نظر دادستان تا یک چهارم مجازات را کاهش می دهد. (ماده ۴۴۲ آ.د.ک) چنین حکمی قطعی است و دیگر نمی شود به آن اعتراض کرد.

نکته مهمی که در خصوص تجدید نظرخواهی مطرح است این است که دادگاه تجدید نظر نمی تواند مجازات تعیین شده را تشدید نماید مگر اینکه دادستان نسبت به حکم شکایت کرده باشد. این موضوع در ماده ۴۵۸ آیین دادرسی کیفری آمده است: «**دادگاه تجدیدنظر استان نمیتواند مجازات تعزیری یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در حکم تجدیدنظرخواسته را تشدید کند، مگر در مواردی که مجازات مقرر در حکم نخستین برخلاف جهات قانونی، کمتر از حداقل میزانی باشد که قانون مقرر داشته و این امر مورد تجدیدنظرخواهی شاکی و یا دادستان قرار گرفته باشد. در این موارد، دادگاه تجدیدنظر استان با تصحیح حکم، نسبت به تعیین حداقل مجازاتی که قانون مقرر داشته است، اقدام می کند.**» (ماده ۴۵۸ آ.د.ک)

همچنین در حالی که دادگاه تجدید نظر حکم دادگاه اولیه را درست ارزیابی کند اما معتقد باشد که فرد مستحق تخفیف است می تواند مجازات را تخفیف دهد هر چند که فرد در این خصوص تقاضایی نکرده باشد. (ماده ۴۵۹ آ.د.ک)

دادگاه تجدید نظر پس از تکمیل و اعلام ختم رسیدگی که می تواند حضوری یا غیر حضوری باشد پس از یک هفته رای را صادر می نماید.

## فرجام خواهی

فرجام خواهی توسط دیوان عالی کشور که در تهران مستقر بوده و تعدادی شعب در برخی از شهرهای بزرگ دارد صورت می گیرد. همان طور که پیشتر شرح داده شد همه آرا قابل فرجام خواهی نیستند بلکه از آرای می توان فرجام خواهی کرد که دارای اهمیت بالایی باشند. قانون گذار در ماده ۴۲۸ آیین دادرسی کیفری در این خصوص بیان می کند: «**آراء صادره درباره جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه سه و بالاتر است و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها نصف دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است و آراء صادره درباره جرائم سیاسی و مطبوعاتی، قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است.**» (ماده ۴۲۸ آ.د.ک)

مجازات های تعزیری درجه ۳ شامل حبس بالای ۱۰ تا ۱۵ سال یا جریمه نقدی ۳۶۰ تا ۵۵۰ میلیون ریال است. باید دقت کرد در اینجا قانون از مجازات تعیین شده توسط دادگاه صحبت نمی کند بلکه منظور مجازات قانونی تعیین شده برای یک جرم است.

همچنین همانطور که قبلا گفته شد جرایم سیاسی و مطبوعاتی قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور می باشند. در فصل جرایم سیاسی این گونه جرایم را تعریف کردیم و همان طور که اشاره شد متاسفانه تعریف جرم سیاسی چنان انجام شده است که بسیاری از فعالیت های سیاسی و محکومان سیاسی نمی توانند از مزایای آن استفاده کنند.

همچون تجدید نظر خواهی، فرجام خواهی نیز از جهاتی صورت می گیرد که در ماده ۴۶۴ آیین دادرسی کیفری به آن پرداخته شده است. این جهات عبارتند از:

۱- ادعای عدم رعایت قوانین مربوط به تقصیر متهم و مجازات قانونی او

۲- ادعای عدم رعایت اصول دادرسی با درجه ای از اهمیت که منجر به بی اعتباری رأی دادگاه شود

۳- عدم انطباق مستندات با مدارک موجود در پرونده

جلسات رسیدگی دیوان عالی غیر حضوری است مگر در موارد بخصوصی که دادگاه حضور فرد را لازم بدانند. دیوان پس از بررسی، یا رای صادره را صحیح تشخیص داده و آن را ابرام می کند یا آن را نادرست دانسته و اقدام به نقض آن می کند.

اگر عملی که فرد به اتهام ارتکاب آن محکوم شده، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی صادره نقض بلا ارجاع می شود. اگر رأی به علت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شود، پرونده به مرجعی که دیوان عالی کشور، برای رسیدگی صالح تشخیص می دهد، ارسال می شود و مرجع مذکور مکلف به رسیدگی است. در سایر موارد، پس از نقض رأی، پرونده به دادگاهی دیگر که هم عرض صادر کننده رأی بوده ارجاع می شود.

## اعاده دادرسی

براساس ماده ۴۷۴ آیین دادرسی کیفری در خصوص احکام قطعی دادگاه ها در مواردی می توان درخواست اعاده دادرسی داد. اغلب این موارد شامل حال محکومان سیاسی نمی شود مانند اینکه کسی به قتل فردی محکوم شده است اما او را زنده پیدا کنند. در زیر به موارد اعاده دادرسی اشاره می شود که در این بین بندهای چ، ج، ث، ت از جمله بندهایی هستند که بیشتر می توانند مورد استفاده محکومان سیاسی قرار گیرند. اعاده دادرسی در موارد ذیل پذیرفته می شود:

الف- کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شود و سپس زنده بودن وی محرز گردد.

ب- چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب آن جرم به گونه ای باشد که نتوان بیش از یک مرتکب برای آن قائل شد.

پ- شخصی به علت انتساب جرمی محکوم شود و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضائی به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد، به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم، بیگناهی یکی از آنان احراز گردد.

ت- درباره شخصی به اتهام واحد، احکام متفاوتی صادر شود.

ث- در دادگاه صالح ثابت شود که اسناد جعلی یا شهادت خلاف واقع گواهان، مبنای حکم بوده است.

ج- پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر یا ادله جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بیگناهی فرد یا عدم تقصیر وی باشد.

چ- عمل ارتكابی جرم نباشد و یا مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی باشد.



دیوان عالی کشور پس از احراز انطباق موضوع درخواست با یکی از موارد موضوع ماده (۴۷۴) ، با تجویز اعاده دادرسی، رسیدگی مجدد را به دادگاه هم عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی، ارجاع می دهد و در غیر این صورت قرار رد اعاده دادرسی صادر مینماید.

## خلاف شرع بین

بر اساس ماده ۴۷۷ آیین دادرسی کیفری ، در صورتی که رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره از هریک از مراجع قضائی را خلاف شرع بین تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصیص می یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر شود. این ماده شامل تمام احکام و قرارهای قطعی صادره از همه دادگاه ها از جمله دیوان عالی کشور و آرای آن نیز می شود. همچنین بر اساس تبصره ۳ ذیل این ماده علاوه بر رئیس قوه قضائیه ، در صورتی که رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح و یا رئیس کل دادگستری استان در انجام وظایف قانونی خود، رأی قطعی اعم از حقوقی یا کیفری را خلاف شرع بین تشخیص دهند، می توانند با ذکر مستندات از رئیس قوه قضائیه درخواست تجویز اعاده دادرسی نمایند.

هرگاه رأی دیوان عالی کشور مبنی بر تجویز اعاده دادرسی باشد یا طبق ماده (۴۷۷) اعاده دادرسی پذیرفته شده باشد اجرای حکم تا صدور حکم مجدد به تعویق می افتد. در صورتی که مجازات مندرج در حکم، از نوع مجازات سالب حیات یا سایر مجازات های بدنی باشد، شعبه دیوان عالی کشور با وصول تقاضای اعاده دادرسی قبل از اتخاذ تصمیم درباره تقاضا، باید دستور توقف اجرای حکم را بدهد.

# فصل ۷. اجرای احکام کیفری

## چگونگی اجرای احکام

اجرای احکام کیفری برعهده دادستان است و «معاونت اجرای احکام کیفری» تحت ریاست و نظارت وی در دادرسی عمومی عهده‌دار این وظیفه است. قاضی اجرای احکام کیفری باید حداقل سه سال سابقه خدمت قضائی داشته باشد. از جمله وظایف قاضی اجرای احکام که در ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری به آن اشاره شده است عبارتند از:

الف- صدور دستور اجرای احکام لازم الاجرای کیفری و نظارت بر شیوه اجرای آنها

ب- نظارت بر زندان‌ها در امور راجع به زندانیان

پ- اعلام نظر درباره زندانیان واجد شرایط عفو و آزادی مشروط مطابق قوانین و مقررات

ت - اعطای مرخصی به محکومان براساس قوانین و مقررات

ث - اتخاذ تصمیم درباره محکومان سالمند، مبتلایان به بیماری‌های روانی و بیماریهای جسمی صعب‌العلاج و سایر افراد محکوم نیازمند به مراقبت و توجه ویژه، از قبیل صدور اجازه بستری برای آنها در مراکز درمانی بر اساس ضوابط و مقررات

ج- اجرای سایر وظایفی که به موجب قوانین و مقررات برای اجرای مجازات‌ها وضع شده یا بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری یا ناظر زندان قرار گرفته است.

آرای قطعی که دادگاه نخستین صادر می کند، آرای که در مهلت قانونی نسبت به آن واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام نشده باشد یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام آن رد شده باشد، آرای که مرجع تجدیدنظر آن را تأیید یا پس از نقض رأی نخستین صادر کرده باشد و نیز آرای که به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد، به دستور قاضی اجرای احکام به اجرا در می آیند.

بر اساس ماده ۴۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری « هرگاه قاضی اجرای احکام کیفری، رأی صادره را از لحاظ قانونی لازم الاجراء نداند، مراتب را با اطلاع دادستان به دادگاه صادرکننده رأی قطعی اعلام و مطابق تصمیم دادگاه اقدام می کند. » در اینجا مشخص نیست منظور از اینکه حکمی از لحاظ قانونی لازم الاجرا نباشد چیست؟ بر اساس ماده ۴۹۷ قانون « رفع ابهام و اجمال از رأی با دادگاه صادرکننده رأی قطعی است، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با رعایت موازین شرعی و قانونی، با قاضی اجرای احکام کیفری است که رأی زیر نظر او اجراء می شود. »

## نکات مهم در خصوص اجرای احکام

۱- هرگاه رأی، درخصوص اشخاص متعدد صادرشده باشد و در موعد مقرر بعضی از آنان اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام کرده باشند، پس از گذشت مهلت اعتراض و یا تجدیدنظر یا فرجام درمورد بقیه لازم الاجراء است. (ماده ۴۹۲ آ.د.ک)

۲- اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام درباره یک قسمت از رأی، مانع از اجرای سایر قسمتهای لازم الاجرای آن نیست. (ماده ۴۹۳ آ.د.ک)

۳- اجرای علنی مجازات ممنوع است، مگر در مواردی که دادگاه خود یا به پیشنهاد دادستان اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد و اجرای علنی مجازات را در رأی تصریح کند. (ماده ۴۹۹ آ.د.ک)

۴- در صورتیکه فرد در موعد مشخص شده در ابلاغ، برای اجرای حکم به دادگاه مراجعه نکند، دادگاه به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می دهد تا فرد را برای اجرای رأی تسلیم کند. در نهایت قاضی برای فردی که مراجعه نکند حکم جلب صادر می کند. همچنین قاضی در صورتی که از همان اول بیم فرار فرد را بدهد می تواند دستور جلب او را صادر کند و یا حتی در موعد مقرر تعیین شده جهت تسلیم، اگر فرد به دادگاه مراجعه کرد او را جلب نماید. (ماده ۵۰۰ آ.د.ک)

۵- بر اساس ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری اجرای مجازات در بعضی موارد به تشخیص و دستور قاضی اجرای احکام می تواند به تعویق افتد، از جمله:

الف - دوران بارداری

ب - پس از زایمان حداکثر تا شش ماه

پ - دوران شیردهی حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی

ت - اجرای مجازات شلاق در ایام حیض یا استحاضه

۶- بر اساس ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، هرگاه فرد به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می اندازد. چنانچه در جرائم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری، پس از احراز بیماری و مانع بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل، پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می کند.

۷- هرگاه پس از صدور حکم معلوم شود محکوم علیه دارای محکومیت‌های قطعی دیگری است و اعمال مقررات تعدد یا تکرار جرم، در میزان مجازات قابل اجراء مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری موظف است پرونده ها را به دادگاه دارای صلاحیت بالاتر یا آن دادگاهی که آخرین رای را داده است فرستاده تا بر اساس قانون تعدد جرم، حکم اصلاح شود. (ماده ۵۱۱ و ۵۱۰ آ.د.ک)

۸- شخصی که به موجب حکم قطعی، برائت حاصل کند، می تواند حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی، از دادگاه صادر کننده حکم نخستین درخواست نماید که حکم برائت از محل اعتبارات مربوط به قوه قضائیه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار منتشر شود. (ماده ۵۱۲ آ.د.ک)

۹- روزهایی که فرد بازداشت شده باشد باید محاسبه شده و از میزان حبس تعیین شده کم شود. همچنین اگر مجازات تعیین شده شلاق یا جریمه نقدی باشد به ازای هر روز بازداشت قبلی، سه ضربه شلاق یا ۳۰ هزار تومان جریمه نقدی کسر می شود. این مبلغ و نیز سایر مبالغ تعیین شده در قانون باید هر سه سال یک بار با نرخ بهره بانک مرکزی به روز شوند. (ماده ۲۷ ق.م.ا)

۱۰- در اجرای محکومیت های مالی (جریمه های نقدی) اگر فرد ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ احضاریه قاضی اجرای احکام کیفری برای پرداخت جزای نقدی حاضر شود، قاضی اجرای احکام می تواند او را از پرداخت بیست درصد (۲۰٪) جزای نقدی معاف کند. (تبصره ۳ ذیل ماده ۵۲۹ آ.د.ک) در غیر این صورت فرد باید جریمه را به طور کامل پرداخت کند و در صورتیکه قادر به پرداخت نباشد از دادگاه تقاضای تقسیط نموده یا ادعای اعسار نماید. در غیر این حالات قاضی مبادرت به مصادره اموال یا بازداشت وثیقه فرد می کند و در صورت کافی نبودن آنها فرد باید به ازای هر ۳۰ هزار تومان جریمه یک روز به زندان رود. در صورتیکه میزان جریمه فرد از ۱۵ میلیون ریال کمتر باشد جریمه وی به ازای هر ۳ هزار تومان به یک ساعت انجام خدمات عمومی رایگان تبدیل می شود.

در حالیکه فرد سابقا و قبل از صدور حکم قطعی به همین اتهام بازداشت بوده باشد به ازای هر روز بازداشت ۳۰ هزار تومان از جریمه نقدی او کسر می شود.

# فصل ۸. زندان و قوانین مربوط به تحمل حبس

## انواع زندان

بر اساس ماده ۹ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور به سازمان زندان ها مصوب ۶۴/۱۱/۱۶، آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور در ۲۰ آذر ۱۳۸۴ به تصویب رسید. در این آیین نامه زندان ها به دو دسته تقسیم شده اند: ۱- زندان بسته ۲- مراکز حرفه آموزی و اشتغال

زندان بسته طبق تعریف زندانی است « محصور که با برجهای دیده بانی در پوشش داخلی و خارجی دارای حفاظت کامل باشد.» در مقابل مراکز حرفه آموزی و اشتغال « مکانی است که می تواند محصور و در پوشش خارجی دارای حفاظت مناسب بوده و یا نامحصور و بدون حفاظت و مامور انتظامی و یا در حالتی بنیابین باشد که در آن محکومان به طور گروهی به کار اعزام می گردند و پس از خاتمه کار دوباره به آسایشگاه های خود بازگشت داده می شوند.» (ماده ۷ آ.س.ز) این مراکز خود به دو دسته تقسیم می شوند: ۱- موسسه های حرفه آموزی ۲- موسسه های کاردرمانی (اردوگاه)

موسسه های کاردرمانی یا اردوگاه صرفاً جهت نگهداری و بازپروری معتادان مواد مخدر استفاده می شود. موسسه های حرفه آموزی شامل موسسه های داخل زندان یا بیرون زندان می شوند که در مالکیت سازمان زندان هاست یا به سایر بخش های خصوصی یا دولتی تعلق دارند و در زمینه های صنعتی، کشاورزی و خدماتی کار می کنند. مزد روزانه محکومان به تناسب درجه مهارت و کاردانی هر یک از آنان و میزان و نوع کاری که انجام می دهند به صورت کارمزدی بوسیله مدیرکل زندان های استان تعیین می شود.

(ماده ۱۲۹ آ.س.ز). ۵۰ درصد مزد ماهیانه محکومان به سرپرست موقت عائله تحت تکفل فرد پرداخت شده ، ۲۵ درصد آن به حساب زندانی ریخته شده و پس از آزادی در اختیار او قرار می گیرد ، ۲۰ درصد آن برای مخارج ضروری زندانی مصرف شده و ۵ درصد باقی مانده هزینه حوادث و خسارات احتمالی محیط کار در نظر گرفته می شود.

تشخیص اینکه فرد در کدام یک از انواع زندان ها نگهداری شود بر عهده «شورای طبقه بندی» زندان می باشد. بر اساس ماده ۸ این آیین نامه « نوع و میزان محکومیت، پیشینه کیفری، شخصیت، اخلاق و رفتار» افراد در این طبقه بندی موثر می باشد.

در ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی این شیوه به نام نظام نیمه آزادی معرفی شده است. بر اساس آن محکوم می تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت های حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می شود. به این طریق فرد صبح ها از زندان خارج شده و به محل کار خود مراجعه می کند و شب برای خوابیدن دوباره خود را به زندان معرفی می کند. در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی طریقه و حدود این شیوه توضیح داده شده است : « در حبس های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادر کننده حکم قطعی می تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه ای، آموزشی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است.» (ماده ۵۷ ق.م.ا)

در آیین دادرسی کیفری نیز زندان ها را به « زندان بسته، نیمه باز، مراکز حرفه آموزی و اشتغال و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی از جمله کانون اصلاح و تربیت برای اطفال ونوجوانان» تقسیم شده است. (تبصره ذیل ماده ۵۱۳ آ.د.ک)

روند درخواست استفاده از نظام نیمه آزادی در ماده ۵۵۳ آیین دادرسی توضیح داده شده است. در این موارد قاضی اجرای احکام کیفری می تواند پس از وصول گزارش شورای طبقه بندی زندان و نظریه مددکاران اجتماعی معاونت اجرای احکام کیفری، مبنی بر آنکه اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی، از سوی محکوم علیه در خارج از محیط زندان، در فرآیند اصلاح وی و یا جبران ضرر و زیان بزه دیده مؤثر است، به دادگاه صادر کننده حکم، پیشنهاد اجرای نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی را طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی دهد و مطابق تصمیم این دادگاه اقدام کند.



علاوه بر این دو نوع زندان و به تبع آن دو نوع زندانی، زندان‌ها معمولاً میزبان افراد دیگری نیز هستند که به واسطه تعیین قرار بازداشت، محبوس شده‌اند. بر اساس ماده ۴ و تبصره ذیل آن نگهداری افراد بازداشت شده باید در بازداشتگاه صورت گیرد و اگر هنوز بازداشتگاه وجود ندارد محلی در همان زندان جهت نگهداری این افراد تهیه شود. به هر ترتیب «نگهداری متهمان با محکومان در یک مکان ممنوع است.» همچنین بر اساس ماده ۲۷ این آیین‌نامه مدیران و رؤیسان زندان‌ها موظفند فهرست متهمان تحت قرار در زندان تحت مدیریت خویش را که حداکثر یک ماه از تاریخ صدور قرار آنان سپری شده، هر ماه تهیه کرده و به منظور تعیین تکلیف نهایی در اختیار مراجع قضایی مربوط قرار دهند.

## دفتر حمایت از حقوق شهروندی زندانیان

بر اساس ماده ۴۴ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، برای جلوگیری از نقض حقوق شهروندی در زندان‌ها و نیز رعایت حقوق انسانی و اسلامی زندانیان و تسهیل روند زندان‌زدایی و بازسازی محکومان، دفتری به نام «دفتر حمایت از حقوق شهروندی زندانیان» تشکیل می‌شود که اهم وظایف آن عبارتند از:

۱- مطالعه، بررسی و پیگیری موارد نقض حقوق شهروندی در زندانها، بازداشتگاه‌ها و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و اعلام آن به رییس سازمان.

۲- مطالعه پرونده‌های قضایی افراد تحت قرار و تذکر گذشته مواعدهای قانونی به قاضیان ناظر و مقام‌های قضایی مربوط.

۳- تهیه کتابچه‌ای در مورد حقوق و تکالیف قانونی محکومان و متهمان و تقدیم ماهانه این حقوق و تکالیف به افراد تازه وارد.

۴- همکاری مستمر و نظام‌مند با هیات نظارت بر اجرای قانون احترام به آزادی‌های مشروط و حفظ حقوق شهروندی، ستاد حقوق بشر قوه قضاییه و سایر نهادهای حقوق بشری پس از هماهنگی بازرسی سازمان.

۵- نظارت بر حسن اجرای این آیین نامه و سایر اموری که به این دفتر به موجب قانون ارجاع می شود.

همان طور که در بالا دیده می شود این دفتر وظیفه سنگین و مهمی در سازمان زندان ها دارد و در واقع یک نهاد نظارتی پشتیبان زندانیان به حساب می آید. اما متأسفانه مسئول این دفتر، توسط رییس سازمان زندان ها و از میان حقوق دان های با تجربه انتخاب می شود. بهتر بود مسئول این دفتر از طریقی دیگر مثل کانون و کلا تعیین می شد تا بتواند به صورت مستقل تر به وظایف خود رسیدگی کند.

## وسایل مجاز مورد استفاده در زندان

۱- بر اساس ماده ۶۰ آیین نامه اجرایی زندان ها، زندانیان صرفاً می توانند وسایل زیر را با خود در زندان به همراه داشته باشند و در صورت استفاده از وسایل غیر مجاز به شورای انتظامی معرفی خواهند شد: کتاب و نشریات مجاز، خمیردندان و مسواک غیرفلزی، جای صابون غیرفلزی، صابون و شامپو، ابرحمام، شانه غیرفلزی، دو عدد حوله کوچک، دو جفت جوراب، لباس زیر بنابه ضرورت بهداشتی، نوشت افزار ( کاغذ، پاکت، مداد، خودکار)، عینک طبی و لوازم بهداشتی دیگر با اجازه بهداری زندان، ناخنگیر فاقد چاقو، ماشین اصلاح دستی و رادیو یک موج باطری دار. همچنین قانون پیش بینی کرده است که وسایل دیگر در صورتی مجاز است که با اجازه و پیشنهاد رئیس زندان و تایید مدیرکل زندان ها باشد.

۲- در ماده ۷۱ این آیین نامه به وسایلی که باید زندان در اختیار هر فرد بگذارد اشاره شده است: تختخواب، تشک، بالش، دو تخته پتو، ملحفه برای پتو، تشک و بالش ( تغییر محل این لوازم در آسایشگاه به دلخواه محکوم ممنوع است).

۳- لوازم غذاخوری برای هر محکوم عبارت است از: بشقاب، کاسه، لیوان و قاشق که در صورت امکان از جنس ملامین انتخاب می شود. (ماده ۹۶ آ.س.ز)

۴- همچنین در هر موسسه یا زندان باید وسایل استحمام محکومان فراهم بوده، محکوم به محض ورود به زندان استحمام نماید. (ماده ۱۰۷ آ.س.ز)

۵- محکوم با موافقت رییس زندان به عنوان فعالیتهای فردی و ممتاز افزون بر اجرای برنامه های تحصیلی میتواند مطالعات دانشگاهی، فنی، حرفه ای و تحقیقاتی خود را شخصاً در موسسه یا زندان انجام دهد و وسائل و لوازم مورد نیاز خود را با

- رعایت مقررات داخلی مراکز حرفه آموزی و اشتغال یا زندانها به هزینه شخصی خود و در صورت امکان به هزینه دولت به وسیله مسئولان برنامه های آموزشی زندان تدارک نماید. (ماده ۱۴۳ آ.س.ز)
- ۶- محکومان و متهمان می توانند با موافقت رییس زندان در ساعت های بیکاری و فراغت در آسایشگاه به کارهای دستی اشتغال داشته باشند. مواد اولیه این نوع کارها بطور انحصاری از طریق فروشگاه مرکز یا زندان در اختیار آنان گذاشته می شود. (ماده ۱۲۷ آ.س.ز) محکوم مجاز است کاردستی خود را پس از قیمتگذاری توسط زندان و با استفاده از نظر خبره به هر نحو که خود می داند به موسسه یا زندان یا به اشخاص دیگر واگذار یا به فروش برساند. (تبصره ذیل همان ماده)
- ۷- استفاده از مجله ها و روزنامه های مجاز در داخل موسسه یا زندان مانعی ندارد. (ماده ۱۴۶ آ.س.ز)
- ۸- هر محکومی که دارای یکی از ادیان رسمی کشور باشد می تواند در آسایشگاه عمومی یا انفرادی خود یک جلد کتاب آسمانی، کتاب دعا، سجاده و مهر نماز برای اجرای امور واجب مذهب خود نگهداری نماید. (ماده ۱۴۹ آ.س.ز)
- ۹- متهم یا محکوم می تواند کتابهای مذهبی، علمی، تحصیلی و هر کتاب یا نشریه مجاز را با نظر مسئول بازپروری دریافت و مطالعه نماید. (ماده ۲۱۰ آ.س.ز)
- ۱۰- هر محکوم میتواند ۱۰ روز پیش از آزادی از خارج از زندان لباس دریافت نماید و این لباس به انبار تحویل می گردد تا محکوم هنگام خروج از آن استفاده نماید. (تبصره ذیل ماده ۲۱۱ آ.س.ز)

## شورای طبقه بندی زندانیان

شورای طبقه بندی زندانیان مشتمل بر افراد زیر است که وظیفه طبقه بندی زندانیان و تعیین صلاحیت آنها جهت استفاده از تسهیلات را بر عهده دارند. قاضی ناظر زندان به عنوان رییس شورا؛ رییس زندان به عنوان دبیر شورا، مسئولین واحدهای قضایی، بازپروری، انتظامی، رییس اندرزگاه مربوط، یک نفر روانشناس و یک نفر مددکار که در قسمت تشخیص فعالیت می نمایند با انتخاب رییس مرکز یا زندان در این شورا عضویت می یابند. همچنین در صورتی که شورا بخواهد می تواند نظر واحد حفاظت و اطلاعات زندان را هم در خصوص متهمان جویا شود. وظایف این شورا به شرح ذیل است:

- ۱- تعیین و تقسیم محل استقرار محکومان و متهمان.
  - ۲- اشتغال یا عدم اشتغال به کار محکومان در مراکز اشتغال داخل و یا خارج موسسه یا زندان.
  - ۳- اظهار نظر در زمینه احراز شرایط آزادی مشروط و عفو زندانیان با رعایت مقررات مربوطه.
- شورای طبقه بندی دست کم هفته ای یک بار تشکیل و با حضور اکثریت اعضاء رسمیت می یابد، تصمیمات شورا با اکثریت آراء، قابل اجرا است. در صورت لزوم به دعوت رییس موسسه یا زندان جلسه فوق العاده نیز تشکیل خواهد شد.

## بعضی از مقررات انضباطی زندان

- ۱- محکومان به هیچ وجه حق روشن کردن آتش و استفاده از چراغ های خوراکی و نگهداری نفت و بنزین و وسایل برقی و سایر مواد محترقه را در داخل موسسه، زندان یا بازداشتگاه ندارند. (ماده ۷۳ آ.س.ز.)
- ۲- فریاد زدن، آواز خواندن با صدای بلند، جر و بحث و گفتگوهای تند که مخل امنیت موسسه یا زندان گردد، مشاجره و ارتکاب هر عمل فردی یا دسته جمعی که نظم و آرامش داخل موسسه یا زندان را مختل سازد، صحبت و اشاره کردن به هر نحوی از انحاء از پنجره های زندان با خارج بطور مطلق ممنوع است. (ماده ۷۸ آ.س.ز.)
- ۳- تمرد یا مقاومت در برابر مأموران بازرسی و سرپچی از اجرای دستور آنها موجب تنبیه های انضباطی متمرّد خواهد شد. (ماده ۸۱ آ.س.ز.)
- ۴- میخ زدن یا نوشتن روی دیوارهای موسسه یا زندان یا بازداشتگاه، ترسیم و نقاشی و الصاق عکس و هرگونه نوشته ای در آسایشگاه ممنوع است مگر در موارد خاص با اجازه رییس موسسه یا زندان. (ماده ۸۳ آ.س.ز.)
- ۵- دست زدن متهمان یا محکومان به سیم کشی و تغییر محل لوازم الکتریکی یا تعویض آن بوسیله آنان در موسسه یا زندان و بازداشتگاه به کلی ممنوع است. (ماده ۸۴ آ.س.ز.)
- ۶- استعمال دخانیات در اماکن مسقف بطور مطلق ممنوع است، مسئولان مربوط در موسسه یا زندان مکلفند تمهیدهای لازم جهت ترک سیگار را فراهم نمایند. (ماده ۸۶ آ.س.ز.)
- ۷- متهمان و محکومان مجاز به نگهداری و همراه داشتن پول در زندان نمی باشند و جهت رفع نیازمندی ها و احتیاجات شان، مسئولان زندان مکلفند با استفاده از روشهای قابل اجرا تمهیدهایی را فراهم نموده تا محکومان بتوانند از محل موجودی خود نسبت به خرید از فروشگاه ها و تهیه سایر کالاهای مورد نیاز خود اقدام نمایند. (ماده ۸۷ آ.س.ز.)
- ۸- پوشیدن لباس ویژه ی محکوم، برای محکومان الزامی نیست مگر به تشخیص سازمان زندانها. (ماده ۹۰ آ.س.ز.)
- ۹- استفاده از بند شلوار و کمربند و نظایر آن بجز شرکت در برنامه های ورزشی که از سوی سازمان مجاز تشخیص داده می شود ممنوع می باشد. (تبصره ماده ۹۱ آ.س.ز.)
- ۱۰- نظافت آشپزخانه، سالن غذاخوری، شستشو و خشک کردن ظروف و لوازم آنها بدون تبعیض و استثناء طبق برنامه موسسه یا زندان به عهده کلیه محکومان می باشد. (ماده ۹۲ آ.س.ز.)

- ۱۱- نظافت داخل آسایشگاه، راهروها، حیاط هواخوری، سرویس ها، سالن اجتماعات، نمازخانه، کتابخانه، کارگاه ها و مؤسسه های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و امثال آن تحت برنامه ریزی و نظارت به عهده محکومان است. اجیر کردن محکوم توسط محکومی دیگر به هر نحو ممنوع است. (ماده ۱۰۱ آ.س.ز.)
- ۱۲- تراشیدن موی سر محکوم الزامی نیست، ولی به لحاظ رعایت مسایل بهداشتی کوتاه کردن موی سر آنان در حد متعارف الزامی است. (ماده ۱۰۹ آ.س.ز.)
- ۱۳- تمارض محکومان به تشخیص پزشک زندان موجب تنبیه انضباطی خواهد بود. (ماده ۱۱۹ آ.س.ز.)
- ۱۴- استفاده از محکومان در امور نگهداری و انتظامی و اداری مؤسسه یا زندان و دیگر دستگاه ها ممنوع است. (ماده ۱۳۴ آ.س.ز.)
- ۱۵- محکومان می توانند در ساعات فراغت خود با رعایت نظم و ترتیب طبق برنامه تنظیمی از برنامه های رادیو، تلویزیون استفاده نمایند. (ماده ۱۵۶ آ.س.ز.)
- ۱۶- محکومان می توانند از اخبار کشور بوسیله وسایل ارتباط جمعی مجاز در داخل مؤسسه یا زندان مانند رادیو، تلویزیون و دستکم یک روزنامه کثیرالانتشار اطلاع حاصل نمایند. (ماده ۱۵۹ آ.س.ز.)
- ۱۷- ورود ماموران با سلاح گرم یا سرد به پوسته داخلی مؤسسه ها، زندان ها، بندها و اندرزگاه ها به استثناء موارد بحرانی بر اساس دستور ممنوع است و تخلف از آن حسب مورد موجب تعقیب قانونی خواهد بود. (تبصره ۳ ماده ۱۶۲ آ.س.ز.)
- ۱۸- اعتراض، شکایات و تقاضای ملاقات به صورت دسته جمعی و اعتصاب محکومان و متهمان به طور کلی ممنوع است اما هر محکوم میتواند بطور شفاهی یا کتبی تقاضای ملاقات با قاضی ناظر زندان یا رییس مؤسسه یا زندان را بنماید و اگر شکایت یا اعتراضی دارد آنرا در صندوق های مربوط بیاندازد، به همین منظور صندوق هایی در محل های مناسب نصب گشته، دستکم هفته ای یکبار توسط قاضی ناظر تخلیه و مورد بررسی قرار خواهد گرفت. (ماده ۱۶۷ آ.س.ز.)
- ۱۹- تندخویی، دشنام، ادای الفاظ رکیک یا تنبیه بدنی متهمان و محکومان و اعمال تنبیه های خشن، مشقت بار و موهن در مؤسسه ها و زندانها به کلی ممنوع است. (ماده ۱۶۹ آ.س.ز.)
- ۲۰- مقید نمودن محکوم و متهم به دستبند به منظور کنترل و جلوگیری از خودزنی، ایداء و آزار دیگران، خسارت به اموال و ممانعت از فرار وی به هنگام اعزام و بدرقه برابر نظریه رییس مؤسسه یا زندان و در غیاب وی بالاترین مقام مسئول در مؤسسه ی زندان مجاز می باشد. (ماده ۱۷۰ آ.س.ز.)
- ۲۱- زد و خورد در زندان، خودزنی، اقدام به خودکشی یا تهدید به انجام آن و هر نوع عملی که بنابر مقررات خلاف محسوب می شود، ممنوع بوده، متخلف بر اساس نظر شورای انضباطی تنبیه و حسب مورد به مراجع قضایی معرفی خواهد شد. (تبصره ذیل ماده ۱۷۳ آ.س.ز.)
- ۲۲- هرگاه نگهبان بدون اجازه رسمی و کتبی مقامات مربوط از بازداشت هر زندانی، اطلاعی به خارج از زندان داده یا اطلاعات و پیام ها و

نوشته ها یا اجناس و اشیایی از طرف زندانیان به خارج برساند یا از خارج برای آنان بیاورد به نسبت اهمیت تخلف تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. نگهبان در مواقعی که خلافی از یک نفر زندانی مشاهده نماید بدون اینکه حق داشته باشد او را مجازات یا حتی ملامت کند بایستی مراتب را با ذکر جزئیات امر کتباً به افسر نگهبان گزارش دهد چنانچه در مقام رسیدگی خلاف گزارش وی ثابت شود مؤاخذه خواهد شد. (ماده ۳۳ آ.س.ز)

۲۳- محکومان و متهمان زن می توانند اطفال خود را تا سن دو سال تمام به همراه داشته باشند. ریسان و مراکز حرفه آموزی و اشتغال می توانند در هر موسسه یا زندان نسبت به تفکیک و جداسازی اطفال ۲ تا ۶ سال در محل مجزا (مهد کودک) اقدام و یا نسبت به انتقال اطفال موصوف به

بهبودی یا مؤسسه های نگهداری اطفال مبادرت نمایند. (تبصره ۱ ماده ۶۹ آ.س.ز)

## مسائل مربوط به بهداشت و درمان زندانیان

۱- بهداشتی موسسه یا زندان مکلف است دستکم ماهی یکبار نسبت به تست پزشکی کلیه محکومان اقدام نماید. (ماده ۱۰۲ آ.س.ز)

۲- در موارد ضروری خروج محکوم از زندان برای معالجه بایستی با تایید بهداشتی زندان و اجازه رییس موسسه یا زندان و موافقت قاضی ناظر باشد. در موارد فوری محکوم بیمار به دستور پزشک یا بهداشتی زندان و اجازه رییس موسسه یا زندان یا جانشین او به بیمارستان اعزام می گردد و مراتب باید در اسرع وقت به صورت کتبی به قاضی ناظر گزارش شود. (ماده ۱۰۳ آ.س.ز)

۳- هزینه درمان عوارض و بیماری هایی که ضرورت یا فوریت درمان ندارد و یا در اثر تقصیر ناشی شده است به عهده محکوم و یا مقصر است. (ماده ۱۰۴ آ.س.ز)

۴- بهداشتی موسسه یا زندان موظف است از زندانی تازه وارد معاینه های کامل پزشکی به عمل آورده، در صورت لزوم با انجام آزمایش های تشخیص طبی برنامه ریزی و حسب مورد نسبت به درمان یا معرفی وی به مراکز مربوطه اقدام و کلیه اقدامهای پزشکی در پرونده زندانی درج گردد. (ماده ۱۱۱ آ.س.ز)

- ۵- هرگاه محکومی تازه وارد نسخه یا دارویی همراه داشته باشد اخذ و در اختیار بهداری زندان قرار می گیرد تا به تجویز پزشک به او داده شود و هرگاه دارو جنبه حیاتی برای وی دارد بایستی فوراً پس از معاینه و تجویز پزشک در اختیار وی قرار گیرد. (ماده ۱۱۲ آ.س.ز)
- ۶- محکوم به محض احساس کسالت جریان را به مسئول امور نگهداری زندان اطلاع داده و با اخذ معرفینامه به بهداری موسسه یا زندان اعزام و دارو و دستورهای لازم پزشکی را دریافت می دارد. (ماده ۱۱۳ آ.س.ز)
- ۷- محکوم باید در حضور پزشک یا پزشکیار و یا سایر مسئولان داروی مورد احتیاج را مصرف نماید. نگهداری دارو در آسایشگاه جز به هنگام ضرورت ممنوع است. (ماده ۱۱۴ آ.س.ز)
- ۸- محکومان مبتلا به بیماریهای روانی، واگیردار و پرخطر باید با لحاظ نظر پزشک متخصص و نیز سیاست های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به صورت مجزا نگهداری و معالجه شوند. افزون بر بیماریهای روانی، در صورتی که بیماری شخص جزء بیماریهای خاص باشد، رییس زندان مکلف است پیشنهاد عفو او را با رعایت سایر قوانین با قاضی ناظر، یا کمیسیون عفو و بخشودگی مطرح نماید. (ماده ۱۱۶ آ.س.ز)
- ۹- معاینه و در صورت نیاز معالجه محکومان بیمار به عهده اداره زندان یا مراکز حرفه ای اشتغال است. (ماده ۱۱۸ آ.س.ز)

## مسائل مربوط به مرخصی زندانیان

- ۱- تقاضاهای مرخصی واصله به شورای طبقه بندی زندانیان باید حداکثر ظرف مدت سه روز رسیدگی شوند. (ماده ۱۲۵ آ.س.ز)
- ۲- اعطای مرخصی به زندانیان به عنوان یک حق تلقی نمی گردد و برخورداری از آن موکول به رعایت مقررات زندان و کسب امتیازات لازم میباشد. (تبصره ذیل ماده ۲۱۳ آ.س.ز)
- ۳- **شرایط اعطای مرخصی به زندانیان به شرح ذیل است :**
- الف) محکومین به حبس تا ۱۵ سال باید حداقل یک ششم از مدت حبس و محکومین بیش از ۱۵ سال و حبس ابد حداقل سه سال از مدت محکومیت خود را سپری کرده باشند. محکومینی که دارای سابقه محکومیت در جرائم عمدی باشند، به ازای هر سابقه محکومیت یک ماه به نصاب مذکور اضافه می شود.

ب) محکومینی که به لحاظ عدم پرداخت جزای نقدی یا عدم تأدیه محکومیت مالی و یا هر دو در زندان بسر می‌برند، در صورتی که حداقل

یک ماه بابت محکومیت مذکور تحمل حبس نموده باشند، می‌توانند از مرخصی استفاده کنند.

ج) کسب حداقل ۲۰۰ امتیاز برای هر نوبت مرخصی با توجه به معیارهایی که در آیین نامه آمده است الزامی است. این نمارت شامل رعایت مقررات و امور انضباطی در زندان در هر ماه ۱۰ امتیاز، همکاری در انجام فعالیت‌های فرهنگی در هر ماه ۱۰ امتیاز، اهتمام به شرکت در نماز جماعت و سایر مراسم مذهبی در هر ماه ۳۰ امتیاز، شرکت در برنامه‌های مربوط به تلاوت، آموزش روخوانی، ترجمه، درک مفاهیم، حفظ قرآن یا نهج البلاغه، اخلاق و عقاید، هر برنامه در هر ماه ۲۰ امتیاز، شرکت در دوره احکام سطح ۱ و ۲ هر کدام در هر ماه ۱۰ امتیاز، حفظ قرآن به ازاء هر جزء ۲۰۰ امتیاز، ترک کامل اعتیاد به تائید بهداری زندان ۲۰۰ امتیاز و ... می‌شود.

محکومین مرد دارای بیش از ۶۰ سال و زنان بیش از ۵۵ سال و همچنین زنان سرپرست خانوار (براساس گواهی مستند) و مادران دارای فرزند کمتر از ده سال و یا افراد دارای سابقه ایثارگری، با کسب حداقل ۱۵۰ امتیاز با رعایت سایر شرایط از مرخصی بهره‌مند می‌گردند. (تبصره ۲ ماده ۲۱۳ آ.س.ز.)

۴- در تبصره ۴ ماده ۲۱۳ آمده است «کلیه محکومین به استثنای مشمولین ماده ۲۲۱ در صورت ازدواج یا فوت یکی از بستگان درجه یک آنان (پدر، مادر، فرزند، همسر، برادر، خواهر) بدون لحاظ شرایط مذکور در این ماده از یک نوبت مرخصی بهره‌مند می‌گردند.»

#### ۵- مدت زمان مرخصی به شرح ذیل تعیین می‌شود:

الف) به محکومین حبس جرائم غیر عمدی و محکومینی که صرفاً به دلیل عدم پرداخت جزای نقدی، دیه و یا محکومیت های مالی غیر کیفری در زندان نگهداری می‌شوند در صورت کسب امتیازات لازم به ازای هر دو ماه، سه تا پنج روز مرخصی تشویقی اعطاء می‌گردد.

ب) به محکومین سایر جرائم که امتیازات لازم را کسب نمایند در صورت فقدان سابقه محکومیت در جرائم عمدی به ازای هر سه ماه و در صورت وجود سابقه محکومیت در جرائم عمدی به ازای هر چهار ماه، سه تا پنج روز مرخصی تشویقی اعطاء می‌گردد.

ج) زنان سرپرست خانوار و مادران دارای فرزند کمتر از ده سال در صورت کسب امتیازات لازم و فقدان سابقه عمدی محکومیت به ازای هر دو ماه، سه تا پنج روز مرخصی تشویقی اعطاء می‌گردد.

د) کسب امتیاز بیشتر از سقف تعیین شده، موجب تمدید مرخصی تشویقی برای زندانیان محکوم در پایان هر دوره مرخصی خواهد بود. تعیین مدت تمدید مرخصی به عهده شورای طبقه بندی بوده و در هر صورت نباید این مدت بیشتر از سقف مرخصی در هر دوره باشد.



ه) چنانچه فاصله محل سکونت زندانی تا محل تحمل کیفر وی بیش از صد کیلومتر باشد، به تشخیص شورای طبقه بندی و به تناسب فاصله راه بین یک تا چهار روز برای ایاب و ذهاب به مدت مرخصی افزوده خواهد شد.

۶- در مواقع اضطراری و بروز حوادث غیرمترقبه متهمین و محکومینی (که واجد شرایط اعطای مرخصی نمی باشند) می توانند بنا به تشخیص شورای طبقه بندی و موافقت قاضی مجری حکم یا رئیس حوزه قضایی و یا مقام بازداشت کننده حداکثر به مدت ۱۲ ساعت در روز به صورت تحت الحفظ به مرخصی اعزام گردند. (ماده ۲۲۰ آ.س.ز)

۷- **مستثنیات اعطای مرخصی** : بر اساس ماده ۲۲۱ آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها به کسانی که جرایمی با عناوین ذیل انجام داده اند مرخصی تعلق نمی گیرد.

الف) محکومین جرائم سرقت مسلحانه و یا مقرون به آزار، ربودن مال دیگری از طریق کیف زنی، جاسوسی، **اقدام علیه امنیت کشور**، آدمربائی، جرائم بانندی و سازمان یافته، تجاوز به عنف، دائر کردن مراکز فساد و فحشاء، اسیدپاشی، اخلال در نظام اقتصادی، ورود، تولید، توزیع و فروش مشروبات الکلی، قاچاق مسلحانه و یا عمده مواد مخدر و روانگردان ها.

ب) محکومین دارای سه سابقه محکومیت به ارتکاب همان جرم.

ج) محکومینی که به شرارت مشهورند.

د) محکومین به قصاص و اعدام.

همچنین اعطای مرخصی به محکومین جرائم سرقت در ایام نوروز ممنوع میباشد.

در ماده ۲۲۲ محکومین مذکور در ماده فوق به جز محکومین به قصاص و اعدام در صورت کسب امتیازات مندرج در ماده ۲۱۴ و پس از تحمل یک دوم از مدت محکومیت خود با تائید دادستان مربوط میتوانند از مرخصی استفاده نمایند. در صورتیکه محکومیت آنها حبس ابد باشد بعد از ۱۰ سال می توانند از مرخصی استفاده نمایند.

۸- **تبصره خاص به موارد بالا** : «زندانیان محکومی که به هر دلیل واجد شرایط لازم برای برخورداری از مرخصی نباشند در مواقع اضطراری و یا خاص به پیشنهاد شورای طبقه بندی و موافقت دادستان محل می توانند از یک نوبت مرخصی بهره مند شوند.» (ماده ۲۲۴ آ.س.ز)

۹- مدت مرخصی زندانیان جزء مدت محکومیت آنان محسوب گردیده، لیکن در صورت غیبت، ایام غیبت جزء مدت محکومیت احتساب نمی گردد و چنانچه زندانی پس از اعطای مرخصی غیبت نماید علاوه بر مجازات قانونی برای بار اول به مدت ۶ ماه و برای بار دوم یک سال و برای نوبت سوم تا پایان مدت محکومیت از مرخصی محروم خواهد شد و در صورتی که زندانی پس از پایان مرخصی به زندان مراجعت ننماید و توسط مأمورین دستگیر و تحویل زندان شود تا پایان مدت محکومیت از مرخصی محروم خواهد شد. البته اگر غیبت زندانی به تائید دادستان محل، رئیس حوزه قضایی بخش که عهده دار وظایف دادستان می باشد و یا شورای طبقه بندی، موجه تشخیص داده شود، از تنبیهات این ماده معاف می شوند. (تبصره ذیل ماده ۲۲۵ آ.س.ز)

## مسائل مربوط به ملاقات و ارسال مرسولات زندانیان

در ماده ۱۸۰ آیین نامه اجرایی، امکان ملاقات و نیز مکاتبه با بستگان و آشنایان به عنوان یک حق به رسمیت شناخته شده است. زوج یا زوجه، پدر، مادر، برادر، خواهر و فرزندان محکوم یا متهم و همچنین پدر و مادر همسر وی حق دارند بر اساس شرایط ملاقات های هفتگی با محکوم ملاقات کنند و سایر بستگان و دوستان محکوم در صورت درخواست با کسب اجازه از طرف رییس موسسه یا زندان یا قاضی ناظر می توانند ملاقات داشته باشند. (ماده ۱۸۲ آ.س.ز). این ملاقات برای محکومانی که حسن اخلاق داشته باشند می تواند حضوری و در حضور مأمور و در موارد ضروری بدون حضور مأمور انجام شود. در غیر این صورت از پشت شیشه ملاقات صورت خواهد گرفت. برنامه ملاقات عمومی در زندان از نظر روز و ساعت متناسب با فصل های سال و نیاز شرایط هر محل بوسیله رییس زندان تهیه و با تصویب مدیرکل زندان ها اطلاع رسانی می شود. بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۸۸ « برنامه ملاقات عمومی باید به گونه ای تنظیم شود که هر محکوم دستکم هفته ای یک بار ملاقات داشته باشد و مدت آن کمتر از ۲۰ دقیقه نباشد.»

« رد و بدل کردن نامه و اشیاء مجاز بدون اجازه رییس زندان یا نماینده وی به هرگونه که باشد، میان ملاقات کننده و محکوم به کلی ممنوع است و مأمور ملاقات موظف به حفظ انتظام، انضباط کامل و اجرای دقیق ملاقات خواهد بود. » (ماده ۱۹۱ آ.س.ز)

« متهم یا محکومی که ممنوع الملاقات نباشد می تواند در هر هفته دو نامه به عنوان همسر و فرزندان، والدین، وکیل رسمی و یا به دیگر بستگان، دوستان و مقام های قضایی و در هر ماه یک نامه به عنوان مقام های رسمی کشور، با رعایت موازین شرعی و قانونی نوشته و ارسال دارد. » (ماده ۱۹۸ آ.س.ز). در تبصره ذیل این ماده آمده است: « متهم یا محکوم ممنوع الملاقات می تواند با اجازه دادستان یا مقام قضایی رسیدگی کننده در صورت لزوم نامه سرگشاده به خانواده و وکیل رسمی نوشته و پس از تایید مقام قضایی ارسال دارد.»

«نامه های صادره شده و وارده محکوم یا متهم باید بوسیله مسئول ارسال نامه های محکومان که از بین مأموران مجرب و مورد اعتماد موسسه زندان انتخاب می شود دقیقاً بررسی و مطالعه شده و پس از امضاء و مهر قسمت مذکور به مقصد ارسال شود.» (ماده ۲۰۰ آ.س.ز) علت مطالعه این نامه ها هرچه که باشد کاملاً غیر موجه به نظر می رسد. اگر امکان تبانی یا گزارش دروغ یا هر چیز دیگری که جرم به حساب می آید در نامه وجود داشته باشد، باید اصل را بر براءت گذاشت و تعقیب و مجازات را به پس از وقوع جرم واگذار کرد. خواندن نامه خصوصی فرد، نقض حریم شخصی او و حتی ممکن است موجب

مفسده باشد. قانون گذار در ماده بعد (۲۰۱) مواردی که درج آن در نامه را خلاف و ارسال آن را ممکن نمی داند به این شرح اعلام می کند: « نامه هایی که نوشته های آن مفسده انگیز یا مخالف با آیین نامه های موسسه یا زندان یا خلاف نظم و عفت عمومی و اخلاق حسنه بوده یا موجب هتک حرمت اشخاص شود یا متضمن الفاظ رکیک و مستهجن و ناسزا، تهدید و یا تهمت و افترا باشد و همچنین عرض حال های ناموجه و مکرر درباره موضوع هایی که از پیش مورد رسیدگی قرار گرفته و تهیه و ارسال آنها صرفاً به منظور مزاحمت باشد به دستور رییس موسسه یا زندان ضبط شده و نویسنده نامه بر اساس مقررات این آیین نامه تنبیه انضباطی و یا تحت تعقیب جزایی قرار خواهد گرفت.»

در این بین « در صورتی که محکوم از نحوه اجرای بازداشت یا حبس خود و یا هر امر دیگر از امور بازداشتگاه، موسسه و زندان شکایت داشته باشد می تواند شکایت خود را با ذکر دلیل ضمن نامه ای سر بسته بطور مستقیم به رییس زندان اعلام نماید و رئیس زندان مکلف است این قبیل نامه ها را به مراجع مربوط ارسال دارد.» (ماده ۲۰۹ آ.س.ز)

## شورای انضباطی زندان

این شورا به منظور رسیدگی به تخلفات محکومان و متهمان و از افراد ذیل تشکیل شده است:

مسئولان واحدهای قضایی، بازپروری، حفاظت اطلاعات، رییس اندرزگاه مربوط و یک نفر مددکار با انتخاب رییس زندان. تنبیه های انضباطی در نظر گرفته شده در آیین نامه اجرایی زندان ها به شرح ذیل می باشد:

۱- محرومیت از ملاقات حداکثر سه نوبت.

۲- محرومیت از مرخصی تا ۳ ماه.

۳- عدم پیشنهاد عفو و آزادی مشروط حداکثر تا بیست روز.

۴- نگهداری در واحدهای تک نفره حداکثر تا بیست روز.

شورای انضباطی صرفاً یک سوم از مجازات های فوق را می تواند مستقیماً صادر کند برای بیش تر از یک سوم باید قاضی ناظر زندان نیز موافقت خود را اعلام نماید. همچنین شورای انضباطی می تواند اجرای این تنبیهات را تا ۶ ماه تعلیق کند و در صورتیکه محکوم دوباره مبادرت به بی انضباطی کرد به مرحله اجرا در آورد. هرگاه اعمال ارتكابی محکوم علاوه بر تخلف انضباطی واجد وصف جزایی یا حقوقی باشد، ضمن محکومیت به تنبیه های مندرج در آیین نامه مراتب به قاضی ناظر به منظور اتخاذ تصمیم گزارش می گردد. (ماده ۱۷۸ آ.س.ز)

## وظایف قاضی ناظر زندان

- ۱- اعمال نظارت بر امور محکومان از حیث پیشبرد اهداف بازپرورانه
- ۲- شرکت در شورای طبقه بندی، ملاحظه پرونده شخصیت محکوم و اتخاذ تصمیم در مورد شیوه اعمال کیفر
- ۳- اعلام تخلف های آیین نامه ای و قانونی محکومان و متهمان به مراجع قضایی مربوط، در مواردی که متضمن جرم باشند.
- ۴- صدور مجوز به منظور ملاقات نمایندگان سیاسی و کنسولی اتباع خارجی که در حال تحمل کیفر یا بازداشتند.
- ۵- اعطای مرخصی به محکومان با ملاحظه پیشرفت های بازپرورانه و مقرات آیین نامه.
- ۶- مطالعه پرونده افراد تحت قرار بازداشت موقت یا کسب اطلاع از پرونده آنان به وسیله دفتر حمایت از حقوق شهروندی سازمان
- ۷- صدور مجوز قانونی به منظور ملاقات و کیلان و مشاوران حقوقی با موکلان خود
- ۸- برگزاری جلسه های هفتگی پرسش و پاسخ با محکومان و متهمان به منظور حل مشکلات قانونی برآمده از نحوه اجرای کیفرها و پاسخگویی به مشکلات حقوقی آنان.

## منابع استفاده شده در متن

- ۱- دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان ها / مصوب ۹۵/۶/۱۷ / رئیس قوه قضاییه
- ۲- قانون جرم سیاسی / مصوب ۹۴/۱۱/۴ مجلس شورای اسلامی / تایید ۹۵/۲/۲۹ شورای نگهبان
- ۳- قانون اصلاح آیین دادرسی کیفری / مصوب ۹۴/۳/۲۴ مجلس شورای اسلامی / تایید ۹۴/۳/۲۷ شورای نگهبان / لازم الاجرا از تاریخ ۹۴/۴/۱
- ۴- قانون آیین دادرسی کیفری / مصوب ۹۲/۱۲/۴ مجلس شورای اسلامی / تایید ۹۲/۱۲/۲۶ شورای نگهبان / لازم الاجرا از تاریخ ۹۳/۲/۱۸
- ۵- قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز / مصوب ۹۲/۱۰/۳ مجلس شورای اسلامی / تایید ۹۲/۱۰/۱۸ شورای نگهبان
- ۶- قانون مجازات اسلامی (کلیات - حدود- قصاصو دیات) / مصوب ۹۲/۲/۱ مجلس شورای اسلامی / تایید ۹۳/۲/۱۱ شورای نگهبان / لازم الاجرا از تاریخ ۹۲/۳/۲۲
- ۷- قانون جرایم رایانه ای / مصوب ۸۸/۳/۵ مجلس شورای اسلامی / تایید ۸۸/۳/۲۰ شورای نگهبان
- ۸- آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور / مصوب ۸۴/۹/۲۰
- ۹- قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی / مصوب ۸۳/۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی / تایید ۸۳/۲/۱۶ شورای نگهبان
- ۱۰- دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی / مصوب ۸۳/۸/۳۰ ریاست قوه قضاییه
- ۱۱- کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات بازدارنده) / مصوب ۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی / لازم الاجرا از تاریخ ۷۵/۴/۱۹
- ۱۲- قانون تبدیل شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور به سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور / مصوب ۶۴/۱۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی
- ۱۳- قانون فعالیت احزاب ، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت دینی شناخته شده / مصوب ۶۰/۶/۷ مجلس شورای اسلامی
- ۱۴- قانون اساسی مصوب ۶۸/۵/۶